



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِعَيْنِ الْحَمْدِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِمَا الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدَ الْأَبَدِينَ

قال الله تعالى في القرآن الكريم: الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا

مناسک غدیر خم

فضائل و آداب و ادعیه و ادکار و نمازهای شب و روز غدیر
خطبه شریفه نبویه - مشهد غدیر خم - شمایل قدسیه

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

دائر المعارف الإلهیّة

تحقیق و تدوین و نشر: پژوهشگر علوم فقه آئین الهی بنیاد حیات اعلی

جشن غدیر خم بزرگترین عید الهی



ابلاغ رسالت الهی و اکمال دین آسمانی با اعلام خلافت خدایی و اظهار حقیقت نامتناهی

در غدیر خم بر همه اهل حق مبارک باد

۱۸ ذی حجه مبارکه را گرمی داشته و این روز فرخنده را

به حضرت قدسیه وجه الله و قبله حقیقیه عباد الله؛

مولانا صاحب الامر ارواحنا فداه تبریک عرض می کنیم

این عید سعید بر همه علویان مبارک باد



وَلَا تَقْبَلُوا لَهُ مِيراثًا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ عَشِيرَتٌ أُولِي بَالٍ

نمایه مطالب کتاب مناسک غدیر خم

۶	آئین هنگام عید سعید غدیر خم
۸	مبحث اعمال شب عید سعید غدیر
۸	خلاصه اعمال عید سعید غدیر
۸	شرح اعمال عید سعید غدیر
۸	نماز مخصوص شب عید سعید غدیر
۱۰	دعای شب عید سعید غدیر
۱۱	مبحث اعمال روز عید سعید غدیر
۱۱	خلاصه اعمال روز عید سعید غدیر
۱۲	شرح اعمال روز عید سعید غدیر
۱۲	اول: تحصیل آمادگی
۱۳	دوم: استعاذه
۱۵	سوم: ابراز تسلیم و التزام به فرمان الهی
۱۶	چهارم: شکرگزاری (ذکر، نماز، سجده) برای اكمال دين
۴۱	پنجم: نتیجه گرفتن از نیایش روز غدیر
۵۴	ششم: زیارت و سلام و صلوات و بیعت
۵۴	زیارت حضرت مولا علي عليه السلام (به اشاره)
۵۵	زیارت حضرت مولا علي عليه السلام (به اختصار)

۵۷	زیارت حضرت مولا علی علیه السلام (به تفصیل)
۷۵	شرح آداب مراسم بیعت
۷۷	نحوه بیعت با حضرت مولا علی علیه السلام
۸۳	هفتم: اجتناب از حزن؛ و ابراز سرور و ایجاد و مشارکت در مجالس اهل حق
۸۴	هشتم: نوشیدن و خوردن و اطعام و احسان و صله و عیدی
۸۵	نهم: مصافحه و معاهده (هم پیمانی) اهل حق درباره مولا علیه السلام
۸۶	دهم: برگزاری مجلس غدیر
۸۸	متن خطبه نبوی صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم
۱۱۵	ترجمه خطبه نبوی صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم
۱۳۹	شمه ای از اسرار ظهور حقیقت حضرت مولا علی علیه السلام در غدیر خم
۱۵۳	سیر رخداد های مقدماتی تا نهایت اکمال دین در غدیر خم



آئین، سنگام، عید مسجد غدیر خم

سؤال: مهمترین عید در نزد اهل حق کدام است؟ آیا اعمال مخصوصی دارد؟

جواب:

❧ ۱- بزرگترین عید اهل حق همان عیدی است که در کلام خازنان وحی علیه السلام به **عید الله اکبر** توصیف شده و آن **عید غدیر** است.

❧ ۲- اعمال بسیاری در شب و روز عید غدیر در کلام خازنان وحی علیه السلام توصیه شده است، که در مجامع اعمال و آداب کتب کلام مقدس و از جمله آنها کتاب اقبال الأعمال سید بن طاووس به تفصیل شرح شده است.

❧ ۳- این اعمال توصیه شده؛ انواع مختلفی دارد: تحصیل بیشتر طهارت ظاهری و باطنی، غسل، وضو، تعطیر، تزیین، استعاذه، تحصیل معرفت، احیای شب به عبادت و معرفت، ذکر، نماز، دعا، روزه، زیارت حضرات معصومین علیه السلام از نزدیک و دور، زیارت مسجد غدیر خم (در نزدیکی میقات جحفه)، تلاوت کلام وحی و خازنان وحی علیه السلام (خصوصاً فصول مربوط به واقعه غدیرخم، بازگویی کلام شریف (خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله) و مذاکره آن برای اهل حق، اقامه مجلس احیای امر الهی و جشنواره نورانی، شاد نمودن اهل حق، اطعام، انفاق، انعام و احسان (عیدی دادن)، شکر بر نعمت معرفت و ولایت، عرض تبریک به حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و حضرت مولای علی علیه السلام و حضرات معصومین علیه السلام، تجدید بیعت با مقام ولایت کبری و ولی اعظم زمان و خلیفه الله دوران حضرت صاحب الأمر (منه السلام)، براءت از اضداد و طواغیت و ناصبین و منکرین و مقصرین.

۱- اعمال مذکوره هم علیرغم تعدد انواع؛ ولی هر کدام نمونه مختصر و نمونه مفصل دارد؛ بطوریکه برای همه افراد و همه شرایط انجام انواع آن فراهم و میسر باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: **عَلَى**

مَوْلَاكَ
فَهَذَا
مَرْبُّكَ مَوْلَاكَ

اعمال شب عید سعید غدیر

خلاصه

- ۱- نماز مخصوص این شب (۱۲ رکعت به يك سلام).
- ۲- دعای شب غدیر (۱۸ ذی حجه).
- ۳- احیای این شب (۱۸ ذی حجه) به معرفت و ذکر و عبادت.

شرح

نماز مخصوص شب عید غدیر

🕌 ۵- نماز شب غدیر: از اعمال این هنگام؛ ۱۲ رکعت نماز مخصوصی است که در این شب (عید غدیر) بجای آورده می شود، که برخلاف روش معمول در انجام نمازهای مستحبی (که تعداد رکعاتش هر قدر باشد؛ اما دو رکعتی بجا آورده شده و در هر دو رکعت سلام داده می شود) ولی در این نماز همه ۱۲ رکعت به هم پیوسته و متوالیا بجای آورده شده؛ و در هر دو رکعت فقط تشهد خوانده، و فقط در تشهد آخر رکعت دوازدهم نماز سلام می دهد.

🕌 در این نماز در هر يك از رکعات اول تا یازدهم؛ سوره حمد ۱۰ بار و سوره توحید ۱۰ بار و آیت الکرسی یکبار، اما در رکعت دوازدهم سوره حمد هفت بار و سوره توحید هفت بار، و قنوت هم فقط در رکعت دوازدهم بجای آورده که در آن این دعا را می خواند:

* لا اله الا الله * وحده لا شريك له * له الملك وله الحمد *
يحيي ويميت * ويميت ويحيي * وهو حي لا يموت * بيده
الخير * وهو على كل شيء قدير *

✎ و سپس ركوع و سجود (ركعت آخر) را بجای آورده، و در سجود آن؛ ده بار
این تسبیح را می گوید:

* سبحان من أحصى كل شيء علمه * سبحان من لا ينبغي
التسبيح إلا له * سبحان ذي المَنِّ والنعم * سبحان ذي
الفضل والطول * سبحان ذي العزِّ (العزة) والكرم * أسئلك
بمعاهد العز من عرشك * و منتهى الرحمة من كتابك * و
بالاسم الأعظم و كلماتك التامة * أن تصليَّ على محمد رسولك و
أهل بيته الطيبين الطاهرين * وأن تفعل بي ... (ذكر حاجت) * إنَّك
سميع مجيب *

دعای شب عید غدیر

✎ ۶- دعای شب غدیر: و از اعمال این هنگام؛ در این شب (عید غدیر)
مناجات و خواندن خداوند با ادعیه مناسب آن می باشد، خواندن این دعا به
خصوص وارد شده است:

* اللَّهُمَّ انك دعوتنا إلى سبيل طاعتك؛ و طاعة نبيك؛ و وصيه

و عترته * دعاء؛ له نور و ضياء، و بهجة و استنار * فدعانا
نبيك لوصيه يوم غدیر خم * فوفقتنا للإصابة و سددتنا
للإجابة لدعائه * فأنلنا إليك بالانابة * و أسلمنا لنبيك قلوبنا،
و لوصيه نفوسنا، و لما دعوتنا إليه عقولنا * فتمم لنا نورك، يا
هادي المضلين * اخرج البغض و المنكر و الغلو لأمينك
أمير المؤمنين و الأئمة من ولده، من قلوبنا و نفوسنا و ألسنتنا و
همومنا * و زدنا من موالاته و محبته و مودته له و الأئمة من
بعده * زيادات لا انقطاع لها * و مدة لا تنأى لها * و اجعلنا
نعادي لوليك من ناصبه * و نوالى من أحبه * و نأمل بذلك
طاعتك * يا ارحم الراحمين * اللَّهُمَّ اجعل عذابك و سخطك؛
على من ناصب وليك، و جحد إمامته، و أنكر ولايته * و
قدمته أيام فتنتك؛ في كل عصر و زمان و اوان * انك على كل
شئ قدير * اللَّهُمَّ بحق محمد رسولك و عليّ وليك و الأئمة من
بعده حججك، فأثبت قلبي على دينك؛ و موالاة أوليائك؛ و
معاداة أعدائك؛ مع خير الدنيا و الآخرة * تجمعها لي و لأهلي و
ولدي و إخواني المؤمنين * انك على كل شئ قدير *

اعمال روز عید سعید غدیر

۷- در اعمال روز غدیر وظایف و برنامه هایی گوناگونی وارد شده است:

خلاصه

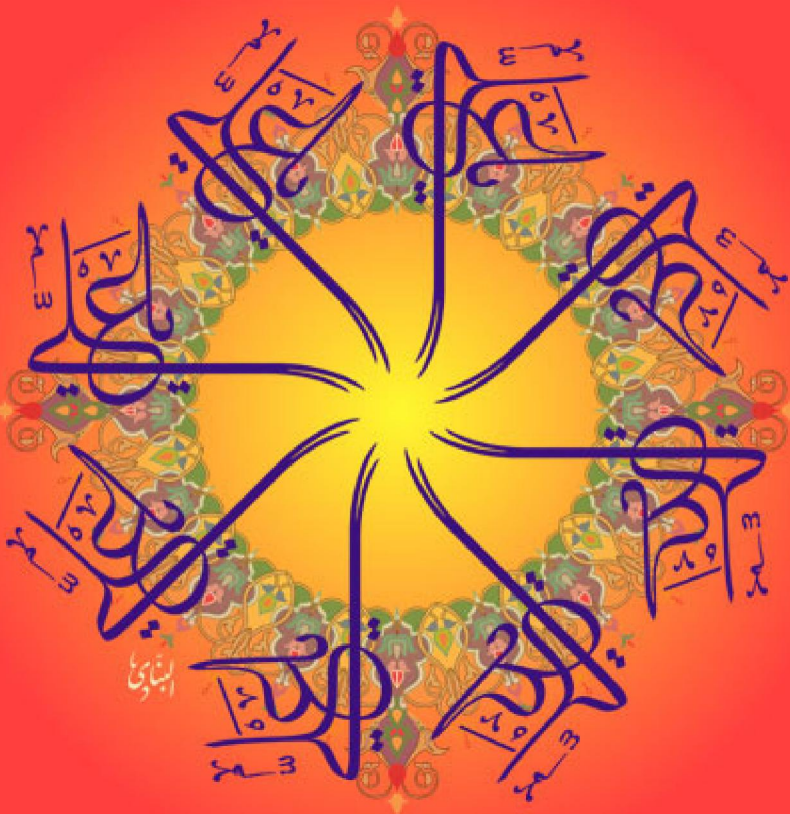
۱- تحصیل آمادگی: نظافت و طهارت و وضو و غسل و لباس تمیز و نو و فاخر پوشیدن و معطر نمودن. ۲- استعاذه: قبل از شروع اعمال در روز غدیر. ۳- ابراز تسلیم به فرمان الهی. ۴- دعا و نماز و سجده شکرگزاری. ۵- نتیجه گرفتن از نیایش روز غدیر. ۶- زیارت حضرت مولا امیر المؤمنین علیه السلام و بیعت با حضرتش. ۷- اجتناب از غم و حزن؛ و اظهار سرور و شادی؛ و ایجاد و مشارکت در مجالس سرور اهل حق. ۸- نوشیدن و خوردن و اطعام و احسان به اخوان اهل حق، و صله و عیدی دادن. ۹- مصافحه و معاهده (هم پیمانی) علویان درباره مولا علیه السلام. ۱۰- برگزاری مجلس معرفت، و تلاوت کلام وحی و کلام خازنان وحی علیه السلام مربوط به این هنگام؛ به خصوص شرح واقعه مأموریت الهی ابلاغ، و تلاوت و استماع خطبه حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله در غدیر خم.

مکتب مولانا محمد علی مولانا

شرح

اول: تحصیل آمادگی: با نظافت و طهارت و وضو و غسل و لباس تمیز و نو و فاخر پوشیدن و معطر نمودن.

پیش از ظهر روز غدیر قبل از غسل؛ نظافت نماید، و نزدیک زوال به نیم ساعت، غسل کند، و پس از غسل، لباس تمیز و نو و فاخر بپوشد؛ و خود را معطر نماید، و طهارت وضو انجام دهد.



دوم: استعاذه: قبل از شروع اعمال در روز غدیر.

ﷺ حضرت رسول الله ﷺ برای برنامه استمرار منصب الهی زعامت امت اسلامی؛ از جانب خداوند متعال؛ در روزهای آخر عمر شریفش مأموریت یافت؛ تا با اعلان عمومی و رسمی وصایت و خلافت الهی حضرت مولا علی علیه السلام در حجة الوداع و اجتماع مسلمانان همه بلاد؛ رسالت خود را به اتمام؛ و دین اسلام را به اكمال رساند، وقتی که منافقین صحابه از این مأموریت آسمانی مطلع شدند؛ با ارتکاب تهدیدها و توطئه هایی در عرفات و منی و مکه؛ سعی کردند تا (حضرت پیامبر اکرم ﷺ را ترور کرده؛ و با ایجاد آشوب در امت) حضرتش را از ابلاغ پیام عظیم خداوند و به انجام رساندن مأموریت نبوت بازدارند، اتفاق این توطئه ها؛ سبب به تأخیر افتادن این امر گردید، حق تعالی با نزول وحی؛ حفاظت حضرت و امتش را در انجام این مأموریت الهی ضمانت فرمود، و لذا در آخرین فرصت از حضور همگانی مسلمانان در حجة الوداع؛ در محل غدیر خم بدان اقدام فرمود، و در روز غدیر حضرتش برای دفع مکر و کید و شر منافقین؛ با استعاذه و دعای حفظ از خداوند متعال استمداد نمود، تا اخلاقی در تحقق برنامه و مأموریت الهی او در غدیر خم رخ نداده و آسیبی به کسی نرسد، ازین رو مستحب است اهل ایمان برای حفظ خویش با این دعا در این روز استعاذه و استمداد از حق نمایند:

* بسم الله الرحمن الرحيم * بسم الله خير الأسماء * بسم الله رب الآخرة والأولى * ورب الأرض والسماء * الذي لا يضر مع اسمه كيد الأعداء * وبها تدفع كل الاسواء * وبالقسم بها

يكفى من استكفى * اللَّهُمَّ انت رب كل شىء وخالقه * و
بارى كل مخلوق ورازقه * ومحصى كل شىء وعالمه * وكافى
كل جبار وقاصمه * ومعين كل متوكل عليه وعاصمه * وبرّ
كل مخلوق وراحمه * ليس لك ضد فيعاندك * ولا ندّ
فيقاومك * ولا شبهه فيعادلک * تعاليت عن ذلك علوا كبيرا
* اللَّهُمَّ بك اعتصمت واستقيمت * وإليك توجهت وعليك
اعتمدت * يا خير عاصم وأكرم راحم وأحكم حاكم و
أعلم عالم * من اعتصم بك عصمته * ومن استرحمك رحمته
* ومن استكفأك كفيته * ومن توكل عليك أمنت هديته *
سمعا لقولك يا رب وطاعة لأمرک * اللَّهُمَّ أقول وبتوفيقك
أقول و على كفايتك أعول * وبقدرتك أطول * وبك أستكفي
وأصول * فاكفني اللَّهُمَّ وأنقذني * وتولني واعصمني وعافني
* وامنع مني وخذلي وكن لي بعينك ولا تكن على *
اللَّهُمَّ انت ربي * عليك توكلت وإليك انبت * وإليك المصير *
وانت على كل شىء قدير *



سوم: ابراز تسلیم و التزام خود به فرمان و انتخاب الهی:

بعد از استعاذه؛ برای ابراز پذیرش خود؛ دستها را روی زمین بگشاید و با این دعا قبل از زوال؛ بگوید:

* اللَّهُمَّ ان هذا اليوم؛ شرفتنا فيه بولاية وليك؛ على (صلوات الله عليه) *
و جعلته أمير المؤمنين * وأمرتنا بموالاته وطاعته * وأن نتمسك
بما يقربنا اليك * ويزلفنا لديك أمره ونهيه * اللَّهُمَّ قد قبلنا أمرك
ونهيك * وسمعنا وأطعنا لنبيك، و سلمنا ورضينا * فنحن موالي
علي (صلوات الله عليه) وأولياؤه كما أمرت * نواليه ونعادي من يعاديه
* ونتبرأ ممن تبرأ منه * ونبغض من أبغضه ونحب من أحبه * و
علي (صلى الله عليه) مولانا كما قلت، و اماننا بعد نبينا ﷺ كما أمرت *



چهارم: شکرگزاری خداوند برای نعمت اتمام رسالت و اکمال دین و آشکار شدن مسیر امامت و رهبری الهی:

❖ با نزدیکتر شدن به زوال؛ (زمان واقعه غدیر خم) با دعا و سجده و ذکر و نماز شکر الهی را بجا آورد.

دعای شکرگزاری

🕋 در ابتدا با وقار و هیبت و آرامش و توجه دعا کند و بگوید:

* الحمد لله رب العالمين * كما فضلنا في دينه؛ على من جحد و عند، و في نعيم الدنيا على كثير ممن عمد و هداانا بمحمد نبيه ﷺ
* و شرفنا بوصيه و خليفته في حياته و بعد مماته؛ أمير المؤمنين (صلی الله علیه) * اللهم ان محمدا ﷺ نبينا كما أمرت، و عليا (صلی الله علیه) مولانا كما أقمّت * و نحن موالیه و أولیاءه ﷺ *

نمازهای شکرگزاری

🕋 آنگاه در زمان اعلام ولایت و خلافت حضرت مولا علي ﷺ (نیم ساعت قبل از زوال) نمازهایی که برای شکرگزاری خداوند (برای رخداد واقعه غدیر خم) وارد شده است را (به قدر توان) بجا آورد:

الف: دو رکعت نماز: در رکعت اول بعد از سوره حمد؛ سوره قدر (آن چنان که نازل شده است)، در رکعت دوم بعد از سوره حمد؛ سوره توحید (آن چنان که نازل شده است).

در تعالیم مکتب وحی آمده است: هر که این عمل (نماز و سجده شکر و دعای بعد نماز) را بجای آورد؛ فضیلت کسی را خواهد داشت که در واقعه غدیر خم حاضر شده و با حضرت رسول الله ﷺ و امیرالمؤمنین علیاً از روی صدق بیعت نموده؛ و به درجه شهادت در رکاب حضرت رسول الله ﷺ و امیرالمؤمنین علیاً و امام حسن علیاً و امام حسین علیاً نائل شده؛ و نیز به حضور در لشکر حضرت قائم علیاً موفق شده است.

ب: دو رکعت نماز: در هر رکعت بعد از سوره حمد؛ سوره توحید را ۱۰ بار، و آیت الکرسی (تا... هم فیها خالدون) را ۱۰ بار، و سوره قدر را ده بار می خواند. انجام این نماز نزد خداوند ثواب صد هزار حج و صد هزار عمره را داشته؛ و هیچ حاجت دنیوی یا اخروی نخواهد مگر اینکه برآورده شود، هر چه باشد آن حاجت، ان شاء الله.

ج: دو رکعت نماز: در هر رکعت هر کدام از سوره حمد و توحید و قدر و آیت الکرسی را ده بار می خواند. که ارزش این نماز برابر است با صد هزار حج و صد هزار عمره است و باعث برآوردن شدن حوائج دنیا و آخرت می شود.

سجده های شکرگزاری

سپس سجده های شکر بعد از نماز را بجای آورد؛ ابتدا به سجده رفته و با گفتن ۱۰۰ بار ذکر "شکراً لله" خداوند تعالی را برای نعمت بزرگ اعلان ولایت و خلافت سپاس می گوید، و در ادامه در سجده بگوید:

* اللهم إياك نعبد و لك نخضع و لك نسجد * على ملة إبراهيم و دين محمد و ولاية علي (صلواتك عليهم أجمعين) * حنفاء مسلمين و ما نحن

من المشركين ولا من الجاحدين * اللَّهُمَّ العن الجاحدين
المعاندين المخالفين لأمرك وأمر رسولك ﷺ * اللَّهُمَّ العن
المبغضين لهم لعنا كثيرا * لا ينقطع أوله ولا ينفذ آخره * اللَّهُمَّ
صل على محمد وآله * وثبتنا على مولاتك وموالاته رسولك وآل
رسولك وموالاته أمير المؤمنين (صلوات الله عليهم) * اللَّهُمَّ آتنا في الدنيا
حسنة وفي الآخرة حسنة * وأحسن منقلبنا يا سيدنا ومولانا *

❖ آنگاه سراز سجده بردارد، و خدای را با این دعا بخواند:

* اللَّهُمَّ انی أسئلك بأن لك الحمد * وحدك لا شریک له * وأنک
واحد أحد صمد * ولم تلد ولم تولد ولم یکن لك کفوا أحد،
وأن محمدا عبدك ورسولك (صلواتك علیه وآله) * یا من هو کل یوم فی
شأن * كما كان من شأنك أن تفضلت علی * بأن جعلتني من
أهل اجابتك وأهل دینك وأهل دعوتك * ووفقتني لذلك فی
مبتدء خلقي * تفضلا منك وكرما وجودا * ثم أردفت الفضل
فضلا والجود جودا والكرم کرما * رافة منك ورحمة * إلى أن
جددت ذلك العهد لی تجديدا * بعد تجدیدك خلقي * و كنت
نسیا منسیا ناسیا ساهیا غافلا * فأقمت نعمتك بأن ذكرتني
ذلك * ومنتت به علی وهدیتني له * فلیکن من شأنك * یا
الهی و سیدی و مولای * أن تتم لی ذلك * ولا تسلبنیه حتی

تتوفاني على ذلك * وأنت عنى راض * فانك أحق المنعمين أن
تتم نعمتك علي * اللهم سمعنا وأجبنا داعيك بمنك * فلك
الحمد * غفرانك ربنا * واليك المصير * آمنا بالله وحده * لا
شريك له * وبرسوله محمد ﷺ * وصدقنا وأجبنا داعي الله *
واتبعنا الرسول في موالاته مولانا ومولى المؤمنين * أمير المؤمنين
علي بن أبي طالب * عبد الله وأخي رسوله * والصديق الأكبر
* والحجة على بريته * المؤيد به نبيه ودينه الحق المبين * علما
لدين الله * وخازنا لعلمه * وعيبة غيب الله * وموضع سر
الله * وأمين الله على خلقه * وشاهده في بريته * اللهم اننا
سمعنا مناديا ينادى للإيمان * أن آمنوا بربكم فآمنا * ربنا
فاغفر لنا ذنوبنا * وكفر عنا سيئاتنا * وتوفنا مع الأبرار *
ربنا وآتنا ما وعدتنا على رسلك * ولا تخزنا يوم القيامة * انك
لا تخلف الميعاد * فانا يا ربنا؛ بمنك ولطفك أجبنا داعيك *
اتبعنا الرسول وصدقناه * وصدقنا مولى المؤمنين * وكفرنا
بالجبت والطاغوت * فولنا ما تولينا * واحشرنا مع أئمتنا *
فانا بهم مؤمنون موقنون ولهم مسلمون * آمنا بسرهم و
علانيتهم * وشاهدهم وغائبهم وحيهم * ورضينا بهم أئمة و
قادة وسادة * وحسابنا بهم * بيننا وبين الله دون خلقه *

لا نبتغي بهم بدلاً * ولا نتخذ من دونهم وليجة * و برئنا الى الله
 من كل من نصب لهم حرباً * من الجن و الإنس * من الأولين و
 الآخرين * و كفرنا بالجبت و الطاغوت و الأوثان الأربعة * و
 أشياعهم و أتباعهم و كل من والاهم * من الجن و الإنس * من
 أول الدهر إلى آخره * اللهم انا نشهدك * أنا ندين بما دان به
 محمد و آل محمد (صلى الله عليه و عليه) * و قولنا ما قالوا * و ديننا ما
 دانوا به * ما قالوا به قلنا * و ما دانوا به دنا * و ما أنكروا
 أنكرنا * و من والوا والينا * و من عادوا عادينا * و من لعنوا
 لعنا * و من تبرؤا منه تبرأنا منه * و من ترحموا عليه * آمنا و
 سلمنا و رضينا و اتبعنا موالينا (صلوات الله عليهم) * اللهم فتمم لنا
 ذلك و لا تسلبناه * و اجعله مستقراً ثابتاً عندنا * و لا تجعله
 مستعاراً * و أحيما ما أحييتنا عليه * و امتنا إذا أمتنا عليه *
 آل محمد أئمتنا فبهم نأتم و إياهم نوالى * و عدوهم عدو الله
 نعادي * فاجعلنا معهم في الدنيا و الآخرة؛ و من المقربين * فانا
 بذلك راضون * يا أرحم الراحمين *

بعد از آن باز به سجده رفته و صدبار خدای را حمد (الحمد لله) و نیز صدبار
 شکر (الشكر لله) گزارد.



پنجم: نتیجه گرفتن از نیایش روز غدیر:

❖ و بعد از آن دعاهای بعد نماز را می خواند، که حاوی مضامین عالیّه مشتمل بر استغفار و مناجات و طلب رحمت الهی و اظهار معرفت شایسته این روز؛ و درخواست حوائج اخروی و دنیوی است، دعاهای متعددی در این باره وارد شده است، که به قدر توفیق و فرصت و نشاط از آنها بهره می توان برد:

دعای اوّل بعد از نماز روز عید غدیر

* اللَّهُمَّ بنورك اهتديت * و بفضلك استغنيت * و قلت و قولك الحق: ﴿و لو أنهم إذ ظلموا أنفسهم؛ جاؤوك فاستغفروا الله؛ و استغفر لهم الرسول؛ لوجدوا الله توابا رحيماً﴾ * و قلت: ﴿ما يعبؤ بكم ربى لولا دعاؤكم﴾ * و قلت: ﴿و إذا سئلك عبادي عني؛ فاني قريب؛ أجيب دعوة الداع إذا دعان﴾ * اللَّهُمَّ فاني أسئلك؛ و أشهدك و أشهد ملائكتك؛ أنك ربى * لا اله الا أنت؛ عليك توكلت * و أن محمدا عبدك و رسولك نبي ﷺ * و أن عليا أمير المؤمنين مولاي و ولي (عليه و آله السلام) * أسئلك أن تغفر لي في هذا اليوم؛ و في هذا الوقت؛ ما سلف من ذنوبي * و تصلحني فيما بقى من عمري * اللَّهُمَّ إيماناً بك؛ و تصديقا بوعدك * حتى أكون على النهج الذي ترضاه؛ و الطريق الذي تحبه * فانك عدتي عند شدتي و ولي نعمتي * اللَّهُمَّ انى أسئلك

نفحة من نفحاتك؛ كريمة تلم بها شعبي * وتصلح بها شأني؛ و
توسع بها رزقي * وتقضى بها ديني؛ وتعيني بها على جميع
أموري * فانك عند شدتي * فأسئلك بحق محمد وآل محمد *
أن تصلى على محمد وآل محمد * وأن تصلح لي أحوال الدنيا و
الآخرة * اللهم اني أسئلك؛ ولم يسأل السائلون أكرم منك * و
أطلب إليك؛ ولم يطلب الطالبون إلى أحد أجود منك * أن
تصلى على محمد وآل محمد * وأن تبلغني في هذا اليوم أمنية
الدنيا والآخرة * اللهم فارح الغم و محبب دعوة المضطرين *
اللهم فارح الغم اني مغموم ففرج عني * اللهم اني مهموم
فاكشف همي * اللهم اني مضطرب فسهل لي * اللهم اني مديون
فاقض ديني * اللهم اني ضعيف فقوّ ضعفي * اللهم اني أسئلك
من رزقك؛ رزقا واسعا حلالا طيبا * أستعين به؛ وأعيش به
بين خلقك * رزقا من عندك؛ لا أبذل فيه وجهي لأحد من
عبادك * أنت حسبي ونعم الوكيل * اللهم اغفر لي ولوالدي و
ما ولدا؛ وأهل قرابتي وإخواني؛ من عرفت و من لم أعرف *
اللهم اجزهم بأحسن أعمالهم * وأوصل إليهم الرحمة والسرور
* واحشرهم مع رسولك وأمير المؤمنين وأوليائهم * انك على

كل شيء قدير * اللهم مالك الملك * تؤتي الملك من تشاء * و
تنزع الملك ممن تشاء * وتعز من تشاء * وتذل من تشاء *
بيدك الخير * انك على كل شيء قدير * و صلى الله على محمد و
أهل بيته وسلم *

دعائي دوم بعد از نماز روز عيد غدیر

* اللهم اني أسئلك بحق محمد نبيك و علي وليك * والشأن و
القدر الذي خصصتهما به دون خلقك * أن تصلي على محمد و
علي * وأن تبدأ بهما في كل خير عاجل * اللهم صل على محمد و
آل محمد * الأئمة القادة * والدعاة السادة * والنجوم الزاهرة
* والأعلام الباهرة * وساسة العباد * وأركان البلاد * و
الناقة المرسله * والسفينة الناجية؛ الجارية في اللجج الغامرة *
اللهم صل على محمد و آل محمد * خزان علمك * وأركان
توحيدك * ودعائم دينك * ومعادن كرامتك * و صفوتك من
بريتك * وخيرتك من خلقك * الأتقياء النجباء الأبرار * و
الباب المبثلي به الناس * من أتاه نجي * و من أباه هوى * اللهم
صل على محمد و آل محمد * أهل الذكر الذين أمرت بمسألتهم *
و ذوى القربى الذين أمرت بمودتهم * وفرضت حقهم * و

جعلت الجنة معاد من اقتفى آثارهم * اللهم صل على محمد وآل
محمد * كما أمروا بطاعتك * ونهوا عن معصيتك * ودلوا
عبادك على وحدانيتك * اللهم اني أسئلك بحق محمد نبيك و
نجيبك * وصفوتك وأمينك * ورسولك إلى خلقك * وبحق
أمير المؤمنين؛ ويعسوب الدين؛ وقائد الغر المحجلين * الوصي
الوفاي؛ والصديق الأكبر؛ والفاروق بين الحق والباطل * و
الشاهد لك؛ والدال عليك * والصادع بأمرك؛ والمجاهد في
سبيلك * لم تأخذ فيك لومة لائم * أن تصلى على محمد وآل
محمد * وأن تجعلني في هذا اليوم؛ الذي عقدت فيه لوليك
العهد في أعناق خلقك * وأكملت لهم الدين * من العارفين
بجرمته * والمقرين بفضله * من عتقائك وطلقائك من النار
* ولا تشمت بي حاسدى النعم * اللهم فكما جعلته عيدك
الأكبر * وسميته في السماء يوم العهد المعهود * وفي الأرض
يوم الميثاق المأخوذ؛ والجمع المسؤول * صل على محمد وآل
محمد * وأقرر به عيوننا * واجمع به شملنا * ولا تضلنا بعد
إذ هديتنا * واجعلنا لأنعمك من الشاكرين * يا أرحم
الراحمين * الحمد لله الذي عرفنا فضل هذا اليوم * وبصرنا

حرمتہ؛ و کرمانا بہ؛ و شرفنا بمعرفته؛ و ہدانا بنورہ * یا رسول
 اللہ یا امیر المؤمنین * علیکما و علی عترتکما و علی محبیکما
 منی افضل السلام * ما بقی اللیل و النہار * و بکما أتوجه إلى
 اللہ ربی و ربکما * فی نجاح طلبتی؛ و قضاء حوائجی؛ و تیسیر
 أموری * اللّٰهُمَّ انی أسئلك بحق محمد و آل محمد * أن تصلى على
 محمد و آل محمد * و أن تلعن من جحد حق هذا اليوم * و
 أنکر حرمتہ؛ فصدد عن سبيلك لإطفاء نورك * فأبى الله الا
 أن يتم نوره * اللّٰهُمَّ فرّج عن أهل بيت محمد نبيك * و اكشف
 عنهم و بهم؛ عن المؤمنين؛ الكربات * اللّٰهُمَّ املاء الأرض بهم
 عدلا * كما ملأت ظلما و جورا * و أنجز لهم ما وعدتهم *
 انك لا تخلف الميعاد *

دعای سۆم بعد از نماز روز عید غدیر

﴿ربنا اننا سمعنا مناديا ينادي للإيمان؛ أن آمنوا بربكم؛
 فآمنا؛ ربنا فاغفر لنا ذنوبنا؛ و كفر عنا سيئاتنا و توفنا مع
 الأبرار؛ ربنا و آتنا ما وعدتنا على رسلك؛ و لا تخزننا يوم القيامة؛
 انك لا تخلف الميعاد﴾ * اللّٰهُمَّ انی اشهدك؛ و كفى بك شهيدا *
 و اشهد ملائكتك؛ و أنبياءك؛ و حملة عرشك؛ و سكان

سماواتك وأرضك (x وأرضيك) * بأنك أنت الله الذى لا اله الا أنت المعبود * الذى ليس من لدن عرشك الى قرار ارضك؛ معبود يعبد سواك؛ الا باطل مضمحل؛ غير وجهك الكريم * لا اله الا أنت المعبود؛ فلا معبود (x نعبد) سواك * فتعاليت (x تعاليت) عما يقول الظالمون علوا كبيرا * وأشهد أن محمدا ﷺ عبدك ورسولك * وأشهد أن عليا أمير المؤمنين؛ عبدك ووليهم ومولاهم ومولانا (x ومولاي) * ربنا سمعنا وأجبنا (x و جئنا) النداء؛ و صدقنا المنادى رسولك ﷺ؛ اذ نادى بنداء عنك؛ بالذى أمرته أن يبلغ عنك؛ ما أنزلت اليه؛ من ولاية ولى أمرك وموالاة ولى المؤمنين * وحذرتة وانذرتة ان لم يبلغ ما أمرته به؛ أن تسخط عليه * وانه ان (x اذا - لما) بلغ رسالاتك؛ عصمته من الناس * فنادى مبلغا عنك وحيك ورسالاتك: "ألا من كنت مولاه فعلى مولاه؛ ومن كنت وليه فعلى وليه؛ ومن كنت نبيه فعلى أميره" * ربنا فقد (x قد) أجبنا داعيك النذير المنذر محمدا ﷺ؛ عبدك ورسولك؛ الى على بن أبى طالب عليه السلام الهادى المهدى؛ عبدك الذى أنعمت عليه * وجعلته مثلا لبني اسرائيل * عليّ أمير المؤمنين؛ ومولاهم ووليهم عليه السلام * ربنا آمنا؛

و اتبعنا مولانا و ولينا و هاديننا و داعينا و داعى الأنام؛ و
صراطك السويّ المستقيم؛ و محجتك البيضاء؛ و سبيلك الداعى
اليك؛ على بصيرة هو و من اتبعه * و سبحان الله عما يشركون
بولايته و بأمره؛ ربهم؛ باتخاذ الولايج من دونه * فأشهد يا الهي
* أنه الامام الهادى المرشد الرشيد * على بن أبى طالب (صلوات الله
عليه) أمير المؤمنين * الذى ذكرت فى كتابك فانك قلت و قولك
الحق: ﴿وانه فى ام الكتاب لدينا لعلى حكيم﴾ * اللهم فانا نشهد
بأنه عبدك و الهادى (x عبدك الهادى) من بعد نبيك النذير
المنذر * و صراطك المستقيم (x والصراط المستقيم) * و امام
المؤمنين (x أمير المؤمنين)؛ و قائد الغر المحجلين * و حجتك
البالغة و لسانك المعبر عنك فى خلقك * و انه القائم بالقسط
فى بريتك بعد نبيك؛ و ديان دينك؛ و خازن علمك؛ و عيبة
وحيك؛ * و عبدك و أمينك المأمون؛ المأخوذ ميثاقه مع ميثاقك
و ميثاق رسولك ﷺ (x و ميثاق رسلك) من جميع خلقك و
بريتك * شاهدا بالاخلاص لك و الوحدانية و الربوبية (x
بالشهادة و الإخلاص بالوحدانية) * بأنك أنت الله لا اله الا
أنت * و أن محمدا عبدك و رسولك * و أن عليا امير المؤمنين؛

جعلته وليك * وجعلت الاقرار بولايته تمام توحيدك * و
الإخلاص لك بوحدانيتك و كمال دينك (x و اكمال دينك) * و
تمام نعمتك على جميع خلقك وبريتك * فقلت و قولك الحق:
﴿اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت
لكم الاسلام ديناً﴾ * اللهم فلك الحمد؛ على ما مننت به علينا؛
من الإخلاص لك بوحدانيتك * و جُدت علينا بموالاته وليك
الهادى من بعد نبيك النذير المنذر * ورضيت لنا الإسلام ديناً
بمولانا * فلك الحمد بولايته (x بموالاته) * و اتمام نعمتك
علينا (x وأتممت علينا نعمتك) بالذى جدت لنا من عهدك و
ميثاقك؛ و ذكرتنا ذلك * و جعلتنا من أهل الاخلاص و
التصديق بعهدك (x لعهدك) و ميثاقك؛ و من أهل الوفاء بذلك
* و لم تجعلنا من الناكثين والمكذبين؛ الذين يكذبون بيوم
الدين * و لم تجعلنا من المغيّرين (x من أتباع المغيرين)؛ و
المبدلين و المحرفين المنحرفين؛ و المبتكين آذان الأنعام؛ و
المغيّرين خلق الله * و من الذين استحوذ عليهم الشيطان *
فأنساهم ذكر الله * و صدّهم عن السبيل و الصراط المستقيم *



❦ وزياد بگويد:

* اللَّهُمَّ العن الجاحدين؛ و الناكثين؛ و المغيرين؛ و المبدلين؛ و
المكذبين الذين يكذبون بيوم الدين؛ من الأولين و الآخرين *

❦ سپس بگويد:

* اللَّهُمَّ فلك الحمد على انعامك (x نعمتك) علينا؛ بالهدى الذى
هديتنا به؛ الى موالاة ولاة أمرك من بعد نبيك؛ الأئمة الهداة
الراشدين الهادين * الذين جعلتهم أركاناً لتوحيدك * و اتباع
الهداة من بعد النذير المنذر؛ و أعلام الهدى؛ و منار القلوب و
التقوى؛ و العروة الوثقى؛ و كمال دينك و تمام نعمتك؛ و من بهم
و بموالاتهم رضيت لنا الاسلام ديناً * ربنا فلك الحمد؛ آمناً و
صدقنا؛ بمنك علينا بنبيك الرسول النذير المنذر * و والينا
وليهم، و عادينا عدوهم * و برئنا من الجاحدين و الناكثين و
المكذبين بيوم الدين * اللَّهُمَّ فكما كان ذلك من شأنك؛ يا صادق
الوعد يا من لا يخلف الميعاد؛ يا من هو كل يوم فى شأن؛ اذ
أتممت نعمتك علينا (x أن أتممت علينا نعمتك) بموالاة
أوليائك؛ المسؤول عنهم عبادك؛ فانك قلت: ﴿ثم لتسئلن يومئذ
عن النعيم﴾، و قلت و قولك الحق: ﴿و قفوههم انهم مسؤلون﴾ *
و مننت علينا بشهادة الاخلاص لك؛ و بولاية أوليائك الهداة

بعد النذير المنذر السراج المنير، وأكملت لنا بهم (x به) الدين،
بموالاتهم و البراءة من عدوهم، وأتممت علينا النعمة (x
النعم)، و جددت (x بالذى جددت) لنا عهدك، و ذكرتنا
ميثاقك المأخوذ منا في ابتداء (x ومبتدأ) خلقك ايانا، و جعلتنا
من أهل الاجابة، و ذكرتنا العهد والميثاق، و لم تنسنا ذكرك فانك
قلت: ﴿و اذ أخذ ربك من بنى آدم من ظهورهم ذريتهم و
أشهدهم على أنفسهم الست بربكم قالوا بلى شهدنا﴾ * بمنك و
لطفك، بأنك أنت الله لا اله الا أنت ربنا؛ و محمد (x وأن
محمد) عبدك و رسولك نبينا؛ و على (x وأن عليا) أمير المؤمنين
ولينا و مولانا، و شهدنا بالولاية لولينا و مولانا من ذرية نبيك
من صلب ولينا و مولانا على بن أبى طالب أمير المؤمنين؛ عبدك
الذى أنعمت به علينا؛ و جعلته في أم الكتاب لديك عليا
حكيمًا؛ و جعلته آية لنبيك ﷺ، و آيتك الكبرى، و صراطك
المستقيم، و ﴿النبا العظيم الذى هم فيه مختلفون﴾، و النبأ
العظيم الذى هم عنه معرضون (x مسؤولون)؛ و يوم القيامة
عنه مسؤولون، و تمام نعمتك التى عنها يسأل عبادك؛ إذ هم
موقوفون، و عن النعيم مسؤولون * اللهم فكما (x و كما) كان
من شأنك؛ أن أنعمت (x ما أنعمت) علينا بالهداية الى معرفتهم،

فليكن من شأنك؛ أن تصلى على محمد وآل محمد؛ وأن تبارك
لنا في يومنا هذا الذى أكرمتنا به؛ وذكرتنا فيه عهدك و
ميثاقك؛ وأكملت لنا ديننا؛ وأتممت علينا نعمتك؛ وجعلتنا
بمنك (x بنعمتك) من أهل الاجابة؛ والإخلاص بوحدانيتك؛ و
من أهل الإيمان والتصديق بولاية أوليائك؛ والبراءة من
أعدائك؛ وأعداء أوليائك؛ الجاحدين المكذبين بيوم الدين؛
فأسئلك يا رب؛ تمام ما أنعمت، وأن تجعلنا من الموقنين، ولا
تجعلنا من المعاندين، ولا تلحقنا بالمكذبين بيوم الدين، واجعل
لنا قدم صدق مع المتقين، واجعل لنا من لدنك رحمة؛ واجعل
لنا من المتقين اماما؛ إلى يوم الدين، يوم يدعى (x تدعو) كل
اناس بامامهم، واجعلنا في ظل القوم المتقين، واحشرنا في زمرة
الهداة المهيدين؛ من بعد نبيك النذير المنذر والبشير؛ الأئمة
الصادقين؛ الدعاة الى الهدى * ولا تجعلنا من المكذبين؛ الدعاة
إلى النار * واجعلنا من البراءة؛ من الذين هم دعاة الى النار؛ و
هم يوم القيامة وأوليائهم من المقبوحين * ربنا فاحشرنا في
زمرة الهادي المهدي * وأحينا على ذلك ما أحيتنا؛ على الوفاء
بعهدك وميثاقك؛ المأخوذ منا على موالاته أوليائك، والبراءة من
أعدائك؛ المكذبين بيوم الدين، والناكثين بميثاقك * وتوفنا

على ذلك * واجعل لنا مع الرسول سبيلا * واجعل لنا (x) و
اثبت لنا) قدم صدق في الهجرة اليهم * واجعل محيانا خير
المحيا، ومماتنا خير الممات، ومنقلبنا خير المنقلب؛ على موالاة
اوليائك و معادة (x والبراءة من) أعدائك؛ حتى تتوفانا و أنت
عنا راض؛ قد أوجبت لنا الخلود في جنتك؛ برحمتك يا أرحم
الراحمين، و المثنوى من جوارك؛ في دار المقامة (x والإنبابة إلى دار
المقامة) من فضلك؛ لا يمسنا فيها نصب ولا يمسنا فيها لغوب
* ربنا انك أمرتنا بطاعة ولاة أمرك، وأمرتنا أن نكون مع
الصادقين، فقلت: ﴿أطيعوا الله وأطيعوا الرسول وأولى الأمر
منكم﴾، و قلت: ﴿يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله وكونوا مع
الصادقين﴾ * ربنا سمعنا وأطعنا * ربنا ثبت أقدامنا * وتوفنا
مع الأبرار، مسلمين مسلمين؛ مصدقين لأوليائك، * ولا تزغ
قلوبنا بعد إذ هديتنا؛ وهب لنا من لدنك رحمة؛ انك أنت
الوهاب * ربنا آمنا بك؛ و صدقنا نبيك، و والينا وليك و الأولياء
من بعد نبيك، و وليك مولى المؤمنين على بن أبى طالب (صلوات الله
عليه)، و الإمام الهادي من بعد الرسول النذير المنذر و السراج
المنير * ربنا فكما كان من شأنك؛ أن جعلتنا من أهل الوفاء
بعهدك؛ بمنك علينا و لطفك لنا، فليكن من شأنك؛ أن تغفر

لنا ذنوبنا؛ و تكفر عنا سيئاتنا، و توفنا مع الأبرار، ربنا اغفر
لنا ذنوبنا و كفر عنا سيئاتنا و توفنا مع الأبرار، ﴿ربنا و آتنا ما
وعدتنا على رسلك، و لا تخزنا يوم القيامة، انك لا تخلف
الميعاد﴾ * ربنا آمنا بك، و وفينا بعهدك، و صدقنا رسلك، و
اتبعنا ولاة الأمر من بعد رسلك، و والينا أوليائك، و عادينا
أعداءك، فاكتبنا مع الشاهدين، اللَّهُمَّ و احشرنا مع الأئمة الهداة
من آل رسولك محمد؛ الرسول البشير النذير * آمنا يا رب (x
نؤمن) بسرهم و علانيتهم؛ و شاهدهم و غائبهم؛ و بحبهم و
ميتهم * و رضينا بهم أئمة و سادة و قادة؛ لا نبتغي بهم بدلا، و لا
نتخذ من دونهم ولاءج أبدا * ربنا فأحينا ما أحيتنا على
موالاتهم، و البراءة من أعدائهم، و التسليم لهم و الرد إليهم * و
توفنا إذا توفيتنا؛ على الوفاء لك لهم بالعهد و الميثاق، و الموالاتة
لهم و التصديق و التسليم لهم، غير جاحدين و لا ناكثين و لا
مكذبين * اللَّهُمَّ انى أسئلك بالحق الذى جعلته عندهم؛ و بالذى
فضلتهم به على العالمين جميعا؛ أن تبارك لنا في يومنا هذا؛ الذى
أكرمنا فيه بالوفاء بعهدك (x لعهدك) الذى عهدته الينا، و
الميثاق (x بالميثاق) الذى واثقتنا به من موالاتة أوليائك، و البراءة
من أعدائك، أن تتم علينا نعمتك (x و تمن علينا بنعمتك)، و

تجعله عندنا مستقرا ثابتا؛ ولا تسلبناه أبدا، ولا تجعله عندنا مستودعا؛ فانك قلت : ﴿فمستقر ومستودع﴾، واجعله مستقرا ثابتا، ولا تسلبناه أبدا، ولا تجعله مستعارا* و ارزقنا مرافقة وليك الهادي المهدي الى الهدى، و ارزقنا نصر دينك؛ مع ولي هاد من أهل بيت نبيك؛ قائما رشيدا هاديا مهديا من الضلالة إلى الهدى، واجعلنا تحت رايته و تحت لوائه، و في زمرة؛ شهداء صادقين؛ مقتولين في سبيلك؛ و على نصره دينك، و على بصيرة من دينك، انك على كل شيء قدير *

👉 بعد از آن حوائج دنیا و آخرتش را بخواهد؛ که برآورده می شود.

دعای چهارم بعد از نماز روز عید غدیر

* اللهم رب السماوات و الأرض، و رب النور العظيم، و رب البحر المسجور، و رب الشفع الكبير، و رب الوتر الرفيع، سبحانك منزل التوراة و الإنجيل و الزبور و القرآن العظيم، اله من في السماوات السبع، و اله من في الأرض؛ لا اله فيهما غيرك، جبار من في السماوات و الأرض، لا جبار فيهما غيرك، ملك من في السماوات و الأرض؛ لا ملك فيهما غيرك * أسئلك باسمك العظيم، و بنور وجهك الكريم، و بملك القديم، و باسمك الذي أشرقت له السماوات و الأرضون، و باسمك الذي

أصلحت به أمور الأولين و الآخرين * يا حي قبل كل حي، يا
حي بعد كل حي، يا حي حين لا حي الا أنت، يا حي يا قيوم، يا
أحد، يا صمد، يا فرد، يا وتر، يا رحمان، يا رحيم * اغفر لنا
ذنوبنا * و اجعل لنا من أمورنا فرجا و مخرجا * و استقبلنا على
هدى نبيك محمد ﷺ، و اجعل عملنا في المرفوع المتقبل * و
هب لنا ما وهبت لأولائك و أهل طاعتك و عبادك الصالحين
من خلقك، فانا بك مؤمنون، و عليك متوكلون، و مصيرنا
إليك * و اجمع لنا الخير كله، بحولك و قوتك * و اصرف عنا
الشر كله، بمنك و رحمتك * يا حنان يا منان، يا بديع
السموات و الأرض، يا ذا الجلال و الإكرام، تعطى الخير من
تشاء، و تصرف الشر عن تشاء، أعطنا جميع ما سألناك من
الخير، و امنن به علينا * برحمتك يا أرحم الراحمين * انا إليك
راغبون * و لا حول و لا قوة الا بالله العلى العظيم * اللهم
اشرح بالقرآن صدري * و أنطق بالقرآن لساني * و نور
بالقرآن بصري * و استعمل بالقرآن بدني * و أعنى عليه أبدا
ما أبقيتني * فانه لا حول و لا قوة الا بك * اللهم يا داحي
المدحوات، و يا باني المبنيات، و يا مرسى المرسيات * و يا جبار
القلوب على فطرتها، شقيها و سعيدها، و يا باسط الرحمة

للمتقين * اجعل شرائف صلواتك و نوامس بركاتك و رأفتك
و تحيتك و رحمتك، على محمد عبدك ورسولك، الفاتح لما انغلق،
و الخاتم لما سبق، و فاتح الحق بالحق، و دافع جيئات الأباطيل
كما حملته، فاضطلع بأمرك مستبصرا في رضوانك، غير ناكل
عن قدم، و لا منثن عن كرم، حافظا لعهدك، قاضيا لنفاذ
أمرك، فهو أمينك المأمون، و شهيدك يوم الدين، و بعيثك رحمة
للعالمين * اللَّهُمَّ فافسح له مفسحا عندك، و أعطه من بعد
رضاه الرضا، من نور ثوابك المحلول، و عطاء جزائك المعلول،
اللَّهُمَّ أتم له وعده بانبعائك اياه مقبول الشفاعة عندك مرضى
المقالة، ذا منطق عدل، و خطبة فصل، و حجة و برهان عظيم
* اللَّهُمَّ اجعلنا سامعين مطيعين و أولياء مخلصين، و رفقاء
مصاحبين * اللَّهُمَّ أبلغه منا السلام، و اردد علينا منه السلام
* اللَّهُمَّ انى ضعيف فقو في رضاك ضعفي؛ و خذ إلى الخير
بناصيتي، و اجعل الإسلام منتهى رضاك * اللَّهُمَّ انى ضعيف
فقوني، و انى ذليل فأعزني، و انى فقير فارزقني *

سپس صد بار بگوید:

* اللَّهُمَّ انى أسئلك الجنة؛ اللَّهُمَّ انى أعوذ بك من النار *

سپس بگوید:

* اللَّهُمَّ اِنِیْ اَسْئَلُكَ بِاَنَّكَ اَنْتَ اللهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ * وَحَدِّكَ لَا شَرِیْكَ لَكَ * وَبِاَنَّكَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِیْنَ * وَاسْأَلُكَ بِاَنَّكَ اَحَدٌ صَمَدٌ؛ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ؛ وَلَمْ یَكُنْ لَكَ كُفْوًا اَحَدٌ؛ * اَنْ تَغْفِرَ لِيْ ذُنُوْبِيْ كُلِّهَا، صَغِيْرَهَا وَكَبِيْرَهَا، مَغْفِرَةً تَامَةً، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ *

سپس چہار بار بگوید:

* اللَّهُمَّ اِنِیْ اَشْهَدُكَ وَاشْهَدْ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَجَمِیْعَ خَلْقِكَ * اَنِّیْ اَشْهَدُ اَنَّكَ اَنْتَ اللهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ وَحَدِّكَ لَا شَرِیْكَ لَكَ * وَ اَوْمِنْ بِكَ وَ اَتَوَكَّلْ عَلَیْكَ وَ اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوْبُ اِلَیْكَ *

سپس بگوید:

* اللَّهُمَّ اَصْبَحْتَ فِیْ دِیْنِیْ وَ اَمَانَتِیْ وَ نَفْسِیْ وَ وَلَدِیْ وَ مَالِیْ وَ جَمِیْعِ اَهْلِ عِنَايَتِیْ، فِیْ حِمَاكَ الَّذِیْ لَا یَسْتَبَاحُ، وَ فِیْ عِزِّكَ الَّذِیْ لَا یَرَامُ، وَ فِیْ سُلْطَانِكَ الَّذِیْ لَا یَسْتَضَامُ، وَ فِیْ مَلَكُكَ الَّذِیْ لَا یُبْلَى، وَ فِیْ نِعْمَتِكَ الَّتِیْ لَا تُحْصَى، وَ فِیْ ذِمَّتِكَ الَّتِیْ لَا تُخْفَرُ، وَ فِیْ رَحْمَتِكَ الَّتِیْ وَسَعَتْ كُلُّ شَیْءٍ * وَ جَارِ اللهِ اَمِنْ مَحْفُوظٍ * وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ * لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ، وَ اللهُ اَكْبَرُ، وَ سُبْحَانَ اللهِ * رَبِّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ * وَ اغْفِرْ لِيْ ذُنُوْبِيْ كُلِّهَا * بِرَحْمَتِكَ يَا

أرحم الراحمين * اللَّهُمَّ افتح لنا بطاعتك * واختم لنا برضوانك
* وأعدنا من الشيطان الرجيم * السلام على الحافظين الكرام
الكتابين * أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له * وأن
محمدًا عبده ورسوله ﷺ * أن صلاتي ونسكي ومحياي ومماتي
لله رب العالمين * لا شريك له * وبذلك أمرت وأنا من
المسلمين * اللَّهُمَّ اني أسئلك خير يومي هذا، وخير ما فيه، و
خير ما أمرت به، وخير ما قبله، وخير ما بعده * وأعوذ بك
من شريومي هذا، وشر ما فيه، وشر ما قبله، وشر ما بعده *
اللَّهُمَّ اني أسئلك فتحه ونصره ونوره وهداه * اللَّهُمَّ افتح لي
بخير، واختم لي بخير، واختمه على بخير * اللَّهُمَّ افتحه على
برحمتك، واختمه على برضوانك * اللَّهُمَّ من كادني في يومي هذا
بسوء فاكفينيه، وقني شره، واردد كيده في نحره * اللَّهُمَّ ما
أنزلت في يومي هذا من خير أو رحمة أو شفاء أو فرج أو عافية أو
رزق، فاجعل لي فيه نصيبا وافرا حسنا * وما أنزلت فيه من
محدور أو مكروه أو بلية أو شقاء؛ فاصرفه عني * اللَّهُمَّ اني
أسئلك أن تجعل بدو يومي هذا فلاحا وأوسطه صلاحا وآخره
نجاحا * وأعوذ بك من شر يوم أوله فزع، وأوسطه جزع، و

آخره وجع * اللَّهُمَّ برأفتك أرجو رحمتك، وبرحمتك أرجو
رضوانك، وبرضوانك أرجو الجنة * فلا تؤاخذني بذنبي، ولا
تعاقبني بسوء عملي * اللَّهُمَّ اجعل ما أحيتني زيادة لي في كل
خير * واجعل وفاتي إذا توفيتني راحة من كل شر، ونجاة لي من
كل سوء * اللَّهُمَّ اجعلني أخشاك كأني أراك، وأرجوك ولا أرجو
غيرك، وأذكرك ولا أنساك، * اللَّهُمَّ اغفر لي كل ذنب سلف مني
في الليل والنهار منذ خلقتني، وكفره عني، وأبدلني به
حسنات * وتقبل مني كل خير عملته لك في الليل والنهار
منذك خلقتني، وارفعه لي عندك في الرفيع الأعلى، وأعطني
عليه الثواب الكثير برحمتك * انك جواد لا يبخل * اللَّهُمَّ اني
أصبحت متوكلا عليك فاكفني * وأصبحت فقيرا إليك فأغنني
* وأصبحت لا أعرف ربا غيرك فاغفر لي * وأصبحت مقرا
لك بالربوبية معترفا لك بالعبودية * وأشهد أن لا اله الا الله *
وحده لا شريك له * الها واحدا أحدا صمدا لم يتخذ صاحبة و
لا ولدا * وأن محمدا عبده ورسوله * أرسله بالهدى ودين الحق
ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون * فبلغ رسالاته ونصح
لامته، وجاهد في الله حق جهاده، وعبده حتى أتاه اليقين * و

أشهد أن الساعة آتية لا ريب فيها * وأن الله يبعث من في القبور * وأن الجنة حق، والنار حق، والبعث حق، وأنىؤمن بالله وبرسوله ﷺ وبملائكته وكتبه ورسله * لا نفرق بين أحد من رسله * اللهم فاكتب لي هذه الشهادة عندك * ولقنيها عند حاجتي إليها * وأحيني عليها وابعثني عليها واحشري عليها * واجزني جزاء من لقيك بها مخلصا، غير شاك فيها، و لا مرتد عنها، ولا مبدل لها * آمين رب العالمين * وصلى الله على محمد وعلى آله الطيبين الطاهرين الأخيار وسلم كثيرا * سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر * واستغفر الله الذى لا اله الا هو، غفار الذنوب وأتوب إليه، وأسأله أن يتوب على * ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم * الأول فليس قبله شئ، والآخر فليس بعده شئ * والظاهر فليس فوقه شئ، والباطن فليس دونه شئ * يحيى ويميت، وهو حي لا يموت، بيده الخير، وهو على كل شئ قدير * الحمد لله الذى لا تبديل لقوله، ولا معادل لحكمه، ولا راد لقضائه * الحمد لله الأول قبل كل شئ، والخالق له، والآخر بعد كل شئ، والوارث له * والظاهر على كل شئ والوكيل عليه * والباطن

دون كل شيء والمحيط به * الذي علا فقهر، وملك فقدر، و
بطن فخبر * ديان الدين رب العالمين * الحمد لله على حلمه بعد
علمه، والحمد لله على عفوه بعد قدرته * اللهم لك الحمد في
الليل إذا يغشى، وفي النهار إذا تجلى، ولك الحمد في الآخرة و
الأولى * ولك الحمد كما حمدت نفسك و كما أنت أهله و كما
حمدك الحامدون * ولك الحمد عدد ما أحصى كتابك وأحاط
به علمك * ولك الحمد زنة عرشك ومداد كلماتك * ولك
الحمد كما ينبغي لكرم وجهك وعز جلالك، وعظم سلطانك *
اللهم لك الحمد حمدا خالدا بخلودك * ولك الحمد حمدا دائما
بداومك * ولك الحمد حمدا لا أمد له دون بلوغ مشيتك * و
لك الحمد حمدا لا يتناهى دون منتهى علمك * ولك الحمد
حمدا يبلغ رضاك ويوجب مزيدك، ويؤمن من غيرك *
فسبحان الله حين تمسون و حين تصبحون * وله الحمد في
السموات والأرض و عشيا و حين تظهرون * يولج الليل في
النهار و يولج النهار في الليل * ويخرج الحي من الميت و يخرج
الميت من الحي * ويحيي الأرض بعد موتها و كذلك تخرجون *
سبحان ربك رب العزة عما يصفون و سلام على المرسلين و

الحمد لله رب العالمين * سبحان الدائم القائم * سبحان الملك
الحق * سبحان العلي الأعلى * سبحانه وتعالى * سبحان الله و
بحمده * سبحان الله الحي القيوم * سبحان الله الذي لا تأخذه
سنة ولا نوم * سبحان من تواضع كل شيء لعظمته * سبحان
من ذل كل شيء لعزته * سبحان من خضع كل شيء لملكته *
سبحان من استسلم كل شيء لقدرته * سبحان من انقادت له
الأمر بأزمته * سبحانه وبحمده * لا اله الا الله * وحده لا
شريك له * له الملك وله الحمد * يحي ويميت وهو حي لا
يموت * بيده الخير * وهو على كل شيء قدير * لا اله الا الله
الحليم الكريم * لا اله الا الله العلي العظيم * لا اله الا الله
السميع العليم * لا اله الا الله رب السماوات السبع ورب
العرش العظيم * لا اله الا الله إلهها واحدا فردا صمدا، لم
يلد ولم يولد ولم يتخذ صاحبة ولا ولدا، ولم يكن له كفوا
أحد * لا اله الا الله الأول قبل كل شيء، والباقي بعد كل شيء و
القادر عليه والمحيط بكل شيء * لا تدركه الأبصار وهو
يدرك الأبصار وهو اللطيف الخبير * يعلم ما يلج في الأرض و
ما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها وهو الرحيم

الغفور * اللَّهُمَّ انى أسئلك وأدعوك وأنت قلت: ﴿قل ادعوا الله
أو ادعوا الرحمان؛ أيأ ما تدعوا فله الأسماء الحسنی﴾ * انك
أمرتني بدعائك و وعدت اجابتك ولا خلف لوعدك * فانى
أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني * اللَّهُمَّ انى أسئلك
بكل اسم هو لك، كما سميت به نفسك، أو ذكرته في كتابك،
أو علمته أحدا من خلقك، أو استأثرت به في علم الغيب عندك
* يا الله يا الله يا الله، يا رحمان يا رحيم، يا بدئ لا بدء لك، يا
دائم لا نفاد لك، يا حي يا قيوم، يا محي يا ممي، يا قائما على كل
نفس بما كسبت * يا أحد يا وتر يا فرد يا صمد، يا من لم يلد و
لم يولد و لم يكن له كفوا أحد * يا مالك الملك؛ تؤتي الملك من
تشاء؛ و تنزع الملك ممن تشاء؛ و تعز من تشاء و تذل من تشاء
بيدك الخير انك على كل شىء قدير * يا حنان يا منان، يا ذا
الجلال والإكرام * يا رب الأرضين و ما أقلت، و السماوات و
ما أظلت، و الرياح و ما ذرت * يا خالق كل شىء * يا زين
السماوات و الأرضين * يا عماد السماوات و الأرضين * يا قيوم
الدنيا و الآخرة * ويا غياث المستغيثين * ويا صريخ
المستصرخين * ويا معاذ العائدين * ويا مجيب دعوة المضطرين

* يا منفسا عن المكروبين * ويا مفرجا عن المغومين * ويا
محبب دعوة المضطرين * ويا محبب دعوة الداعين * ويا أرحم
الراحمين * ويا أول الأولين * ويا آخر الآخرين * أسئلك
باسمك الأجل الأعز الأكرم؛ الظاهر الباطن، الطاهر المطهر
المقدس، الأحد الصمد الفرد، الذي ملأ الأركان كلها؛ الذي إذا
دعيت به أجبت، وإذا سئلت به أعطيت * أن تصلى على محمد
وآل محمد؛ كأفضل وأكرم، وأعلى وأكمل، وأعز وأعظم، و
أشرف وأزكى، وأنمى وأطيب، ما صليت على أحد من أنبيائك
المصطفين و ملائكتك المقربين و عبادك الصالحين * اللهم
شرف بنيانه، وعظم برهانه، وثقل ميزانه، وابعثه المقام المحمود
الذي وعدته، وتقبل شفاعته، واجزه عنا أفضل ما جزيت نبيا
عن أمته * اللهم صل على محمد وآل محمد * وبارك على محمد و
على آل محمد * كما صليت وباركت على إبراهيم وعلى آل
إبراهيم * انك حميد مجيد * اللهم صل على أنبيائك المرسلين، و
ملائكتك المقربين، و عبادك الصالحين، وصل علينا معهم،
انك أرحم الراحمين * اللهم اغفر لي ولوالدي وما ولدا، و
للمؤمنين والمؤمنات، والمسلمين والمسلمات، حيهم وميتهم،

شاهددهم و غائبهم، انك تعلم منقلبهم و مثواهم * اللهم اغفر
لنا و لإخواننا الذين سبقونا بالإيمان، ولا تجعل في قلوبنا غلا
للذين آمنوا، ربنا انك رؤوف رحيم * اللهم أصلح لنا أئمتنا و
قضاتنا و ولاة أمورنا و جماعتنا و ديننا الذي ارتضيت لنا *
اللهم أعز الإسلام و أهله، و أذل الشرك و أهله * اللهم انى من
عبادك الذين ظلموا أنفسهم و أسرفوا عليها و استوجبوا العذاب
بالحجج اللازمة، و الذنوب الموبقة، و الخطايا المحيطة بهم، و قد
قلت: ﴿يا عبادي الذين أسرفوا على أنفسهم؛ لا تقنطوا من رحمة
الله، ان الله يغفر الذنوب جميعا، انه هو الغفور الرحيم﴾ * لا
خلف لوعدك، و لا مبدل لقولك * اللهم لا تقنطي من رحمتك،
و لا تؤيسني من عفوك و مغفرتك * و اجعلني من عبادك الذين
تغفر لهم ذنوبهم، و تكفر عنهم سيئاتهم * و تب على انك أنت
التواب الرحيم * و خذ بسمعي و بصري و قلبي و جوارحي كلها الى
طاعتك و طاعة رسولك ﷺ، و الى أحب الأعمال إليك * و
ارزقني توبة نصوحا أستوجب بها محبتك، و أستحق معها جنتك،
و توقيني من عذابك * فانه لا حول و لا قوة الا بك * و اجعلني
من أوليائك و أنصارك الذين تعز بهم دينك * و تنتقم بهم من

عدوك * وتختم لهم بالسعادة والشهادة * تحييم حياة طيبة *
وتقلبهم منقلباً كريماً * وتؤتيهم في الدنيا حسنة وفي الآخرة
حسنة وتقيهم عذاب النار * اللهم ان ذنوبي عظيمة كثيرة، و
رحمتك وعفوك وفضلك أعظم منها وأكثر وأوسع، فانشِ عليّ
من سعة رحمتك وعظم عفوك ومغفرتك؛ ما تنجيني به من
النار؛ وتدخلني به الجنة * اللهم برحمتك استغثت من ذنوبي،
واستجرت فأغثنِي، وأجرني من ذنوبي * وامن عليّ بمغفرتك
وعفوك عما ظلمت به نفسي خاصة * يا الهي، وخلصني ممن له
حق قبلي * واستوهبني منه واغفر لي * وعوضه من فضلك و
طولك وجزيل ثوابك عليّ وعليه بذلك * يا أرحم الراحمين *
اللهم اجعل ما مضى من حسن عملي مقبولا * وما فرط مني
من سيئة مغفورا * وما أستأنف من عمري أوله صلاحاً و
أوسطه فلاحاً وآخره نجاحاً * اللهم اني أعوذ بك من جهد البلاء،
وسوء القضاء، وشر العمل، ودرك الشقاء، وشماته الأعداء، و
سوء المنظر في الأهل والمال والولد * اللهم اني أعوذ بك من قلب
لا يخشع، ومن نفس لا تشبع، وعمل لا ينفع، ودعاء لا يسمع
* اللهم سلمني وسلم مني، وعافني وعاف عني * ولا

تؤاخذني بذنوبي، ولا تقاسيني بعلمي، ولا تفضحني بسريري *
وأدخلني الجنة برحمتك و عافني من النار بقدرتك * اللهم أقلني
عثرتي، واستر عورتي، وآمن روعتي * اللهم اني أسئلك الهدى و
التقى و العفاف و الكفاف و الغنى، و العمل بما تحب و ترضى
* اللهم انى أعوذ بك أن أشرك بك؛ وأنا أعلم أو لا أعلم * و
أستغفرك لما أعلم و لما لا أعلم * اللهم لا تجعل الدنيا أكبر همي
* و لا تجعل مصيبتى فى حدّ دينى * و لا تسلط على من لا
يرحمنى * و لا تسلطني على أحد بظلم فتهلكنى * اللهم اجعل
حياتى زيادة لى فى كل خير * و اجعل وفاتى راحة لى من كل سوء
* اللهم انّ ذلى أصبح و أمسى مستجيرا بعزتك * و فقري
مستجيرا بغنائك * و ذنوبى مستجيرة برحمتك * و وجهى البالى
الفانى؛ مستجيرة بوجهك الباقي الدائم الكريم؛ * فكن لى جارا
من كل سوء برحمتك * اللهم ما أعطيتنى من عطاء؛ أو قضيت
علىّ من قضاء، فاجعل الخيرة لى فى بدئه و عاقبته * و ارزقنى
العافية و السلامة برحمتك يا أرحم الراحمين * اللهم لك الحمد؛
و اليك المشتكى؛ و أنت المستعان؛ و لا حول و لا قوة الا بالله
العلى العظيم * و صلى الله على ملائكته المقربين، و أنبيائه

المرسلين و على محمد خاتم النبيين، و رسول رب العالمين و إمام
المتقين، و سيد المرسلين، و على آله الطيبين الطاهرين و سلم
تسليما * اللَّهُمَّ انى أسئلك يا رب حسن الظن بك، و الصدق في
التوكل عليك * و أعوذ بك أن تدخلني النار * و أعوذ بك رب
أن تبتليني ببلية؛ تحملني ضرورتها؛ على التعرض بشيء من
معاصيك * و أعوذ بك أن تدخلني في حال؛ كنت أو أكون فيها؛
في يسر أو عسر؛ ظن أن معاصيك أنجح لي من طاعتك * و أعوذ
بك أن أقول قولاً من طاعتك؛ ألتمس به رضا سواك * و أعوذ
بك أن يكون أحد أسعد بما آتيتني منى * و أعوذ بك أن
أتكلف طلب ما ليس لي؛ و ما لم تقسمه لي * و ما قسمت لي
من قسم؛ أو رزقتني من رزق؛ فأتني به في يسر منك و عافية
حلالاً طيباً * و أعوذ بك من كل شيء زحزح بيني و بينك * أو
باعد بيني و بينك، أو تصرف به حظي، أو صرف وجهك الكريم
عنى * و أعوذ بك أن تحول خطيئتي أو ظلمي أو جرمي أو
إسرافي على نفسي أو إتباعي هواي أو استعمالي شهوتي؛ دون
مغفرتك و ثوابك و رضوانك و نائلك، و بركاتك و موعدهك
الحسن الجميل * اللَّهُمَّ انى أعوذ بك من الضرر في المعيشة * و

أعوذ بك أن تبطلني ببلاء لا طاقة لي به * أو تسلط عليّ طاغيا
* أو تهتك لي سترا، أو تبدى لي عورة * أو تحاسبني يوم القيامة
مناقشة؛ أحوج ما أكون إلى تجاوزك و عفوك عني * وأسئلك
بوجهك الكريم و كلماتك التامات؛ أن تصلي على محمد وعلى آل
محمد * وتعطى محمدا وآل محمد؛ أفضل ما سئلك، وأفضل ما
سئلت له، وأفضل ما أنت مسؤول له * وأسئلك أن تجعلني من
عتقائك و طلقائك من النار * يا أرحم الراحمين، ويا أجود
الأجودين، ويا اله العالمين، ويا سيد السادات، ويا جبار الجبابرة
* ويا أفضل من سئل، و أكرم من أعطى، وأحق من تجاوز و
عفى و رحم، و تفضل باحسانه القديم * و لا حول و لا قوة الا
بالله العلى العظيم * لا اله الا الله الحليم الكريم، سبحانه، تبارك
الله رب العرش العظيم، الحمد لله رب العالمين * لا اله الا أنت،
أفلح سائلك، و تعالى جدك، و امتنع عائذك، أعذني برحمتك من
شر ما خلقت و ذرأت و برأت، حسبي الله و كفى، سمع الله لمن
دعا، ليس وراء الله منتهى * اللهم أنت ربي و رب من كادني و
بغى علي، من الجن و الإنس، ناصيتي و ناصيته بيدك، فادفع في
نحره و أعذني من شره، بعزتك التي لا ترام، و بقدرتك التي لا

يَمْتَنِعُ مِنْهَا بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ، وَبِكَلِمَاتِكَ الْحَسَنَى، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقْتَنِي وَلَمْ أَكْ شَيْئًا * اللَّهُمَّ أَعْنِي عَلَى هَوْلِ الدُّنْيَا وَبَوَائِقِ
الْآخِرَةِ، وَمُصِيبَاتِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ * اللَّهُمَّ اصْحَبْنِي فِي سَفَرِي وَ
اخْلُفْنِي فِي أَهْلِي وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي، وَلَكَ فَذِلَّتِي وَعَلَى خَلْقِ
حَسَنٍ صَالِحٍ فَقُومْنِي، وَإِلَيْكَ فَحَبِّبْنِي وَإِلَى النَّاسِ فَلَا تَكْلِنِي،
رَبِّ الْمُسْتَضْعَفِينَ، وَأَنْتَ رَبِّي * أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ الَّذِي
أَشْرَقْتَ لَهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، وَكَشَفْتَ بِهِ الظُّلُمَاتِ وَصَلَحَ
عَلَيْهِ أَمْرَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، أَنْ يَنْزِلَ بِي سَخَطُكَ، أَوْ يَحِلَّ عَلَيَّ
غَضَبُكَ، وَمَنْ زَوَالَ نِعْمَتِكَ، وَمَنْ جَمِيعِ سَخَطِكَ، لَكَ الْعُتْبَى
عِنْدِي فِيمَا اسْتَطَعْتُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ * اللَّهُمَّ إِنَّكَ
لَسْتَ بِرَبِّ اسْتَحْدِثْنَاكَ، وَلَا كَانَ مَعَكَ إِلَهٌ إِلَّا أَنْتَ، تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا
يَقُولُ الْقَائِلُونَ * صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ لِي فِي
الْمَوْتِ إِذَا نَزَلَ بِي، وَاجْعَلْ لِي فِيهِ رَاحَةً وَفَرَجًا * اللَّهُمَّ فَكَمَا
حَسَنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خَلْقِي * اللَّهُمَّ إِنِّي ضَعِيفٌ فَقَوِّ فِي رِضَاكَ
ضَعْفِي، وَخُذْ إِلَى الْخَيْرِ بِنَاصِيَّتِي، وَاجْعَلْ الْإِسْلَامَ مُنْتَهَى رِضَايَ
* اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا، أَنْكَ
أَنْتَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا

عبدك ورسولك و خيرتك من خلقك، وأن كل معبود من دون
عرشك الى قرار أرضك السابعة باطل؛ ما خلا وجهك الكريم،
الدائم الذي لا يزول * فصل على محمد و على آل محمد، واكشف
ما بي من ضرّ، وحوّله عنى يا أرحم الراحمين، انك سميع الدعاء،
وانك تفعل ما تشاء و ان ميسور العسير عليك يسير * اللهم
يسر من أمري ما عسر، و سهل ما صعب، و لين ما غلظ، و فرج
ما لا يفرجه أحد غيرك * بنور وجهك الكريم الدائم التام، و
بحق محمد عبدك و رسولك، و بحق الروحانيين الذين لا يفترون؛
الا بتعظيم عز جلالك، و بالثناء عليك، و لا يبلغون ما أنت
مستحقه من عظيم عزك و علو شأنك * اللهم انى أسئلك
باسمك الذى تجليت به للجبل؛ فجعله دكا؛ و خر موسى صعقا *
و بالاسم المخزون المكنون، و باسمك الذى فلقت به البحر
لموسى بن عمران، فصار كل فرق كالطود العظيم * و باسمك
الذى ذل له كل جبار عنيد * و باسمك الذى وضعت على النهار
فأضاء، و على الليل فأظلم * أن تصلى على محمد و على آل محمد
* و أن تجعلني من التوابين المتطهرين، و تغفر لي خطيئتي يوم
الدين * و تغفر لوالدي كما ربياني صغيرا و علماني كتابك و

سنة نبيك * و تدخل عليهما رافة منك و رحمة، و بدل سيئاتهم
حسنات و تقبل منهما ما أحسنا، و تجاوز عنهما ما أساء، فانك
أولى بالجلود * و اجعلهما من الذين رضيت عنهم، و أسكنتهم
جناتك النعيم * برحمتك لا بأعمالهم، تفضلا منك عليهم؛
بجودك وكرمك و عزتك و سلطانك * يا من له الحمد و لا ينبغي
الحمد إلا له * يا كريم الإحسان * يا من يبقى و يفنى كل شيء،
يا من يرى و لا يرى و هو بالمنظر الأعلى، و من هو على كل شيء
رقيب، و بكل شيء رؤوف، و على كل شيء قابل شهيد، يعلم
خائنة الأعين و ما تخفى الصدور، تعلم ما في نفسي و لا أعلم ما
في نفسك * و أسئلك بالاسم الذي وضعت به الجبال على
الأرض فاستقرت * و بالاسم الذي وضعته على السماوات
فاستقلت * أن تنجيني من النار، و تجيزني الصراط بقدرتك، و
والدي و حامتي و قرابتي و جيراني و من أحبني، و كل ذي رحم
في الإسلام دخل إلي * بنورك الذي لا يطفأ، و بعزتك التي لا
ترام * و اكفني ما لا يكفينه أحد سواك، و ما أنت أعلم به مني
* و استرني بسترِكَ الجميل * و عافني بقدرتك من عذابك و
عقابك * اللهم انك عالم غير متعلم، و أنت عالم بحالي و أمري،

فاجعل لي في كل خير نصيبا و الى كل خير سبيلا * اللهم واجعل
لي سهما في دعاء من دعاك؛ رجاء الثواب منك؛ في مشارق
الأرض و مغاربها؛ من المسلمين و المسلمات، و المؤمنين و
المؤمنات، و تقبل دعاءهم، و أعنهم على عدوك و عدوهم، فانك
تقدر و لا يقدر عليك، و لا يدفع البلاء غيرك * يا معروفا
بالإحسان و الرأفة و الرحمة * أنت مقلب القلوب، ثبت قلبي
على دينك * و أنت مدبر الأمور، و أنت تختار لعبادك، فاجعلني
من اخترته لطاعتك، و أمنت من عذابك، يوم يخسر المبطلون *
و تب عليّ انك أنت التواب الرحيم * و اخترني و اختر ولدي،
فقد خلقتهم فأحسنّت، و رزقت فأفضلت * فتمم نعمتك عليّ
و على والدي و أهل عنايتي، و أوسع علينا في رزقك * و لا
تشتب بنا عدوا و لا حاسدا، و لا باغيا و لا طاغيا، و احرسنا
بعينك التي لا تنام * اللهم هذا الدعاء و عليك الإجابة * و أنت
المستعان، و عليك التكلان * و لا حول و لا قوة الا بك * و
صلى الله على محمد خاتم النبيين، و على آله الطيبين الطاهرين، و
سلم تسليما كثيرا * و حسبنا الله و نعم الوكيل *



ششم: زیارت و سلام و صلوات بر حضرت مولا امیر المؤمنین علی علیه السلام و بیعت با حضرتش:

زیارت به اشاره

الف: زیارت و سلام و صلوات بر حضرت مولا امیر المؤمنین علیه السلام؛ که از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است؛ که بعد از دو رکعت نماز خوانده می شود:

* اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَأَخِي نَبِيِّكَ * و وزیره و حبیبه و خلیله
* و موضع سره، و خیرته من اسرته، و وصیه و صفوته * و
خالصته و آمینه و ولیه و اشرف عترته * الذین آمنوا به * و ابی
ذریته و باب حکمته * و الناطق بحجته، و الداعی إلى شریعته
و الماضي على سنته * و خلیفته علی أمته * سید المرسلین و
أمیر المؤمنین * و قائد الغر المحجلین * أفضل ما صلیت علی
احد من خلقك و أصفیاءك و أوصیاء أنبیاءك * اللَّهُمَّ انی اشهد
انه قد بلغ عن نبیک ما حمل * و رعی ما استحفظ * و حفظ
ما استودع * و حلل حلالک و حرم حرامک * و أقام أحكامک
و دعا إلى سبیلک * و والی أولیاءک و عادی أعداءک * و جاهد
الناکثین عن سبیلک و القاسطین و المارقین عن أمرک * صابرا
محتسبا غیر مدبر * لا تأخذه فی الله لومة لائم * حتی بلغ فی

ذلك الرضاء؛ سلم إليك القضاء * و عبدك مخلصا و نصح لك
مجتهدا * حتى أتاه اليقين * فقبضته إليك شهيدا سعيدا وليا
تقيا رضيا زكيا هاديا مهديا * اللهم صل على محمد و عليه *
أفضل ما صليت على احد من أنبيائك و أصفياك * يا رب
العالمين *

زیارت به اختصار

ب: زیارت جامعه صغيرة که به زیارت امین الله معروف است؛ نسخه کامل آن
را در اینجا نقل می کنیم:

❖ ۱- پس از تشرف از نزدیک؛ یا توجه و اشاره از راه دور؛ با شرایط و آداب، ۲-
و سجده در پیشگاه مقدس وجه الله، ۳- با حال تذلل و انکسار؛ برای حاضر
در مشهد شریف و ربروی حضرتش (در حالیکه قبله ظاهره را پشت خود قرار
داده) ایستاده، و برای زائر از دور با توجه به قبله ظاهره یا التفات به سمت
مشهد شریف ۴- ابتدا بگرید از شوق دیدارشان، و نیز برای مظلومیت و
غربت حقیقی حضرتش، و همچنین به سبب التفات به کوتاهی و سستی خود در
معرفت و تسلیم و پیروی از ایشان، ۵- و سپس با حال انابه و تضرع بگوید:

* السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ
و بَرَكَاتُهُ * السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ نُورَهُ فِي بِلَادِهِ وَ
حُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ * السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَوْلَايَ * أَشْهَدُ أَنَّكَ
جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ عَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَ اتَّبَعْتَ سُنَنَ

نَبِيِّهِ ﷺ حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جَوَارِهِ * فَقَبَضَكَ (x وَفَبَضَكَ) إِلَيْهِ
 بِاخْتِيَارِهِ لَكَ كَرِيمَ ثَوَابِهِ * وَأَلَزَمَ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ فِي قَتْلِهِمْ إِيَّاكَ
 * مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ (x عَلَى عِبَادِهِ) *
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ * وَاجْعَلْ (x فَاجْعَلْ) نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً
 بِقَدْرِكَ (x بِقُربِكَ) * رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ * مُوَلِّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ *
 حُبَّةً لِمَصْفُوتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَوْلِيَّائِكَ (x لِمَصْفُوتِ أَوْلِيَّائِكَ) * مُحَبُّوبَةً فِي
 أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ * صَابِرَةً عِنْدَ (x عَلَى) نُزُولِ بَلَائِكَ * شَاكِرَةً
 لِقَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ * ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ (x لِسَابِغِ) آلَائِكَ * مُشْتَاقَةً إِلَى
 فَرَحَةِ لِقَائِكَ * مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ * مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ
 أَوْلِيَّائِكَ * مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ * مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا
 بِحَمْدِكَ وَثَنَائِكَ *

❖ آنگاه حاضر در مشهد شریف (در صورت تیسر) گونه اش را بر ضریح مبارک
 گذاشته و الا اشاره نموده و می گوید:

* اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُحِبِّتَيْنِ إِلَيْكَ وَالْهَيْةُ * وَسُبُلَ (x سَبِيلِ)
 الرَّاعِيَيْنِ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ * وَأَعْلَامَ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ * وَ
 أَفِيدَةُ الْعَارِفِينَ مِنْكَ (x إِلَيْكَ) فَارِغَةٌ * وَأَصْوَاتُ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ
 صَاعِدَةٌ * وَأَبْوَابُ الْإِجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةٌ * وَدَعْوَةٌ مَنْ نَاجَاكَ

مُسْتَجَابَةٌ * وَ تَوْبَةٌ مَن أَنَابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ * وَ عِبْرَةٌ مَن بَكَى
 مِّنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ * وَ الْإِغَاثَةُ لِمَنِ اسْتَعَاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ (x)
 مَبْدُولَةٌ * وَ الْإِغَاثَةُ لِمَنِ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُولَةٌ (x مَوْجُودَةٌ) * وَ عِدَاتِكَ
 لِعِبَادِكَ مُنْجِزَةٌ * وَ زَلَّاتٍ مِّنِ اسْتَقَالِكَ مُقَالَةٌ * وَ أَعْمَالُ
 الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مُحْفُوظَةٌ * وَ أَرْزَاقُ الْخَلَائِقِ مِّنْ لَّدُنكَ نَازِلَةٌ * وَ
 عَوَائِدُ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةٌ * وَ ذُنُوبُ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ * وَ
 حَوَائِجُ خَلْقِكَ (x الْخَلْقِ) عِنْدَكَ مَفْضِيَّةٌ * وَ جَوَائِزُ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ
 مُوقَّرَةٌ (x مُوقَّرَةٌ) * وَ عَوَائِدُ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةٌ * وَ مَوَائِدُ
 الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ * وَ مَنَاهِلُ الظَّمَاءِ لَدَيْكَ مُتَرَعَّةٌ * اللَّهُمَّ
 فَاسْتَجِبْ دُعَائِي * وَ اقْبَلْ ثَنَائِي * وَ أَعْطِنِي جَزَائِي * وَ اجْمَعْ بَيْنِي
 وَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي وَ أَحِبَّائِي * بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحُسَيْنِ وَ
 الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ (x آبَائِي) * إِنَّكَ وَلِيٌّ نِّعْمَائِي * وَ مُنْتَهَى مُنَايَ * وَ غَايَةَ
 رَجَائِي * فِي مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ * أَنْتَ إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ *
 اغْفِرْ لَأَوْلِيَائِنَا * وَ كُفِّ عَنَّا أَعْدَاءَنَا * وَ اشْغَلْهُمْ عَنَّا * وَ
 أَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَ اجْعَلْهَا الْعُلْيَا * وَ أَدْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَ
 اجْعَلْهَا السُّفْلَى * إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ *

❖ سپس برای وداع می گوید: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * اَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ * آمَنَّا بِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتُمْ بِهِ وَدَعَوْتُمْ إِلَيْهِ * اَللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي وَلِيِّكَ * اَللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنِي ثَوَابَ مَزَارِهِ الَّذِي أُوجِبْتَ لَهُ * وَيَسِّرْ لَنَا الْعُودَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى *

زیارت به تفصیل

ج: زیارت حضرت مولا امیر المؤمنین علیه السلام؛ از حضرت امام هادی علیه السلام روایت شده است، که بعد از انجام آداب و اذن دخولهای مربوطه؛ خوانده می شود:

* اَلسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ * خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ صَفْوَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * آمِينَ اللَّهُ عَلَى وَحْيِهِ وَ عَزَائِمِ أَمْرِهِ * وَ الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ، وَ الْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ، وَ الْمُهَيِّمِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ * وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ صَلَوَاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ * اَلسَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ * اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ * وَ وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَ وَلِيَّ رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ * اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * يَا آمِينَ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ، وَ سَفِيرُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ حُجَّتُهُ الْبَالِغَةُ عَلَى عِبَادِهِ *

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا دینَ اللّٰهِ الْقَوِیْمَ، وَ صِرَاطُهُ الْمُسْتَقِیْمَ * اَلسَّلَامُ
 عَلَیْكَ اَیُّهَا النَّبَاُ الْعَظِیْمُ الَّذِی هُمْ فِیْهِ مُخْتَلِفُوْنَ وَ عَنْهُ یَسْأَلُوْنَ *
 اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَمِیْرَ الْمُؤْمِنِیْنَ * اَمَنْتَ بِاللّٰهِ وَ هُمْ مُشْرِکُوْنَ * وَ
 صَدَقْتَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ مُكْذِبُوْنَ * وَ جَاهَدْتَ وَ هُمْ مُحْجَمُوْنَ * وَ
 عَبَدْتَ اللّٰهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّیْنَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتّٰی اَتَاكَ الْیَقِیْنُ *
 اَلَا لَعْنَةُ اللّٰهِ عَلَی الظَّالِمِیْنَ * اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَیِّدَ الْمُسْلِمِیْنَ، وَ
 یَعْسُوبَ الْمُؤْمِنِیْنَ * وَ اِمَامَ الْمُتَّقِیْنَ، وَ قَائِدَ الْعُرِّ الْمُحْجَلِیْنَ *
 وَ رَحْمَةَ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ * اَشْهَدُ اَنْكَ اَخُو رَسُولِ اللّٰهِ وَ وَصِیُّهُ * وَ
 وَارِثُ عِلْمِهِ وَ اَمِیْنُهُ عَلٰی شَرْعِهِ وَ خَلِیْفَتُهُ فِی اُمَّتِهِ * وَ اَوَّلُ مَنْ
 اَمَّنَ بِاللّٰهِ، وَ صَدَقَ بِمَا اُنْزِلَ عَلٰی نَبِیِّهِ * وَ اَشْهَدُ اَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنِ
 اللّٰهِ مَا اَنْزَلَهُ فِیْكَ * فَصَدَعَ بِاَمْرِهِ، وَ اَوْجَبَ عَلٰی اُمَّتِهِ فَرْصَ
 طَاعَتِكَ وَ وِلَايَتِكَ * وَ عَقَدَ عَلَیْهِمُ الْبَیْعَةَ لَكَ * وَ جَعَلَكَ اَوَّلٰی
 بِالْمُؤْمِنِیْنَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ کَمَا جَعَلَهُ اللّٰهُ کَذٰلِكَ * ثُمَّ اَشْهَدَ اللّٰهُ
 تَعَالٰی عَلَیْهِمْ * فَقَالَ: اَلَسْتُ قَدْ بَلَغْتُ؟ فَقَالُوا: اَللّٰهُمَّ بَلٰی *
 فَقَالَ: اَللّٰهُمَّ اَشْهَدْ وَ کَفٰی بِكَ شَهِیْدًا وَ حَاكِمًا بَیْنَ الْعِبَادِ *
 فَلَعَنَ اللّٰهُ جَا حِدَ وِلَايَتِكَ بَعْدَ الْاَقْرَارِ، وَ نَاكِثَ عَهْدِكَ بَعْدَ
 الْمِثَاقِ * وَ اَشْهَدُ اَنْكَ وَفِیْتَ بِعَهْدِ اللّٰهِ تَعَالٰی * وَ اَنَّ اللّٰهَ تَعَالٰی

مُوفٍ لَكَ بِعَهْدِهِ * ﴿وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ
 أَجْرًا عَظِيمًا﴾ * وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الْحَقُّ * الَّذِي نَطَقَ
 بِوَلَايَتِكَ التَّنْزِيلُ * وَ أَخَذَ لَكَ الْعَهْدَ عَلَى الْأُمَّةِ بِذَلِكَ الرَّسُولُ *
 وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَ عَمَّكَ وَ أَخَاكَ الَّذِينَ تَاخَرْتُمْ اللَّهُ بِنَفُوسِكُمْ *
 فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِيكُمْ: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ
 وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ
 وَعُودًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ
 مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بَبَيْعِكُمْ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ
 الْعَظِيمُ﴾ * ﴿التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ
 السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ، وَ النََّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ
 الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾، أَشْهَدُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
 أَنَّ الشَّأكَ فَيْكَ مَا آمَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمِينِ * وَ أَنَّ الْعَادِلَ بِكَ
 غَيْرُكَ؛ عَانِدٌ عَنِ الدِّينِ الْقَوِيمِ * الَّذِي ارْتَضَاهُ لَنَا رَبُّ الْعَالَمِينَ
 * وَ أَكْمَلَهُ بِوَلَايَتِكَ يَوْمَ الْغَدِيرِ * وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَعْنَى بِقَوْلِ
 الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ: ﴿وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا
 السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ﴾ * ضَلَّ وَ اللَّهُ وَ أَضَلَّ مَنْ اتَّبَعَ
 سِوَاكَ * وَ عِنْدَ عَنِ الْحَقِّ مَنْ عَادَاكَ * أَللَّهُمَّ سَمِعْنَا لِأَمْرِكَ وَ

أَطْعْنَا وَ اتَّبَعْنَا صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ * فَاهْدِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُزِغْ
 قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا إِلَى طَاعَتِكَ * وَ اجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ
 لِأَنْعُمِكَ * وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَزَلْ لِلْهَوَى مُخَالِفًا * وَ لِلتَّقَى مُحَالِفًا
 * وَ عَلَى كَظْمِ الْغَيْظِ قَادِرًا * وَ عَنِ النَّاسِ عَافِيًا غَافِرًا * وَ إِذَا
 عُصِيَ اللَّهُ سَاخِطًا * وَ إِذَا أُطِيعَ اللَّهُ رَاضِيًا * وَ بِمَا عَهْدَ إِلَيْكَ
 عَامِلًا * رَاعِيًا لِمَا اسْتُحْفِظْتَ * حَافِظًا لِمَا اسْتُودِعْتَ * مُبَلِّغًا
 مَا حُمِّلْتَ * مُنْتَظِرًا مَا وَعِدْتَ * وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَا اتَّقَيْتَ ضَارِعًا
 * وَ لَا أَمْسَكَتَ عَنْ حَقِّكَ جَازِعًا * وَ لَا أَحْجَمْتَ عَنْ مُجَاهَدَةٍ
 غَاصِبِيكَ نَاكِلًا * وَ لَا أَظْهَرْتَ الرِّضَا بِخِلَافٍ مَا يُرْضِي اللَّهُ
 مُدَاهِنًا * وَ لَا وَهَنْتَ لِمَا أَصَابَكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ * وَ لَا ضَعُفْتَ وَ
 لَا اسْتَكْنَتَ عَنْ طَلَبِ حَقِّكَ مُرَاقِبًا * مَعَآذَ اللَّهِ أَنْ تَكُونَ
 كَذَلِكَ * بَلْ إِذْ ظَلِمْتَ احْتَسَبْتَ رَبَّكَ * وَ فَوَّضْتَ إِلَيْهِ أَمْرَكَ *
 وَ ذَكَرْتَهُمْ فَمَا اذْكُرُوا * وَ وَعَظْتَهُمْ فَمَا اتَّعُظُوا * وَ خَوَّفْتَهُمْ
 اللَّهُ فَمَا تَخَوَّفُوا * وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؛ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ
 حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ، وَ قَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ *
 وَ أَلَزَمَ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ بِقَتْلِهِمْ إِيَّاكَ؛ لِتَكُونَ الْحُجَّةَ لَكَ عَلَيْهِمْ؛
 مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ * السَّلَامُ عَلَيْكَ

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ * عَبْدَتَ اللَّهِ مُخْلِصًا * وَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ
 صَابِرًا * وَ جُدْتَ بِنَفْسِكَ مُحْتَسِبًا * وَ عَمِلْتَ بِكِتَابِهِ، وَ
 اتَّبَعْتَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ * وَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ
 بِالْمَعْرُوفِ، وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ مَا اسْتَطَعْتَ * مُبْتَغِيًا مَا عِنْدَ
 اللَّهِ، رَاغِبًا فِيهَا وَ عَدَدَ اللَّهِ * لَا تَحْفُلُ بِالتَّوَائِبِ، وَ لَا تَهِنُ عِنْدَ
 الشَّدَائِدِ، وَ لَا تُحْجِمُ عَنْ مُحَارِبِ * أَفِكَ مَنْ نَسَبَ غَيْرَ ذَلِكَ
 إِلَيْكَ، وَ افْتَرَى بَاطِلًا عَلَيْكَ، وَ أَوْلَى لِمَنْ عِنْدَ عَنكَ * لَقَدْ
 جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ * وَ صَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى صَبْرَ
 احْتِسَابِ * وَ أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ صَلَّى لَهُ وَ جَاهَدَ وَ أَبْدَى
 صَفْحَتَهُ فِي دَارِ الشَّرْكِ * وَ الْأَرْضُ مَشْحُونَةٌ ضَلَالَةً، وَ
 الشَّيْطَانُ يُعْبِدُ جَهْرَةً * وَ أَنْتَ الْقَائِلُ: لَا تَزِيدُنِي كَثْرَةُ النَّاسِ
 حَوْلِي عِزَّةً * وَ لَا تَفَرِّقُهُمْ عَنِّي وَ حَشَةً * وَ لَوْ أَسْلَمَنِي النَّاسُ
 جَمِيعًا؛ لَمْ أَكُنْ مُتَضَرِّعًا * إِعْتَصَمْتَ بِاللَّهِ فَعَزَزْتَ * وَ أَثَرْتَ
 الْآخِرَةَ عَلَى الْأُولَى فَزَهَّدْتَ * وَ أَيْدَكَ اللَّهُ وَ هَدَاكَ وَ أَخْلَصَكَ وَ
 اجْتَبَاكَ * فَمَا تَنَاقَضَتْ أَفْعَالُكَ، وَ لَا اخْتَلَفَتْ أَقْوَالُكَ * وَ لَا
 تَقَلَّبَتْ أَحْوَالُكَ، وَ لَا ادَّعَيْتَ وَ لَا افْتَرَيْتَ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا * وَ لَا
 شَرِهْتَ إِلَى الْخُطَامِ، وَ لَا دَنَسَكَ الْآثَامُ * وَ لَمْ تَزَلْ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ

رَبِّكَ وَ يَقِينٍ مِنْ أَمْرِكَ * تَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ
* أَشْهَدُ شَهَادَةً حَقًّا، وَأُفْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمًا صِدْقًا؛ أَنَّ مُحَمَّدًا وَآلَهُ
(صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ) سَادَاتُ الْخَلْقِ * وَ أَنْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى
الْمُؤْمِنِينَ * وَ أَنْتَ عَبْدُ اللَّهِ وَ وَلِيُّهُ وَ أَخُو الرَّسُولِ وَ وَصِيُّهُ وَ
وَارِثُهُ * وَ أَنَّهُ الْقَائِلُ لَكَ: وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ؛ مَا آمَنَ بِي؛ مَنْ
كَفَرَ بِكَ، وَ لَا أَقَرَّ بِاللَّهِ مَنْ جَحَدَكَ، وَ قَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ عَنْكَ،
وَ لَمْ يَهْتَدِ إِلَى اللَّهِ وَ لَا إِلَهٍ؛ مَنْ لَا يَهْتَدِي بِكَ * وَ هُوَ قَوْلُ رَبِّي
عَزَّ وَ جَلَّ : وَ إِنِّي لَعَقَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ
اهْتَدَى (إِلَى وَلايَتِكَ) * مَوْلَايَ فَضْلُكَ لَا يَخْفَى وَ نُورُكَ لَا يُطْفَأُ
* وَ أَنَّ مَنْ جَحَدَكَ الظُّلُمُ الْأَشْقَى * مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ عَلَى
الْعِبَادِ، وَ الْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ، وَ الْعُدَّةُ لِلْمَعَادِ * مَوْلَايَ لَقَدْ رَفَعَ
اللَّهُ فِي الْأَوَّلَى مَنْزِلَتَكَ، وَ أَعْلَى فِي الْآخِرَةِ دَرَجَتَكَ * وَ بَصَّرَكَ مَا
عَمِيَ عَلَى مَنْ خَالَفَكَ * وَ حَالَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ مَوَاهِبِ اللَّهِ لَكَ *
فَلَعَنَ اللَّهُ مُسْتَحِلِّي الْحُرْمَةِ مِنْكَ وَ ذَائِدِي الْحَقِّ عَنْكَ * وَ أَشْهَدُ
أَنَّهُمُ الْأَخْسَرُونَ الَّذِينَ تَلَفَحُوا وُجُوهَهُمُ النَّارَ وَ هُمْ فِيهَا كَالْحَوْنِ *
وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَا أَقْدَمْتَ وَ لَا أَحْجَمْتَ وَ لَا نَطَقْتَ وَ لَا
أَمْسَكَتَ إِلَّا بِأَمْرِ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ * قُلْتُ: وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ

لَقَدْ نَظَرَ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَضْرِبُ بِالسَّيْفِ
قُدَمًا، فَقَالَ: يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى؛ إِلَّا أَنَّهُ
لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَأَعْلِمُكَ أَنَّ مَوْتَكَ وَحَيَاتَكَ مَعِي وَعَلَى سُنَّتِي *
فَوَاللَّهِ مَا كَذِبْتُ وَلَا كُذِّبْتُ، وَلَا ضَلَلْتُ وَلَا ضَلَّ بِي * وَلَا
نَسِيتُ مَا عَهَدَ إِلَيَّ رَبِّي * وَإِنِّي لَعَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي بَيْنَهَا لِنَبِيِّهِ، وَ
بَيْنَهَا النَّبِيُّ لِي * وَإِنِّي لَعَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ، الْفِطْهُ لَفِطًا *
صَدَقْتَ وَاللَّهِ وَقُلْتَ الْحَقَّ * فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَاوَاكَ بِمَنْ نَاوَاكَ
* وَاللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ: ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا
يَعْلَمُونَ﴾ * فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مَنْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ
وَلَا يَتَكَ * وَأَنْتَ وَلِيُّ اللَّهِ وَآخُو رَسُولِهِ، وَالدَّابُّ عَنْ دِينِهِ، وَ
الَّذِي نَطَقَ الْقُرْآنُ بِتَفْضِيلِهِ * قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَفَضَّلَ اللَّهُ
الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَ
رَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ * وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿أَجَعَلْتُمْ
سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؟ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ، وَاللَّهُ لَا
يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي
سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ

هُمْ الْفَائِزُونَ، يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ
 فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ، خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا، إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٦٠﴾
 أَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَخْصُوصُ بِمِدْحَةِ اللَّهِ ﴿٦١﴾ الْمُخْلِصُ لِبِطَاعَةِ اللَّهِ ﴿٦٢﴾
 لَمْ تَبْغِ بِالْهُدَى بَدَلًا، وَلَمْ تُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّكَ أَحَدًا ﴿٦٣﴾ وَأَنَّ اللَّهَ
 تَعَالَى اسْتَجَابَ لِنَبِيِّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فِيكَ دَعْوَتُهُ ﴿٦٤﴾ ثُمَّ
 أَمَرَهُ بِإِظْهَارِ مَا أَوْلَاكَ لِأُمَّتِهِ ﴿٦٥﴾ إِعْلَاءَ لِسَانِكَ، وَإِعْلَاءًا
 لِبُرْهَانِكَ، وَدَحْضًا لِلْأَبَاطِيلِ، وَقَطْعًا لِلْمَعَازِيرِ ﴿٦٦﴾ فَلَمَّا أَشْفَقَ
 مِنْ فِتْنَةِ الْفَاسِقِينَ، وَاتَّقَى فِيكَ الْمُنَافِقِينَ ﴿٦٧﴾ أَوْحَى إِلَيْهِ رَبُّ
 الْعَالَمِينَ: ﴿٦٨﴾ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ
 تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ﴿٦٩﴾ فَوَضَعَ
 عَلَى نَفْسِهِ أَوْزَارَ الْمَسِيرِ ﴿٧٠﴾ وَنَهَضَ فِي رَمَضَاءِ الْهَجِيرِ ﴿٧١﴾ فَخَطَبَ
 وَاسْمَعَ وَنَادَى فَأَبْلَغَ ﴿٧٢﴾ ثُمَّ سَأَلَهُمْ أَجْمَعٌ، فَقَالَ: هَلْ بَلَّغْتُ؟
 فَقَالُوا: اللَّهُمَّ بَلَى، فَقَالَ: اللَّهُمَّ أَشْهَدُ ﴿٧٣﴾ ثُمَّ قَالَ: أَلَسْتُ أَوَّلَى
 بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ فَقَالُوا: بَلَى، فَأَخَذَ بِيَدِكَ وَقَالَ: مَنْ
 كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَيَّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ
 عَادَاهُ، وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ ﴿٧٤﴾ فَمَا آمَنَ بِمَا أُنْزِلَ
 اللَّهُ فِيكَ عَلَى نَبِيِّهِ؛ إِلَّا قَلِيلٌ وَلَا زَادَ أَكْثَرَهُمْ غَيْرَ تَخْسِيرٍ ﴿٧٥﴾ وَ

لَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيكَ مِنْ قَبْلُ وَهُمْ كَارِهُونَ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ
وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةَ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ
وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ * ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا
الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ وَمَنْ يَتَوَلَّ
اللَّهُ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾ *
﴿رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾
* ﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً
إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾ * اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعْلَمُ اِنَّ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ
* فَالْعَنَ مَنْ عَارَضَهُ وَاسْتَكْبَرَ وَكَذَّبَ بِهِ وَكَفَرَ * ﴿وَسَيَعْلَمُ
الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ
الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَأَوَّلِ الْعَابِدِينَ، وَآرْهَدِ الرَّاهِدِينَ وَ
رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَصَلَوَاتُهُ وَنَحِيَّاتُهُ، أَنْتَ مُطْعِمُ الطَّعَامِ عَلَى
حُبِّهِ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَآسِيرًا لَوَجْهِ اللَّهِ، لَا تُرِيدُ مِنْهُمْ جَزَاءً وَ
لَا شُكُورًا، وَفِيكَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ
كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوَقِّ شَحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ

الْمُفْلِحُونَ ﴿١﴾ وَأَنْتَ الْكَاطِمُ لِّلْغَيْظِ، وَ الْعَافِي عَنِ النَّاسِ، وَ اللَّهُ
 يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ * وَأَنْتَ الصَّابِرُ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ
 الْبَأْسِ * وَأَنْتَ الْقَاسِمُ بِالسَّوِيَّةِ، وَ الْعَادِلُ فِي الرِّعْيَةِ، وَ الْعَالِمُ
 بِحُدُودِ اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ * وَ اللَّهُ تَعَالَى أَخْبَرَ عَمَّا أَوْلَاكَ مِنْ
 فَضْلِهِ بِقَوْلِهِ: ﴿أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ، أَمَّا
 الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا
 كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ * وَأَنْتَ الْمَخْصُوصُ بِعِلْمِ التَّنْزِيلِ وَ حُكْمِ
 التَّأْوِيلِ وَ نَصِّ الرَّسُولِ * وَلَكَ الْمَوَاقِفُ الْمَشْهُودَةُ، وَ الْمَقَامَاتُ
 الْمَشْهُورَةُ * وَ الْأَيَّامُ الْمَذْكُورَةُ يَوْمَ بَدْرٍ وَ يَوْمَ الْأَحْزَابِ * ﴿إِذْ
 زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ، وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ
 الظُّنُونَا، هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ، وَ زُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا، وَ إِذْ
 يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ، مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ
 رَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا، وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ
 لَكُمْ فَارْجِعُوا وَ يَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا
 عَوْرَةٌ وَ مَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا﴾ * وَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:
 ﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ
 وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيْمَانًا وَ تَسْلِيمًا﴾ *

فَقَتَلَتْ عَمْرُوهُمْ وَهَزَمَتْ جَمْعُهُمْ * ﴿وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا
بِعِظْمِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ
قَوِيًّا عَزِيزًا﴾ * وَيَوْمَ أُحُدٍ ﴿إِذْ يُصْعِدُونَ وَلَا يَلُودُونَ عَلَى أَحَدٍ
وَالرَّسُولُ يَدْعُوهُمْ فِي أُخْرَاهُمْ﴾ * وَأَنْتَ تَذُودُ بِهِمُ الْمُشْرِكِينَ
عَنِ النَّبِيِّ؛ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشَّامِلِ * حَتَّى رَدَّهُمُ اللَّهُ تَعَالَى
عَنْكَمَا خَائِفِينَ، وَ نَصَرَ بِكَ الْخَازِلِينَ * وَيَوْمَ حُنَيْنٍ عَلَى مَا
نَطَقَ بِهِ التَّنْزِيلُ ﴿إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ
شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمْ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمُ مُدْبِرِينَ
ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ * وَالْمُؤْمِنُونَ
أَنْتَ وَ مَنْ يَلِيكَ * وَ عَمَّكَ الْعَبَّاسُ يُنَادِي الْمُنْهَزِمِينَ يَا
أَصْحَابَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ، يَا أَهْلَ بَيْعَةِ الشَّجَرَةِ * حَتَّى اسْتَجَابَ لَهُ
قَوْمٌ قَدْ كَفَيْتَهُمُ الْمُؤُونَةَ، وَ تَكَفَّلَتْ دُونَهُمُ الْمَعُونَةَ * فَعَادُوا
أَيَّسِينَ مِنَ الْمَثُوبَةِ، رَاجِينَ وَعَدَ اللَّهُ تَعَالَى بِالتَّوْبَةِ * وَ ذَلِكَ قَوْلُ
اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ: ﴿ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ﴾، وَ
أَنْتَ حَائِزٌ دَرَجَةَ الصَّبْرِ، فَائِزٌ بِعَظِيمِ الْأَجْرِ * وَ يَوْمَ خَيْبَرَ إِذْ
أَظْهَرَ اللَّهُ خَوَرَ الْمُنَافِقِينَ، وَ قَطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَ لَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ؛ لَا يُولُونَ

الْأَدْبَارَ، وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا * مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ،
 وَالْمَحَجَّةُ الْوَاضِحَةُ، وَ النَّعْمَةُ السَّابِغَةُ، وَ الْبُرْهَانُ الْمُنِيرُ *
 فَهَنِيئًا لَكَ بِمَا آتَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ، وَ تَبًّا لِشَانِيكَ ذِي الْجَهْلِ *
 شَهِدْتَ مَعَ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) جَمِيعَ حُرُوبِهِ وَ مَغَازِيهِ *
 تَحْمِلُ الرَّايَةَ أَمَامَهُ، وَ تَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدَّامَهُ * ثُمَّ لِحَزْمِكَ
 الْمَشْهُورِ، وَ بَصِيرَتِكَ فِي الْأُمُورِ * أَمَرَكَ فِي الْمَوَاطِنِ وَ لَمْ يَكُنْ
 عَلَيْكَ أَمِيرٌ * وَ كَمْ مِنْ أَمْرِ صَدَّكَ عَنْ إِمْضَاءِ عَزْمِكَ فِيهِ
 الثَّقَى * وَ اتَّبَعَ غَيْرُكَ فِي مِثْلِهِ الْهَوَى * فَظَنَّ الْجَاهِلُونَ أَنَّكَ
 عَجَزْتَ عَمَّا إِلَيْهِ انْتَهَى * ضَلَّ وَ اللَّهُ الظَّانُّ لِدَلِيلِكَ وَ مَا اهْتَدَى
 * وَ لَقَدْ أَوْضَحْتَ مَا أَشْكَلَ مِنْ ذَلِكَ لِمَنْ تَوَهَّمَ وَ امْتَرَى *
 بِقَوْلِكَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ): قَدْ يَرَى الْحَوْلُ الْقَلْبُ وَجْهَ الْحِيلَةِ *
 وَ دُونَهَا حَاجِزٌ مِنْ تَقْوَى اللَّهِ * فَيَدَعُهَا رَأْيِي الْعَيْنِ * وَ يَنْتَهِزُ
 فُرْصَتَهَا مَنْ لَا حَرِيجَةَ لَهُ فِي الدِّينِ * صَدَقْتَ وَ خَسِرَ الْمُبْطِلُونَ
 * وَ إِذْ مَا كَرَّكَ النَّاكِثَانِ فَقَالَا: نُرِيدُ الْعُمَرَةَ * فَقُلْتُ لَهُمَا:
 لَعَمْرُكُمَا؛ مَا تُرِيدَانِ الْعُمَرَةَ، لَكِنْ تُرِيدَانِ الْعُدْرَةَ * فَأَخَذَتْ
 الْبَيْعَةَ عَلَيْهِمَا، وَ جَدَّدَتْ الْمِيثَاقَ، فَجَدَّا فِي التَّفَاقِ * فَلَمَّا
 نَبَّهَتْهُمَا عَلَى فِعْلِهِمَا؛ أَغْفَلَا وَ عَادَا؛ وَ مَا انْتَفَعَا؛ وَ كَانَ عَاقِبَةُ

أَمْرِهِمَا خُسْرًا * ثُمَّ تَلَاهُمَا أَهْلُ الشَّامِ؛ فَسِرَتْ إِلَيْهِمْ بَعْدَ
 الْإِعْذَارِ * وَهُمْ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ * وَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ *
 هَمَجٌ رَعَا ضَالُونَ * وَبِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ فِيكَ كَافِرُونَ * وَ
 لِأَهْلِ الْخِلَافِ عَلَيْكَ نَاصِرُونَ * وَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِاتِّبَاعِكَ *
 وَنَدَبَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى نَصْرِكَ * وَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
 آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ * مَوْلَايَ بِكَ ظَهَرَ الْحَقُّ
 وَقَدْ نَبَذَهُ الْخَلْقُ * وَأَوْصَحَتِ السُّنَنُ بَعْدَ الدُّرُوسِ وَالطَّمْسِ
 * فَلَكَ سَابِقَةُ الْجِهَادِ عَلَى تَصْدِيقِ التَّنْزِيلِ * وَلَكَ فَضِيلَةُ
 الْجِهَادِ عَلَى تَحْقِيقِ التَّأْوِيلِ * وَعَدُوكَ عَدُوُّ اللَّهِ؛ جَا حِدٌ لِرَسُولِ
 اللَّهِ؛ يَدْعُو بِاطِلًا * وَيَحْكُمُ جَائِرًا، وَيَتَأَمَّرُ غَاصِبًا، وَيَدْعُو
 حِزْبَهُ إِلَى النَّارِ * وَعَمَّارٌ يُجَاهِدُ وَيُنَادِي بَيْنَ الصَّقَيْنِ: الرَّوَاحِ
 الرَّوَاحِ إِلَى الْجَنَّةِ * وَلَمَّا اسْتَسْقَى فَسْقَى اللَّبْنَ؛ كَبَّرَ وَقَالَ: قَالَ
 لِي رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): آخِرُ شَرَابِكَ مِنَ الدُّنْيَا
 ضِيَا حٌ مِنْ لَبَنٍ، وَتَقْتُلُكَ الْفِئَةُ الْبَاغِيَّةُ * فَاعْتَرَضَهُ أَبُوالْعَادِيَةِ
 الْفَزَارِيُّ؛ فَقَتَلَهُ * فَعَلَى أَبِي الْعَادِيَةِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَلَعْنَةُ مَلَائِكَتِهِ
 وَرُسُلِهِ أَجْمَعِينَ * وَعَلَى مَنْ سَلَّ سَيْفَهُ عَلَيْكَ؛ وَسَلَّتْ سَيْفَكَ
 عَلَيْهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؛ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِلَى يَوْمِ

الدِّينَ، وَ عَلَى مَنْ رَضِيَ بِمَا سَاءَكَ؛ وَلَمْ يَكْرَهُهُ وَأَغْمَضَ عَيْنَهُ
 وَلَمْ يُنْكِرْ، أَوْ أَعَانَ عَلَيْكَ بِيَدٍ أَوْ لِسَانٍ، أَوْ قَعَدَ عَنْ نَصْرِكَ، أَوْ
 خَذَلَ عَنِ الْجِهَادِ مَعَكَ، أَوْ غَمَطَ فَضْلَكَ وَ جَحَدَ حَقَّكَ، أَوْ
 عَدَلَ بِكَ * مَنْ جَعَلَكَ اللَّهُ أَوَّلَى بِهِ مِنْ نَفْسِهِ * وَ صَلَوَاتُ اللَّهِ
 عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ، وَ عَلَى الْأُيَمَّةِ مِنْ آلِكَ
 الطَّاهِرِينَ * إِنَّهُ حَمِيدٌ مُجِيدٌ * وَ الْأَمْرُ الْأَعْجَبُ وَ الْخَطْبُ
 الْأَفْظَعُ بَعْدَ جَحْدِكَ حَقَّكَ * غَضَبُ الصَّدِيقَةِ الطَّاهِرَةِ الزَّهْرَاءِ
 سَيِّدَةِ النِّسَاءِ فَدَكَّا * وَ رَدُّ شَهَادَتِكَ وَ شَهَادَةِ السَّيِّدِينَ سُلَالَتِكَ
 وَ عِثْرَةِ الْمُصْطَفَى (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ) * وَ قَدْ أَعْلَى اللَّهُ تَعَالَى
 عَلَى الْأُمَّةِ دَرَجَتَكُمْ، وَ رَفَعَ مَنَزِلَتَكُمْ، وَ أَبَانَ فَضْلَكُمْ وَ
 شَرَّفَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ * فَاذْهَبْ عَنْكُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرْكُمْ
 تَطْهِيرًا * قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ
 الشَّرُّ جَزُوعًا وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ﴾ * فَاسْتَنْتَى
 اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ الْمُصْطَفَى وَ أَنْتَ يَا سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ جَمِيعِ
 الْخَلْقِ * فَمَا أَعَمَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ عَنِ الْحَقِّ * ثُمَّ أَفْرَضُوكَ سَهَمَ
 ذَوِي الْقُرْبَى مَكْرًا * وَ أَحَادُوا عَنْ أَهْلِهِ جَوْرًا * فَلَمَّا آلَ الْأَمْرُ
 إِلَيْكَ؛ أَجْرَيْتَهُمْ عَلَى مَا أَجْرِيَا رَغْبَةً عَنْهُمَا بِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَكَ *

فَاشْبَهَتْ مِحْنَتُكَ بِهِمَا مِحْنَ الْأَنْبِيَاءِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) عِنْدَ الْوَحْدَةِ
وَعَدَمِ الْأَنْصَارِ * وَاشْبَهَتْ فِي الْبَيَاتِ عَلَى الْفِرَاشِ الدَّبِيحَ
عَلَيْهِ السَّلَامُ * إِذْ أَجَبْتَ كَمَا أَجَابَ، وَ أَطَعْتَ كَمَا أَطَاعَ
إِسْمَاعِيلُ صَابِرًا مُحْتَسِبًا * إِذْ قَالَ لَهُ: ﴿يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ
أَنِّي أَذْبَحُكَ، فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى، قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ،
سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾ * وَكَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا أَبَاتَكَ
النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) * وَأَمَرَكَ أَنْ تَضْجَعَ فِي مَرْقَدِهِ وَاقِيًا
لَهُ بِنَفْسِكَ * أَسْرَعْتَ إِلَى إِجَابَتِهِ مُطِيعًا، وَلِنَفْسِكَ عَلَى الْقَتْلِ
مُوطَّنًا * فَشَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى طَاعَتَكَ * وَ أَبَانَ عَنْ جَمِيلِ فِعْلِكَ
بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ
اللَّهِ﴾ * ثُمَّ مِحْنَتُكَ يَوْمَ صَقَيْنَ؛ وَ قَدْ رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ حِيلَةً وَ
مَكْرًا * فَأَعْرَضَ الشَّكُّ، وَ عَزِفَ الْحَقُّ وَ اتَّبَعَ الظَّنُّ * أَشْبَهَتْ
مِحْنَةَ هَارُونَ؛ إِذْ أَمَرَهُ مُوسَى عَلَى قَوْمِهِ * فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ وَ هَارُونَ
يُنَادِي بِهِمْ وَ يَقُولُ: ﴿يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ، وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ
فَاتَّبِعُونِي، وَ أَطِيعُوا أَمْرِي، قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ؛ حَتَّى
يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى﴾ * وَ كَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ
قُلْتَ: يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهَا وَ خُدِعْتُمْ * فَعَصَوْكَ وَ خَالَفُوا

عَلَيْكَ، وَاسْتَدْعُوا نَصَبَ الْحَكَمَيْنِ * فَأَبَيْتَ عَلَيْهِمْ، وَتَبَرَّأْتَ
 إِلَى اللَّهِ مِنْ فِعْلِهِمْ، وَفَوَّضْتَهُ إِلَيْهِمْ * فَلَمَّا أَسْفَرَ الْحَقُّ وَسَفَهُ
 الْمُنْكَرُ، وَاعْتَرَفُوا بِالزَّلِيلِ وَالْجَوْرِ عَنِ الْقَصْدِ؛ اخْتَلَفُوا مِنْ
 بَعْدِهِ * وَالْزُمُوكَ عَلَى سَفَهِ التَّحْكِيمِ؛ الَّذِي أَبَيْتَهُ وَ أَحْبَبُّهُ وَ
 حَظَرْتَهُ * وَأَبَاحُوا ذَنْبَهُمُ الَّذِي اقْتَرَفُوهُ * وَأَنْتَ عَلَى نَهْجِ بَصِيرَةٍ
 وَهُدًى، وَهُمْ عَلَى سُنَنِ ضَلَالَةٍ وَ عَمًى * فَمَا زَالُوا عَلَى النِّفَاقِ
 مُصِرِّينَ، وَفِي الْعِغْيِ مُتَرَدِّدِينَ * حَتَّى آذَاهُمُ اللَّهُ وَبَالَ أَمْرِهِمْ *
 فَأَمَاتَ بِسَيْفِكَ مَنْ عَانَدَكَ، فَشَقِيَّ وَ هَوَى وَ أَحْيَا بِحُجَّتِكَ مَنْ
 سَعَدَ فَهُدًى * صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ؛ غَادِيَّةً وَ رَائِحَةً وَ عَاكِفَةً وَ
 ذَاهِبَةً * فَمَا يُحِيطُ الْمَادِحُ وَصْفَكَ، وَ لَا يُحِبُّطُ الطَّاعِنُ فَضْلَكَ *
 أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبَادَةً، وَ أَخْلَصُهُمْ زَهَادَةً، وَ أَدَبُهُمْ عَنِ الدِّينِ
 * أَقَمْتَ حُدُودَ اللَّهِ بِجُهِدِكَ، وَ فَلَلْتَ عَسَاكِرَ الْمَارِقِينَ بِسَيْفِكَ
 * تُحْمِدُ لَهَبَ الْخُرُوبِ بِنْدَانِكَ، وَ تَهْتِكُ سُتُورَ الشُّبْهِ بِبَيَانِكَ، وَ
 تَكْشِفُ لَبَسَ الْبَاطِلِ عَنْ صَرِيحِ الْحَقِّ * لَا تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ
 لَوْمَةٌ لَا يَمُ، وَ فِي مَدْحِ اللَّهِ تَعَالَى لَكَ؛ غِنًى عَنْ مَدْحِ الْمَادِحِينَ وَ
 تَقْرِيطِ الْوَاصِفِينَ * قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ
 صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ

يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا ﴿١٠﴾ * وَلَمَّا رَأَيْتَ أَنَّ قَتَلْتَ التَّائِبِينَ وَ
الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ * وَ صَدَقَكَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَالِهِ) وَعَدَهُ، فَأَوْفَيْتَ بِعَهْدِهِ * قُلْتَ: أَمَا أَن أَن تُخْضَبَ هَذِهِ مِنْ
هَذِهِ؟ أَمْ مَتَى يُبْعَثُ أَشْقَاهَا؟ وَائْتِقَا بِأَنَّكَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ، وَ
بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ، قَادِمٌ عَلَى اللَّهِ، مُسْتَبْشِرٌ بِبَيْعِكَ الَّذِي بَايَعْتَهُ بِهِ
* وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ * اللَّهُمَّ الْعَن قَتْلَةَ أَنْبِيَائِكَ وَ
أَوْصِيَائِ أَنْبِيَائِكَ بِجَمِيعِ لَعْنَاتِكَ وَ أَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ * وَ الْعَن مَنْ
غَضَبَ وَلِيِّكَ حَقَّهُ، وَ أَنْكَرَ عَهْدَهُ * وَ جَحَدَهُ بَعْدَ الْيَقِينِ، وَ
الْإِفْرَارِ بِالْوِلَايَةِ لَهُ؛ يَوْمَ اكْمَلْتَ لَهُ الدِّينَ * اللَّهُمَّ الْعَن قَتْلَةَ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ مَنْ ظَلَمَهُ، وَ أَشْيَاعَهُمْ وَ أَنْصَارَهُمْ * اللَّهُمَّ
الْعَن ظَالِمِي الْحُسَيْنِ وَ قَاتِلِيهِ، وَ الْمُتَابِعِينَ عَدُوَّهُ وَ نَاصِرِيهِ، وَ
الرَّاضِينَ بِقَتْلِهِ وَ خَاذِلِيهِ؛ لَعْنًا وَ بِلَاءً * اللَّهُمَّ الْعَن أَوَّلَ ظَالِمِ
ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ، وَ مَانِعِيهِمْ حُقُوقَهُمْ * اللَّهُمَّ خُصَّ أَوَّلَ ظَالِمٍ وَ
غَاصِبٍ لِآلِ مُحَمَّدٍ؛ بِاللَّعْنِ، وَ كُلِّ مُسْتَنٍّ بِمَا سَنَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
* اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ عَلَى عَلِيِّ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ
وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ * وَ اجْعَلْنَا بِهِمْ مُتَمَسِّكِينَ، وَ بَوْلَايَتِهِمْ مِنْ
الْفَائِزِينَ الْآمِنِينَ، الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ *

بیعت با حضرت امیر المؤمنین مولا علی علیه السلام

❖ در کلام خازنان وحی آمده است که: از اهداف زیارت حضرات معصومین علیهم السلام تجدید بیعت با ایشان بوده، و زائر به واسطه زیارت، تجدید پیمان و میثاق با ایشان می نماید، افزون بر این امر؛ هر شخص علوی یا حتی هر مسلمان؛ برای اطاعت از فرمان الهی همراه حاضران واقعه غدیر؛ با حضرت مولا علی امیر المؤمنین علیه السلام بیعت می نماید.

🌟 فلذا پس از فراغ از زیارت حضرتش؛ برای بیعت آماده شده؛ و بگوید:

* جِئْتُكَ يَا مَوْلَايَ زَائِرًا لَكَ وَمُسَلِّمًا عَلَيْكَ * وَلَا إِذًا بِكَ وَ قَاصِدًا إِلَيْكَ * أُجَدِّدُ مَا أَخَذَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ فِي رَقَبَتِي مِنَ الْعَهْدِ وَ الْبَيْعَةِ وَ الْمِيثَاقِ بِالْوِلَايَةِ لَكُمْ وَ الْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ * مُعْتَرِفًا بِالْمَفْرُوضِ مِنْ طَاعَتِكُمْ *

🌟 پس اگر او را دست دهد (با حفظ حال توجّه و ادب حضور) که بدان جایگاه انور برسد، به قصد بیعت و تجدید آن؛ دست راست خود را بر ضریح مقدّس گذاشته (و الاّ ترك آداب ننموده و مردم را نیازارد برای رسیدن به آن؛ و اکتفا نماید به اشاره بقصد بیعت)، و در این هنگام بگوید:

* هَذِهِ يَدِي مُصَافِقَةٌ لَكَ عَلَى الْبَيْعَةِ الْوَاجِبَةِ عَلَيْنَا فَاقْبَلْ ذَلِكَ مِنِّي يَا إِمَامِي * فَقَدْ زُرْتُكَ وَ أَنَا مُعْتَرِفٌ بِحَقِّكَ مَعَ مَا أَلَزَمَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مِنْ نُصْرَتِكَ * وَ هَذِهِ يَدِي عَلَى مَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ

مِنْ مُوَالَاتِكُمْ * وَ الْإِقْرَارِ بِالْمُفْتَرَضِ مِنْ طَاعَتِكُمْ وَ الْبَرَاءَةِ
مِنْ أَعْدَائِكُمْ * وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ *

🌿 سپس (اگر دست دهد) ضریح اطهر را بوسیده؛ (و الا اشاره نموده) و بگوید:

* يَا سَيِّدِي وَ مُوَلَايَ وَ إِمَامِي وَ الْمُفْتَرَضُ عَلَيَّ طَاعَتُهُ * أَشْهَدُ
أَنَّكَ بَقِيتَ عَلَى الْوَفَاءِ بِالْوَعْدِ وَ الدَّوَامِ عَلَى الْعَهْدِ * وَ قَدْ سَلَفَ
مِنْ جَمِيلِ وَعْدِكَ لِمَنْ زَارَ قَبْرَكَ مَا أَنْتَ الْمَرْجُوُّ لِلْوَفَاءِ بِهِ وَ
الْمُؤَمَّلُ لِتِمَامِهِ * وَ قَدْ قَصَدْتُكَ مِنْ بَلَدِي * وَ جَعَلْتُكَ عِنْدَ اللَّهِ
مُعْتَمَدِي * فَحَقَّقْ ظَنِّي وَ مَخِيلَتِي فِيكَ * صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ
سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا * اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِزِيَارَتِي إِيَّاهُ وَ أَرْجُو
مِنْكَ التَّجَاةَ مِنَ النَّارِ وَ بَابَائِهِ وَ أَبْنَائِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ *
رَضِينَا بِهِمْ أَئِمَّةً وَ سَادَةً وَ قَادَةً * اللَّهُمَّ ادْخُلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ
أَدْخَلْتَهُمْ فِيهِ * وَ أَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَهُمْ مِنْهُ * وَ
اجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ * بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ *
يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ *



لله بیعت با حضرت مولا امیر المؤمنین علی علیه السلام بر ولایت الهی و خلافت نبوی صلی الله علیه و آله و امیری مؤمنان.

❖ حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم فرمودند: مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي قَدِ بَيَّعْتُكُمْ وَأَفْهَمْتُكُمْ، وَهَذَا عَلِيٌّ عليه السلام يُفْهِمُكُمْ بَعْدِي. أَلَا وَإِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَالْأَقْرَارِ بِهِ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي. أَلَا وَإِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَعَلِيَّ عليه السلام قَدْ بَايَعَنِي، وَأَنَا أَخَذَكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ، يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ. فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ، وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفٍّ وَاحِدٍ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ، وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَخَذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمُ الْأَقْرَارَ بِمَا عَقَّدْتُ لِعَلِيٍّ عليه السلام أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام، وَلَمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنِّي وَمِنْهُ عليه السلام، عَلَى مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنَّ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ. فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ، ... (ترجمه) ای مردم! آنچه لازم بود به شما فهماندم و برایتان توضیح دادم و این علی علیه السلام است که پس از من، تعلیم و تفهیم شما را به عهده خواهد گرفت. آگاه باشید از شما می خواهم که پس از پایان خطابه (به نشان قبول و تمکین) نخست با من و سپس با علی علیه السلام، دست بیعت دهید و میثاق خود را استوار کنید. بدانید که من به خداوند تعهد سپرده ام و علی علیه السلام در برابر من تعهد و بیعت نموده است و من، اکنون، از سوی حق تعالی از شما می خواهم که با علی علیه السلام بیعت کنید و بدانید که هر کس بیعت خود را بشکند، به زیان خویش اقدام کرده است، و هر که وفا کند به آنچه با خدا پیمان بسته پس خداوند او را اجر عظیم عطا فرماید. ای مردم! شما را از آن حد فزونتر است که بتوانید یک یک، با من دست بیعت دهید در حالی که به فرمان خدا، مأمورم که از زبان هر یک از شما اعتراف گیرم که منصب فرمانروایی و امارت بر

مؤمنان را که برای علی علیه السلام قرار داده‌ام پذیرفته‌اید و نیز (مأمورم که) در مورد قبول امامت و ولایت امامانی که از نسل من و صلب علی علیه السلام می‌باشند، اقرار و بیعت گیرم. حال که چنین است، همگان (یک صدا و یک زبان) بگوئید:...

لله از این روش شخص طالب همراهی غدیر خم؛ بخش اول از الفاظ مخصوص بیعت در این روز شریف را بگوید:

* (یا رسول الله) إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُنْقَادُونَ؛ لِمَا بَلَغْتَ عَنْ رَبِّنَا وَرَبِّكَ؛ فِي أَمْرِ إِمَامِنَا عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ وُلِدَ (وَأَمْرُ وَلَدِهِ) مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَئِمَّةِ * تُبَايِعُكَ عَلَى ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالْأَسْتِنَا وَآيَدِينَا * عَلَى ذَلِكَ نَحْيِي وَعَلَيْهِ نَمُوتُ وَعَلَيْهِ نُبْعَثُ * وَلَا نُغَيِّرُ وَلَا نُبَدِّلُ، وَلَا نَشْكُ وَلَا نَجْحَدُ وَلَا نَرْتَابُ، وَلَا نَرْجِعُ عَنِ الْعَهْدِ وَلَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ * وَنُطِيعُ اللَّهَ وَعَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلَدَهُ الْأَئِمَّةَ * الَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ صُلْبِهِ بَعْدَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ * (ترجمه) ای رسول خدا، آنچه که در ولایت و رهبری مطلق علی علیه السلام و امامان پس از وی که از صلب اویند از جانب حق تعالی به ما ابلاغ کردی، شنیدیم و در برابر آن مطیع و تسلیمیم و به آن امر راضی و خوشنودیم! اینک ما به دل و جان و به زبان و دستان، نسبت به قبول ولایت با تو بیعت می‌کنیم و پیمان می‌بندیم که با این اعتقاد، زندگی کنیم و با آن بمیریم و تا آن زمان که سر از خاک برداریم، به آن پایبند بوده و هرگز در آن تغییر و تبدیلی ندهیم و شک و تردیدی ننماییم و از

سر پیمان خود بر نخیزیم . و از خدا و پیامبرش و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و فرزندانِش حسن و حسین و امامان دیگر که از صلب علی (علیه السلام) به جهان آیند، فرمان بریم....

❖ **آنگاه حضرت رسول الله ﷺ در توضیح بیشتر و مکرر فرمودند: الَّذِينَ قَدْ عَرَفْتُمْ مَكَانَهُمَا مِنِّي وَمَحَلَّهُمَا عِنْدِي وَمَنْزِلَتَهُمَا مِنِّي. فَقَدْ أَدَيْتَ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ فَإِنَّهُمَا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَإِنَّهُمَا الْإِمَامَانِ بَعْدَ أَبِيهِمَا عَلِيٌّ وَأَنَا أَبُوهُمَا قَبْلَهُ، فَقُولُوا:...** (ترجمه) حسن و حسین (علیه السلام)؛ آن دو نفری که به شما شناساندم جایگاهشان نزد من و مرتبتشان نزد خداوند را، پس به شما رساندم، که این دو تن سرور جوانان اهل بهشتند، و این دویند آن دو پیشوا بعد پدرشان، و پدر این دو هستم قبل از پدرشان علی (علیه السلام)، (یعنی پدر مادرشان (علیه السلام) هستم). و (ای مردم!) بگوئید:...

👈 **حالا بخش دوم از الفاظ مخصوص بیعت در روز غدیر خم را بگوید:**

* **أَطْعْنَا اللَّهَ بِذَلِكَ وَإِيَّاكَ وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَ * عَهْدًا وَمِيثَاقًا مَأْخُوذًا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ * مِنْ قُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَأَلْسِنَتِنَا وَمَصَافَقَةِ أَيْدِينَا * مِنْ أَدْرَكْهُمَا بِيَدِهِ وَأَقْرَبَهُمَا بِلِسَانِهِ * لَا نَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَلَا نَرَى مِنْ أَنْفُسِنَا عَنْهُ حَوْلًا أَبَدًا * نَحْنُ نُوَدِّي ذَلِكَ عَنْكَ الدَّانِي وَالْقَاصِي مِنْ أَوْلَادِنَا وَأَهَالِينَا * أَشْهَدُنَا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا * وَأَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيد * وَكُلٌّ مِنْ أَطَاعَ؛ مَنْ ظَهَرَ وَاسْتَتَرَ وَمَلَائِكَةُ**

الله و جنوده و عبیده * و الله أكبر من کل شهید * (ترجمه) در این امر، مطیع خدا و پیامبرش و علی(ع)، و حسنین و امامان پس از ایشانیم. تو (ای پیامبر) در مورد ولایت امیرالمؤمنین از دل و جان با ما عهد و میثاق بستی؛ از کسانی که توفیق مصافحه یافتند به دست، و از آنها که توفیق این کار نیافتند، از زبانشان بیعت گرفتی. پیمان نمودیم که دیگری را به جای این امر نگیریم و دل و جانمان به جانب دیگر روی ننماید. خدا را در این کار شاهد گرفتیم او به شهادت، کافی است و تو نیز (پیامبر) و همچنین همه مطیعان فرمان حق از حاضر و غائب و فرشتگان و جنود خدا و همه بندگان او را همگی را گواه و شاهد این امر کردیم و خدا از هر شهادی بزرگتر است.

❖ باز حضرت رسول الله ﷺ در تأکید بر اهمیت بیعت فرمودند: مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا تَقُولُونَ؟ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَخَافِيَةٍ كُلِّ نَفْسٍ، (فَمَنْ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا)، وَمَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ اللَّهَ، (يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ). مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَاتَّقُوا اللَّهَ وَبَايِعُوا اللَّهَ وَبَايِعُونِي وَبَايِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَئِمَّةَ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَلِمَةً بَاقِيَةً؛ يُهْلِكُ اللَّهُ مَنْ عَدَرَ وَيَرْحُمَ مَنْ وَفَى. (فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا). مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا الَّذِي قُلْتُ لَكُمْ وَسَلِّمُوا عَلَى عَلِيٍّ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَقُولُوا:.... (ترجمه) ای مردم! چه می گوئید؟ خداوند، هر صدایی را می شنود و از سر و پنهان همه آگاه است. (بدانید) آن کس که به راه هدایت رود، به سود خود رفته و آن کس که به گمراهی گراید، تنها به زیان خویش اقدام کرده است. چرا که دست خدا فوق هر دستی و قدرتش برتر از هر قدرتی است. ای مردم! از خدا بترسید و پرهیزگاری پیشه کنید و پیمان خود را با علی(ع)

امیرالمؤمنین و با حسنین و امامان دیگر که کلمه طیبه باقیه‌اند، استوار نمایید. هر که در این امر، مکر پردازد خدایش به هلاکت در افکند و آنکس که بر عهد خود پای فشرده خدایش رحمت کند، ای مردم! آنچه به شما گفتم، باز گوید و بر علی (ع)، با عنوان رسمی امیرالمؤمنین سلام دهید. و بگویید...

🌟 در اینجا بخش سوم از الفاظ مخصوص بیعت در روز غدیر خم را بگوید:

* وَعَظَّتْنَا (یا رسول الله) بِوَعْظِ اللَّهِ * فِي عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ الَّذِينَ ذَكَرْتَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ وَلَدِهِ بَعْدَهُ * الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ مَنْ نَصَبَهُ اللَّهُ بَعْدَهُمَا * فَالْعَهْدُ وَ الْمِيثَاقُ لَهُمْ مَا أَخُوذُ مِنَّا * مِنْ قُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ ضَمَائِرِنَا وَ أَيْدِينَا * مَنْ أَذْرَكَهَا بِيَدِهِ وَ إِلَّا فَقَدْ أَقَرَّ بِلِسَانِهِ * وَ لَا نَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا * وَ لَا يَرَى اللَّهُ مِنْ أَنْفُسِنَا حَوْلًا * نَحْنُ نُؤَدِّي ذَلِكَ عَنْكَ الدَّانِي وَ الْقَاصِي مِنْ أَوْلَادِنَا وَ أَهَالِينَا * وَ نَشْهَدُ اللَّهَ بِذَلِكَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَ أَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ * (ترجمه) ای رسول خدا؛ ما را به فرمان خدا پند دادی درباره‌ی علی امیرمؤمنان و امامان پس از او، فرزندان از نسل او، حسن و حسین و پیشوایان پس از آن دو که خداوند برایشان کرده. اینک برای آنان عهد و پیمان از ما گرفته شد، از دل‌ها و جان‌ها و زبان‌ها و درون‌ها و از دست‌انمان. هر کس توانست با دست، و گرنه با زبان بیعت نمود. دیگر پیمان نخواهیم شکست و خداوند دگرگونی از ما نبیند و از این پس فرمان تورا به نزدیک و دور از فرزندان و خویشان خواهیم رساند و خداوند را بر آن گواه

گیریم و او بر گواهی کافی است و تونیز بر ما گواه باش ."

از این رو شخص طالب همراهی غدیر خم در خاتمه بیعت بگوید: *

السلام عليك يا ابا الحسن علي يا امير المؤمنين * آنگاه با تلاوت این

آیه های قرآن بگوید: ﴿سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ

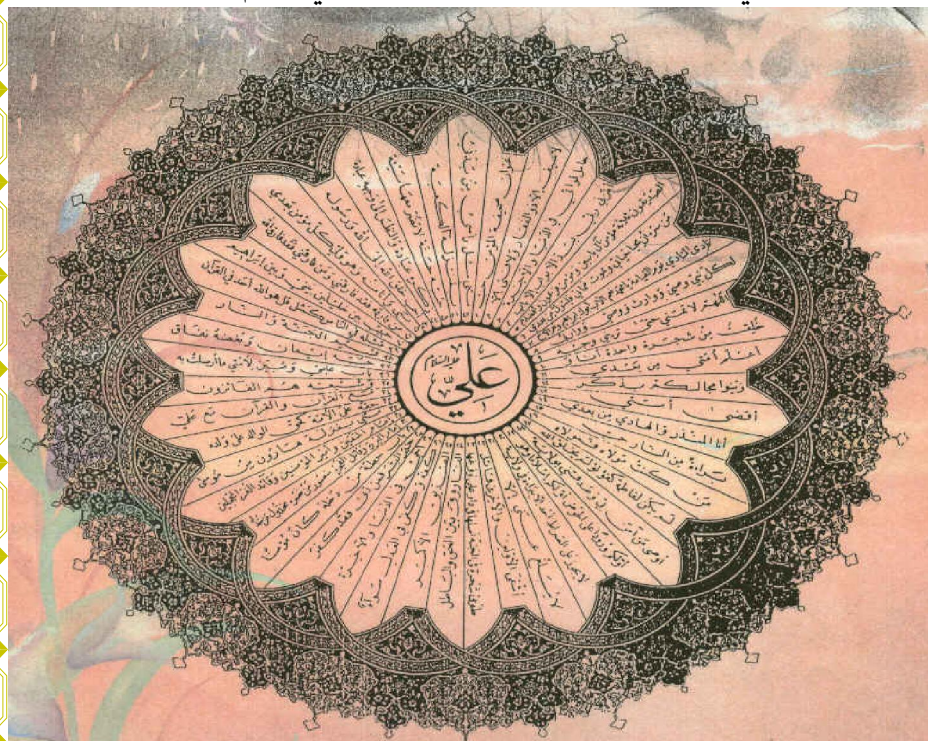
* الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ﴾ (ترجمه) پروردگارا دستورت را شنیدیم و

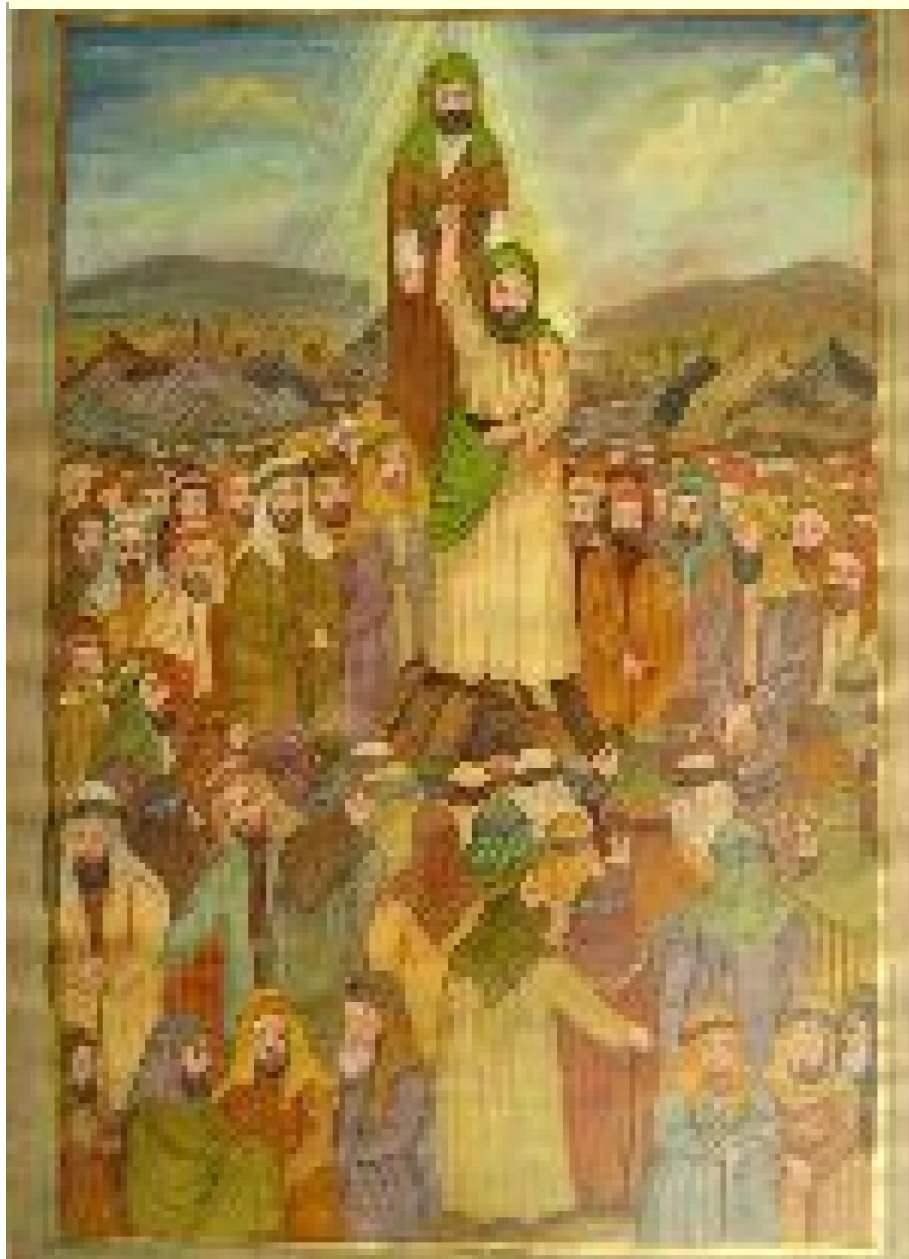
اطاعت کردیم تا از مرحمت و مغفرت تو بهره مند شویم که بازگشت همه به

توست. سپاس خدای را که به این امر ما را هدایت و دلالت فرموده و اگر

راهنمائیمان نمی کرد، ما، خود، به راه هدایت دست نمی یافتیم.



هفتم: اجتناب از غم و حزن؛ و اظهار سرور و شادی و ایجاد و مشارکت در مجالس
سرور اهل حق.



هشتم: نوشیدن و خوردن و اطعام و احسان به اخوان اهل حق، وصله و عیدي دادن.

بود علی
بود دو ل
بود دو ص
بود دو ه
شا

نهم: مصافحه و معاہدہ (ہم پیمانی) علویان دربارہ مولا ﷺ.

ﷺ مصافحه اہل ایمان؛ بجز تکریم و پیوند ایمانی؛ در این روز بہ قصد تحکیم بیعت با حضرت ولایت؛ و ہم پیمانی در راہ آن می باشد، فلذا اہل حق جون بہ یکدیگر می رسند ضمن مصافحه با دعای شکر بر ولایت چنین بگویند:

* الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوِلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
وَ الْأَئِمَّةِ الْمُعْصومِينَ و مولانا صاحب الأمر عَلَيْهِمُ السَّلَامُ *
الحمد لله الذي أكرمنا بهذا اليوم * و جعلنا من المؤمنين * و
جعلنا من الموفين بعهده الذي عهده إلينا * و ميثاقه الذي
واثقنا به * من ولاية ولاة أمره و القوام بقسطه * و لم يجعلنا
من الجاحدين و المكذبين بيوم الدين *



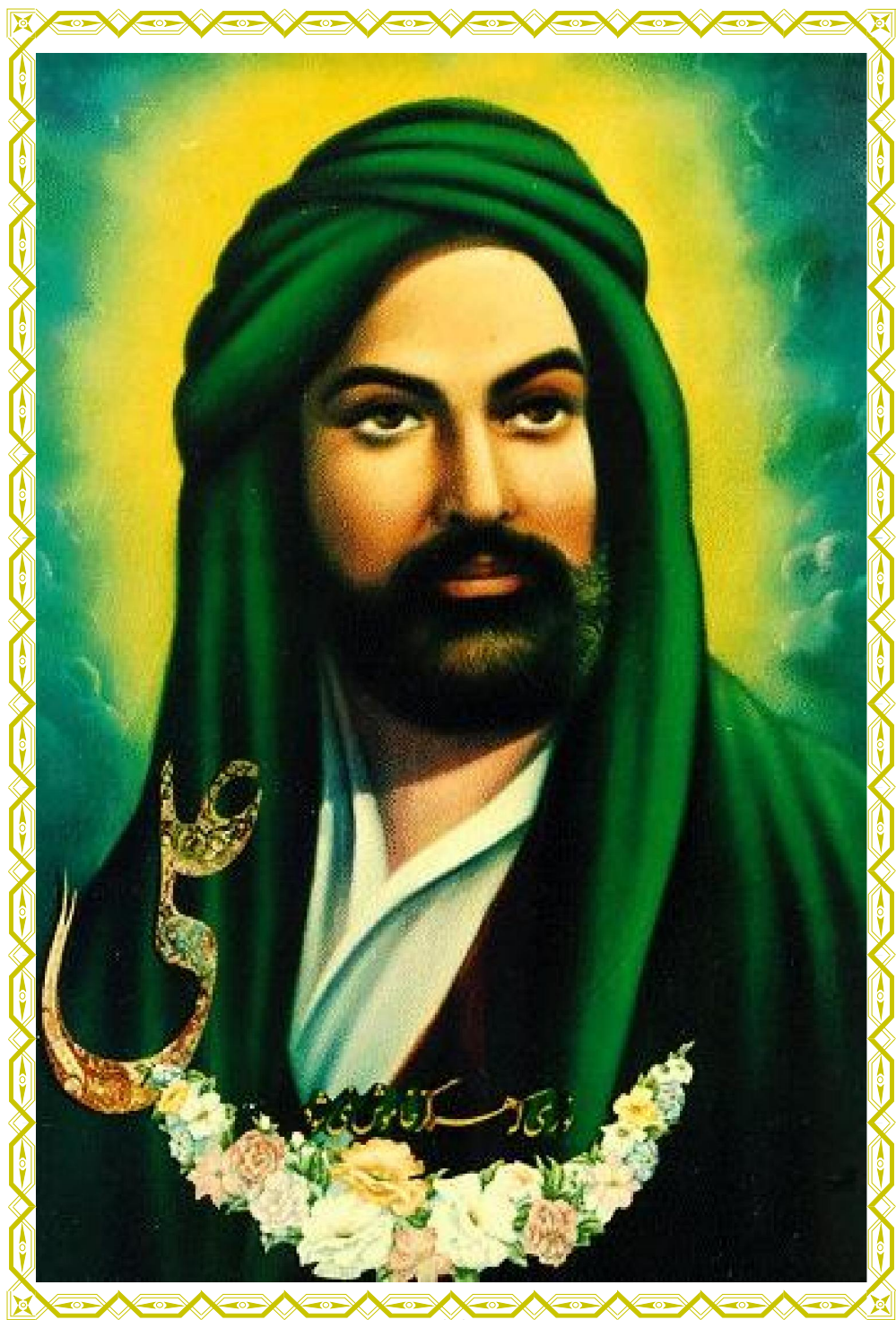
دهم: برگزاری مجلس غدیر.

لله برگزاری مجلس معرفت؛ و تلاوت کلام وحی و کلام خازنان وحی ﷺ مربوط به این هنگام؛ به خصوص شرح واقعه (مأموریت الهی ابلاغ)، و تلاوت و استماع خطبه حضرت رسول الله ﷺ در غدیر خم.

بیشنهاد می شود در صورت امکان؛ مجلس غدیر از صبح شروع شود، و بخش اول مجلس (صبح) به مدایح و ذکر، و بخش دوم (چاشت) به شرح وقایع غدیر و تلاوت خطبه و بیان ترجمه آن، و بخش سوم آن که از یکساعت قبل از ظهر شروع شده؛ به انجام اعمال نماز و دعا و زیارت، و در آخر اطعام انجام شود، افزون بر پذیرایی با شربت و شیرینی که از صبح در خلال برنامه ها بوده است.

[شماره ثبت: (۱۳۴۵) منبع: جامع المسائل]

یا ایها الذی

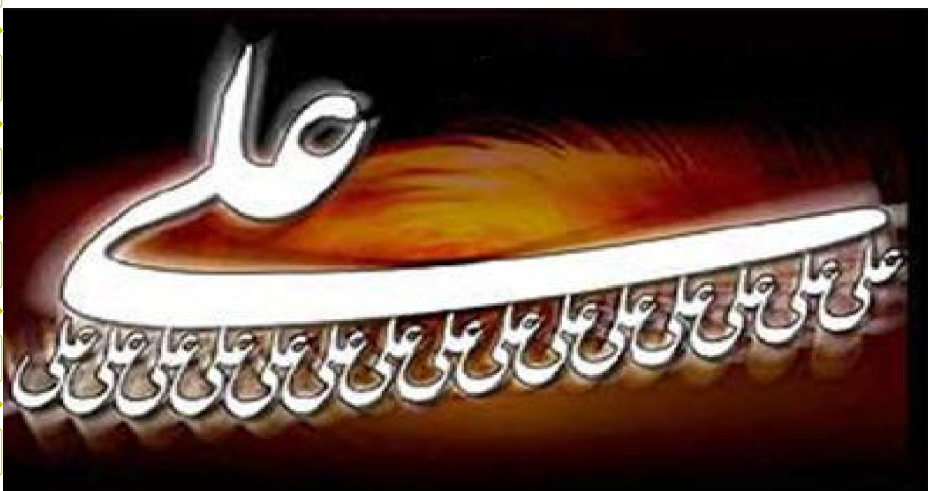


مِنَ خُطْبَةِ وَبَيَانَاتِ حَضْرَتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي رُوزِ غَدِيرِ خُم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَدَنَا فِي تَفَرُّدِهِ وَجَلَّ فِي سُلْطَانِهِ وَعَظُمَ فِي أَرْكَانِهِ، وَأَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَهُوَ فِي مَكَانِهِ، وَقَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَبُرْهَانِهِ، حَمِيدًا لَمْ يَزَلْ، مَحْمُودًا لَا يَزَالُ وَمَجِيدًا لَا يَزُولُ، وَمُبْدئًا وَمُعِيدًا وَكُلُّ أَمْرٍ إِلَيْهِ يَعُودُ. بَارِئُ الْمَسْمُوكَاتِ وَدَاحِي الْمَدْحُوتَاتِ وَجَبَّارُ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ، قُدُّوسٌ سُبُّوحٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، مُتَفَضِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ بَرَّاءِهِ، مُتَطَوِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ أُنْشَاءِهِ. يَلْحَظُ كُلَّ عَيْنٍ وَالْعُيُونُ لَا تَرَاهُ. كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أُنَاةٍ، قَدْ وَسَّعَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ وَمَنْ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ. لَا يَعْجَلُ بِإِنْتِقَامِهِ، وَلَا يُبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ عَذَابِهِ. قَدْ فَهِمَ السَّرَائِرَ وَعَلِمَ الضَّمَائِرَ، وَلَمْ تَخَفْ عَلَيْهِ الْمَكْنُونَاتُ وَلَا اسْتَبْهَتْ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتُ. لَهُ الْأَحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ وَالْعَلَبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَالْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَالْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، وَلَيْسَ مِثْلُهُ شَيْءٌ. وَهُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ حِينَ لَا شَيْءَ، دَائِمٌ حَيٌّ وَقَائِمٌ بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ. لَا

يَلْحَقُ أَحَدٌ وَصَفَهُ مِنْ مُعَايِنَةٍ، وَلَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرٍّ
وَعَلَانِيَةٍ، إِلَّا بِمَا دَلَّ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى نَفْسِهِ. وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ الَّذِي
مَلَأَ الدَّهْرَ قُدُسُهُ، وَالَّذِي يَغْشَى الْأَبَدَ نُورُهُ، وَالَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِلا
مُشَاوَرَةٍ مُشِيرٍ، وَلَا مَعَهُ شَرِيكَ فِي تَقْدِيرِهِ، وَلَا يُعَاوَنُ فِي تَدْبِيرِهِ.
صَوَّرَ مَا ابْتَدَعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ، وَخَلَقَ مَا خَلَقَ بِلا مَعُونَةٍ مِنْ
أَحَدٍ وَلَا تَكَلُّفٍ وَلَا احْتِيَالٍ. أَنْشَأَهَا فَكَانَتْ، وَبَرَّأَهَا فَبَانَتْ.
فَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمُتَقِنُ الصَّنِيعَةُ، الْحَسَنُ الصَّنِيعَةُ،
الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ، وَالْأَكْرَمُ الَّذِي تَرْجِعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ. وَأَشْهَدُ
أَنَّ اللَّهَ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ، وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ،
وَاسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ، وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ. مَلِكُ
الْأَمْلاَكِ وَمُفَلِّكُ الْأَفْلاَكِ وَمُسَخِّرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، كُلُّ يَجْرِي
لِاجْلِ مُسَمًّى، يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ
يَطْلُبُهُ حَثِيثًا. قَاصِمُ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَمُهْلِكُ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ.
لَمْ يَكُنْ لَهُ ضِدٌّ وَلَا مَعَهُ نِدٌّ، أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ
يَكُنْ لَهُ كُفْوًا أَحَدٌ. إِلَهٌ وَاحِدٌ وَرَبُّ مَا جَدَّ، يَشَاءُ فَيَمُضِي، وَيُرِيدُ
فَيَقْضِي، وَيَعْلَمُ فَيُخْصِي، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَيَفْقِرُ وَيُغْنِي،
وَيُضْحِكُ وَيُبْكِي، وَيُدْنِي وَيُقْصِي، وَيَمْنَعُ وَيُعْطِي، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ

الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ
وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْعَفَّارُ. مُسْتَجِيبُ
الدُّعَاءِ وَمُجْزِلُ الْعَطَاءِ، مُحْصِيَ الْأَنْفَاسِ وَرَبُّ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ ؛
الَّذِي لَا يُشْكَلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَلَا يُضْجَرُهُ صُرَاخُ الْمُسْتَضَرِّحِينَ،
وَلَا يُبْزِمُهُ إِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ. الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ، وَالْمَوْفِقُ
لِلْمُفْلِحِينَ، وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَرَبُّ الْعَالَمِينَ ؛ الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ
مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَيَحْمَدَهُ عَلَى كُلِّ حَالٍ. أَحْمَدُهُ كَثِيرًا وَأَشْكُرُهُ
دَائِمًا عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ، وَأُؤَمِّنُ بِهِ
وَبِمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ. أَسْمَعُ لِأَمْرِهِ وَأُطِيعُ وَأُبَادِرُ إِلَى كُلِّ مَا
يَرْضَاهُ وَأَسْتَسْلِمُ لِمَا قَضَاهُ، رَغْبَةً فِي طَاعَتِهِ وَخَوْفًا مِنْ عِقُوبَتِهِ،
لِأَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمَنُ مَكْرُهُ وَلَا يُخَافُ جَوْرُهُ.



أمرُ الله في موضوع هام

وَأَقِرُّ لَهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ، وَأَشْهَدُ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَأُؤَدِّي مَا أَوْحَى بِهِ إِلَيَّ، حَذَرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ فَتَحِلَّ بِي مِنْهُ قَارِعَةٌ لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ وَإِنْ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ وَصَفَتْ حُلَّتُهُ ؛ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ. لِأَنَّهُ قَدْ أَعْلَمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيَّ فِي حَقِّ عَلِيٍّ فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ، وَقَدْ ضَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْعِصْمَةَ مِنَ النَّاسِ وَهُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ. فَأَوْحَى إِلَيَّ: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فِي عَلِيٍّ، يَعْنِي فِي الْخِلَافَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا قَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أُنْزِلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ، وَأَنَا أُبَيِّنُ لَكُمْ سَبَبَ هَذِهِ الْآيَةِ:

إِنَّ جَبْرِئِيلَ هَبَطَ إِلَيَّ مَرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَيِّي (وَهُوَ السَّلَامُ) أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأُعْلِمَ كُلَّ أَبْيَضٍ وَأَسْوَدَ: أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي وَالْأَمَامُ مِنْ بَعْدِي، الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَهُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَرَسُولُهُ.

وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ هِيَ: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)، وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ.

وَسَأَلْتُ جَبْرَيْلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي السَّلَامَ عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ (أَيُّهَا النَّاسُ) لِعِلْمِي بِقَلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَإِدْغَالِ اللَّائِمِينَ وَحِيلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْأَسْلَامِ، الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِالْإِسْنَةِ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ، وَيُحَسِّبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ، وَكَثْرَةَ أَذَاهُمْ لِي غَيْرَ مَرَّةٍ، حَتَّى سَمُّونِي أَذْنًا وَزَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكَ لِكَثْرَةِ مُلَازِمَتِهِ إِيَّايَ وَإِقْبَالِي عَلَيْهِ وَهَوَاهُ وَقَبُولِهِ مِنِّي، حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ذَلِكَ: (وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ، قُلْ أُذُنٌ - عَلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ أُذُنٌ - خَيْرٌ لَكُمْ، يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ).

وَلَوْ شِئْتُ أَنْ أَسْمِيَ الْقَائِلِينَ بِذَلِكَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُ، وَأَنْ أَوْمِئَ إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ لَاَوْمَأْتُ، وَأَنْ أَدُلَّ عَلَيْهِمْ لَدَلْتُ، وَلَكِنِّي وَاللَّهِ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكَرَّمْتُ.

وَكُلَّ ذَلِكَ لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّي إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيَّ فِي حَقِّ عَلِيٍّ، (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - فِي حَقِّ عَلِيٍّ - وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ).

الإعلان الرسمي بإمامة الأئمة الاثني عشر عليهم السلام وولايتهم

فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ ذَلِكَ فِيهِ وَافْتِهِمُوهُ، وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَعَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، وَعَلَى الْبَادِي وَالْحَاضِرِ، وَعَلَى الْعَجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ، وَالْخُرَّ وَالْمَمْلُوكِ وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ، وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ، وَعَلَى كُلِّ مُوَحَّدٍ ماضٍ حُكْمُهُ، جازٍ قَوْلُهُ، نافِذٌ أَمْرُهُ، مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ وَصَدَّقَهُ، فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَلِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَأَطَاعَ لَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَانْقَادُوا لِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَإِلَهُكُمْ، ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُهُ وَنَبِيُّهُ الْمُخَاطَبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَلِيُّكُمْ وَإِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْأِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وَلَدِهِ إِلَى يَوْمٍ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ.

لَا حَلَالَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَلَا حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَهُ

اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَرَّفَنِي الْحَلَالَ
وَالْحَرَامَ وَأَنَا أَفْضَيْتُ بِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ
إِلَيْهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضَّلُوهُ. مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ، وَكُلَّ
عِلْمٍ عَلَّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ
عَلَّمْتُهُ عَلَيَّ، وَهُوَ الْأَمَامُ الْمُبِينُ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَاسِينَ:
(وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَضِلُّوا عَنْهُ وَلَا تَنْفِرُوا مِنْهُ، وَلَا تَسْتَنْكِفُوا
عَنْ وَلَايَتِهِ، فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَيَعْمَلُ بِهِ، وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ
وَيَنْهَى عَنْهُ، وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ. أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ
وَرَسُولِهِ، لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَى الْإِيمَانِ بِي أَحَدٌ، وَالَّذِي قَدَى رَسُولَ اللَّهِ
بِنَفْسِهِ، وَالَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا أَحَدَ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ
مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ. أَوَّلُ النَّاسِ صَلَاةً وَأَوَّلُ مَنْ عَبَدَ اللَّهَ مَعِيَ.
أَمَرْتُهُ عَنِ اللَّهِ أَنْ يَنَامَ فِي مَضْجَعِي، فَفَعَلَ فَادِيَا لِي بِنَفْسِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضَّلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ، وَاقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ.
مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ
وَلَايَتَهُ وَلَنْ يَغْفِرَ لَهُ، حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ

أَمْرُهُ وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا نُكْرًا أَبَدَ الْأَبَادِ وَدَهْرَ الدُّهُورِ. فَاحْذَرُوا
أَنْ تُخَالِفُوهُ، فَتَصْلُوا نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ
لِلْكَافِرِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، بِي - وَاللَّهِ - بَشَّرَ الْأَوَّلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ،
وَأَنَا - وَاللَّهِ - خَاتَمَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، وَالْحُجَّةُ عَلَى جَمِيعِ
الْمَخْلُوقِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ. فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ
فَقَدْ كَفَرَ كُفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى، وَمَنْ شَكَّ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي
هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِي كُلِّ مَا أُنْزِلَ إِلَيَّ، وَمَنْ شَكَّ فِي وَاحِدٍ مِنَ الْأَيِّمَةِ
فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ، وَالشَّكُّ فِينَا فِي النَّارِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حَبَابِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ مَنَا مِنْهُ عَلَيَّ
وَإِحْسَانًا مِنْهُ إِلَيَّ وَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، أَلَا لَهُ الْحَمْدُ مِنِّي أَبَدَ الْآبِدِينَ
وَدَهْرَ الدَّاهِرِينَ وَعَلَى كُلِّ حَالٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضِّلُوا عَلَيَّا فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ
وَأُنْثَى مَا أُنْزِلَ اللَّهُ الرَّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقُ.

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَلَمْ
يُؤَافِقْهُ. أَلَا إِنَّ جَبْرِئِيلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَيَقُولُ: "مَنْ
عَادَى عَلِيًّا وَلَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَغَضَبِي"، (وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا

قَدَّمَتْ لِعَدِّ وَاتَّقُوا اللَّهَ - أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا - إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ جَنْبُ اللَّهِ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ، فَقَالَ تَعَالَى مُخْبِرًا عَمَّنْ يُخَالِفُهُ: (أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَافْهَمُوا آيَاتِهِ، وَانْظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَلَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ، فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَلَنْ يُوضِحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَمُضْعِدُهُ إِلَيَّ وَشَائِلٌ بَعْضُهُ وَرَافِعُهُ بِيَدِي وَمُعْلِمُكُمْ: أَنَّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، وَهُوَ عَلِيٌّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّي، وَمُؤَالَاةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وَلَدِي مِنْ صَلْبِهِ هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ، وَالْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُنْبِئٌ عَنْ صَاحِبِهِ وَمُوَافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضَ.

أَلَا إِنَّهُمْ أُمَنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَحُكَّامُهُ فِي أَرْضِهِ. أَلَا وَقَدْ أَدَّيْتُ، أَلَا وَقَدْ بَلَّغْتُ، أَلَا وَقَدْ أَسْمَعْتُ، أَلَا وَقَدْ أَوْضَحْتُ. أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ، وَأَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

أَلَا إِنَّهُ لَا "أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ" غَيْرَ أَخِي هَذَا. أَلَا لَا تَحِلُّ إِمْرَةُ
الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِاحِدٍ غَيْرِهِ.

رفع علي عليه السلام بيدي رسول الله صلى الله عليه وآله

ثم ضرب بيده إلى عضد علي عليه السلام فرفعه، وكان أمير المؤمنين عليه السلام
منذ أول ما صعد رسول الله صلى الله عليه وآله منبره على درجة دون مقامه
مُتَيَمِّناً عن وجه رسول الله صلى الله عليه وآله كأنَّهما في مقام واحد. فرفعه
رسول الله صلى الله عليه وآله بيده وبسطهما إلى السماء وشال علياً عليه السلام حتى
صارت رجله مع ركبة رسول الله صلى الله عليه وآله، ثم قال: أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ
أَوَّلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قالوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ. فَقَالَ: أَلَا فَمَنْ
كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ
وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلِيٌّ أَخِي وَوَصِيِّ وَوَاعِي عِلْمِي، وَخَلِيفَتِي فِي
أُمَّتِي عَلَى مَنْ آمَنَ بِي وَعَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالِدَّاعِي
إِلَيْهِ وَالْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ وَالْمُحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ وَالْمُوَالِي عَلَى طَاعَتِهِ
وَالنَّاهِي عَنْ مَعْصِيَتِهِ.

إِنَّهُ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِمَامُ الْهَادِي مِنَ اللَّهِ،
وَقَاتِلُ التَّاكِيثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ.

يَقُولُ اللَّهُ: (مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلَ لَدَيَّ). بِأَمْرِكَ يَا رَبِّ أَقُولُ: اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَالْعَنِ مَنْ أَنْكَرَهُ وَاغْضِبْ عَلَى مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ الْآيَةَ فِي عَلِيٍّ وَلِيِّكَ عِنْدَ تَبْيِينِ ذَلِكَ وَنَصْبِكَ إِيَّاهُ لِهَذَا الْيَوْمِ: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)، وَ قُلْتُ: (إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ)، وَ قُلْتُ: (وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ).
اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي قَدْ بَلَغْتُ.



التأكيد على توجه الأمة نحو مسألة الإمامة

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ. فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وَلَدِي مَنْ صَلَّيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ، (لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلَيَّ، أَنْصَرُّكُمْ لِي وَأَحَقُّكُمْ بِي وَأَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَأَعَزُّكُمْ عَلَيَّ، وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَأَنَا عَنْهُ رَاضِيَانِ. وَمَا نَزَلَتْ آيَةٌ رِضَى فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَلَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ، وَلَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدَحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَلَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْجَنَّةِ فِي (هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ) إِلَّا لَهُ، وَلَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَلَا مَدَحَ بِهَا غَيْرُهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ وَالْمُجَادِلُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ، وَهُوَ التَّقِيُّ التَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ. نَبِيُّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ وَوَصِيُّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ وَبَنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صَلَّيْهِ، وَذُرِّيَّتِي مِنْ

صَلَبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَتَزِيلَ أَقْدَامُكُمْ، فَإِنَّ آدَمَ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ بِخَطِيئَةٍ وَاحِدَةٍ، وَهُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَكَيْفَ بِكُمْ وَأَنْتُمْ أَنْتُمْ وَمِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ.

أَلَا وَإِنَّهُ لَا يُبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيٌّ، وَلَا يُوَالِي عَلِيًّا إِلَّا تَقِيٌّ، وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ. وَفِي عَلِيٍّ - وَاللَّهِ - نَزَلَتْ سُورَةُ الْعَصْرِ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا عَلِيٌّ الَّذِي آمَنَ وَرَضِيَ بِالْحَقِّ وَالصَّبْرِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ اسْتَشْهَدْتُ اللَّهَ وَبَلَّغْتُكُمْ رِسَالَتِي وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، (اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ).

الإشارة إلى مقاصد المنافقين

مَعَاشِرَ النَّاسِ، (آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْثَوْرَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهَ فَرَرَدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ). بِاللَّهِ مَا عَنَى بِهَذِهِ الْآيَةِ إِلَّا قَوْمًا مِنْ أَصْحَابِي

أَعْرِفُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَنْسَابِهِمْ، وَقَدْ أُمِرْتُ بِالصَّفْحِ عَنْهُمْ.
فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ عَلَى مَا يَجِدُ لِعَلِّي فِي قَلْبِهِ مِنَ الْحُبِّ وَالْبُغْضِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، الثُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَسْلُوكٌ فِيَّ، ثُمَّ فِي عَلِيٍّ بْنِ
أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ
اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا، لِإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى
الْمُقَصِّرِينَ وَالْمُعَانِدِينَ وَالْمُخَالِفِينَ وَالْخَائِنِينَ وَالْآثِمِينَ
وَالظَّالِمِينَ وَالْغَاصِبِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أُنْذِرُكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِي
الرُّسُلُ، أَفَأَنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ؟ وَمَنْ يَنْقَلِبْ
عَلَى عَقْبِيهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ
الصَّابِرِينَ. أَلَا وَإِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ
بَعْدِهِ وَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَمُتُوا عَلَيَّ بِإِسْلَامِكُمْ، بَلْ لَا تَمُتُوا عَلَى اللَّهِ
فَيُحِيطَ عَمَلَكُمْ وَيَسْخَطَ عَلَيْكُمْ وَيَبْتَلِيَكُمْ بِشَوَاطِئِ نَارٍ
وَنُحَاسٍ، إِنَّ رَبَّكُمْ لِبَالِمِرْصَادٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أَيْمَةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ

وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ وَأَنَا بَرِئَانِ مِنْهُمْ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ وَأَشْيَاعَهُمْ فِي الدَّرَكِ
الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَبِئْسَ مَتْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ.

أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ فِي
صَحِيفَتِهِ!!

قال: فذهب على الناس - إلا شذمة منهم - أمر الصحيفة.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوِرَاثَةً فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ،
وَقَدْ بَلَّغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ، وَعَلَى
كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ، وَلَدٌ أَوْ لَمْ يُولَدْ، فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ
الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

وَسَيَجْعَلُونَ الْأِمَامَةَ بَعْدِي مُلْكًا وَاعْتِصَابًا، أَلَا لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ
الْمُعْتَصِبِينَ، وَعِنْدَهَا سَيَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ مَنْ يَفْرُغُ،
وَيُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوَاظُ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ. مَعَاشِرَ
النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَكُنْ لِيَذَرَكُمْ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى
يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ، وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ مَا مِنْ قَرِيَةٍ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا قَبْلَ
يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَمَمْلِكُهَا الْأَمَامَ الْمَهْدِيِّ وَاللَّهُ مُصَدِّقُ وَعْدِهِ.
مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ، وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ
الْأَوَّلِينَ، وَهُوَ مُهْلِكُ الْآخِرِينَ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (أَلَمْ نُهْلِكْ
الْأَوَّلِينَ، ثُمَّ نُنْبِئُهُمُ الْآخِرِينَ، كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ، وَيَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي، وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَنَهَيْتُهُ
بِأَمْرِهِ. فَعِلْمُ الْأَمْرِ وَالتَّهْيِي لَدَيْهِ، فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلِمُوا وَأَطِيعُوهُ
تَهْتَدُوا وَانْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَرْشُدُوا، وَصِيرُوا إِلَى مُرَادِهِ وَلَا تَتَفَرَّقُوا
بِكُمْ السُّبُلُ عَنْ سَبِيلِهِ.



أولياء أهل البيت عليهم السلام وأعداءهم

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلَيَّ مِنْ بَعْدِي، ثُمَّ وَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ أَيْمَةُ الْهُدَى، يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ.

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ، إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ)، فِي نَزَلَتْ وَفِيهِمْ وَاللَّهُ نَزَلَتْ، وَلَهُمْ عَمَّتْ، وَإِيَّاهُمْ خَصَّتْ، أَوْلِيكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ.

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ الْغَاوُونَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ، يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: (لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ، أَوْلِيكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ

جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ
وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ).
أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ:
(الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبَسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ
مُهْتَدُونَ).

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَرْتَابُوا.
أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ آمِنِينَ، تَتَلَقَّاهُمُ
الْمَلَائِكَةُ بِالتَّسْلِيمِ يَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا
خَالِدِينَ.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ، لَهُمُ الْجَنَّةُ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ.
أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ يَصْلَوْنَ سَعِيرًا.
أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِحَبْلِهِمْ شَهِيْقًا وَهِيَ تَفُورُ وَيَرَوْنَ
لَهَا زَفِيرًا.

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ: (كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ
أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرِيَهُمْ لِأُولِيهِمْ رَبَّنَا
هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٌ

وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ).

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: (كُلَّمَا أُلْتَمِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ، قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ، إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ، وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحِقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ).

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ، لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، شَتَّانَ مَا بَيْنَ السَّعِيرِ وَالْأَجْرِ الْكَبِيرِ.
مَعَاشِرَ النَّاسِ، عَدُونًا مَنْ دَمَهُ اللَّهُ وَلَعَنَهُ، وَوَلَيْنًا كُلِّ مَنْ مَدَحَهُ
اللَّهُ وَأَحَبَّهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَإِنِّي أَنَا النَّذِيرُ وَعَلَيَّ الْبَشِيرُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَإِنِّي مُنْذِرٌ وَعَلَيَّ هَادٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي نَبِيٌّ وَعَلَيَّ وَصِيٌّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَإِنِّي رَسُولٌ وَعَلَيَّ الْأَمَامُ وَالْوَصِيُّ مِنْ بَعْدِي،
وَالْإِمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدُهُ. أَلَا وَإِنِّي وَالِدُهُمْ وَهُمْ يَخْرُجُونَ مِنْ صُلْبِهِ.

الإمام المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

أَلَا إِنَّ خَاتِمَ الْأَيِّمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ. أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ.
أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ. أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَهَادِمُهَا. أَلَا
إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشَّرِكِ وَهَادِيهَا.

أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ. أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ.
أَلَا إِنَّهُ الْعَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ. أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ
وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ. أَلَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَمُخْتَارُهُ. أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ
عِلْمٍ وَالْمُحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ.

أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْمُشِيدُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ. أَلَا إِنَّهُ
الرَّشِيدُ السَّيِّدُ. أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ.

أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ.
أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَلَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَلَا نُورَ إِلَّا
عِنْدَهُ. أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ. أَلَا وَإِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي
أَرْضِهِ، وَحَاكِمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَأَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَأَفْهَمْتُكُمْ، وَهَذَا عَلَيَّ
يُفْهِمُكُمْ بَعْدِي.

التمهيد لأمر البيعة

أَلَا وَإِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ
وَالْأَقْرَارِ بِهِ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي.

أَلَا وَإِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَعَلَيَّ قَدْ بَايَعَنِي، وَأَنَا آخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ
عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ، يَدُ اللَّهِ
فَوْقَ أَيْدِيهِمْ. فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ، وَمَنْ أَوْفَى بِمَا
عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا).

الحلال والحرام، الواجبات والمحرمات

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ، (فَمَنْ حَجَّ
الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ
خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ). مَعَاشِرَ النَّاسِ، حِجُّوا الْبَيْتَ، فَمَا
وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتٍ إِلَّا اسْتَغْنَوْا وَأَبْشَرُوا، وَلَا تَخَلَّفُوا عَنْهُ إِلَّا
بُتِرُوا وَافْتَقَرُوا. مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلَّا
غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى وَقْتِهِ ذَلِكَ، فَإِذَا انْقَضَتْ
حَجَّتُهُ اسْتَأْنَفَ عَمَلَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، الْحُجَّاجُ مُعَانُونَ وَنَفَقَاتُهُمْ مُخْلَفَةٌ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ لَا

يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، حِجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ
الدِّينِ وَالتَّفَقُّهِ، وَلَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَإِقْلَاعِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ
وَجَلَّ، فَإِنْ طَالَ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ فَقَصِّرْتُمْ أَوْ نَسِيتُمْ فَعَلِيٌّ وَلِيَّكُمْ
وَمُبَيِّنٌ لَكُمْ ؛ الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ بَعْدِي أَمِينَ
خَلَقَهُ. إِنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ، وَهُوَ وَمَنْ يَخْلُفُ مِنْ ذُرِّيَّتِي يُخْبِرُونَكُمْ
بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ وَيُبَيِّنُونَ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

أَلَا إِنَّ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهُمَا وَأُعَرِّفَهُمَا ؛ فَأَمُرُ
بِالْحَلَالِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ،

فَأَمَرْتُ أَنْ آخُذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالصَّفْقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ
بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ
الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَمِنْهُ إِمَامَةٌ فِيهِمْ قَائِمَةٌ، خَاتِمُهَا الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ
يَلْقَى اللَّهُ الَّذِي يُقَدِّرُ وَيَقْضِي.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، وَكُلُّ حَلَالٍ دَلَّلْتُكُمْ عَلَيْهِ وَكُلُّ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ
عَنْهُ فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ أُبَدِّلْ. أَلَا فَادْكُرُوا ذَلِكَ
وَاحْفَظُوهُ وَتَوَاصَوْا بِهِ، وَلَا تُبَدِّلُوهُ وَلَا تُغَيِّرُوهُ.

أَلَا وَإِنِّي أُجَدِّدُ الْقَوْلَ: أَلَا فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْمُرُوا
بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ.

أَلَا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي وَتُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ
يَحْضُرْ وَتَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ عَنِّي وَتَنْهَوْهُ عَنِ مُخَالَفَتِهِ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ
عَزَّ وَجَلَّ وَمَنِّي. وَلَا أَمْرَ بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيٍ عَنِ مُنْكَرٍ إِلَّا مَعَ
إِمَامٍ مَعْصُومٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، الْقُرْآنُ يُعَرِّفُكُمْ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدُهُ،
وَعَرَفْتُكُمْ أَنَّهُمْ مِنِّي وَمِنْهُ، حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: (وَجَعَلَهَا
كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ)، وَقُلْتُ: "لَنْ تَضِلُّوا مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا".

مَعَاشِرَ النَّاسِ، التَّقْوَى، التَّقْوَى، وَاحْذَرُوا السَّاعَةَ كَمَا قَالَ اللَّهُ
عَزَّ وَجَلَّ: (إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ).

اذْكُرُوا الْمَمَاتَ وَالْمَعَادَ وَالْحِسَابَ وَالْمَوَازِينَ وَالْمُحَاسَبَةَ بَيْنَ
يَدَيِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالثَّوَابَ وَالْعِقَابَ. فَمَنْ جَاءَ بِالْحُسْنَةِ أَثِيبَ
عَلَيْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَانِ نَصِيبٌ.

البيعة بصورة رسمية

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفٍّ وَاحِدٍ فِي
وَقْتٍ وَاحِدٍ، وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ آخُذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمْ

الْأَقْرَارَ بِمَا عَقَّدْتُ لِعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَلِمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ
الْإِثْمَةِ مِنِّي وَمِنْهُ، عَلَى مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنَّ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ.

فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: "إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُنْقَادُونَ لِمَا
بَلَغَتْ عَنْ رَبِّنَا وَرَبِّكَ فِي أَمْرِ إِمَامِنَا عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ وُلِدَ
(وَأَمْرُ وَلَدِهِ) مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْإِثْمَةِ. نُبَايِعُكَ عَلَى ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا
وَأَنْفُسِنَا وَالسِّنَّتِنَا وَأَيْدِينَا. عَلَى ذَلِكَ نَحْيٍ وَعَلَيْهِ نَمُوتُ وَعَلَيْهِ
نُبْعَثُ. وَلَا نُغَيِّرُ وَلَا نُبَدِّلُ، وَلَا نَشُكُّ وَلَا نَجْحَدُ وَلَا نَرْتَابُ، وَلَا
نَرْجِعُ عَنِ الْعَهْدِ وَلَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ، وَنَطِيعُ اللَّهَ وَعَلِيَّ أَمِيرَ
الْمُؤْمِنِينَ وَوَلَدَهُ الْإِثْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ صُلْبِهِ بَعْدَ
الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ.

ثم قال رسول الله ﷺ: الَّذِينَ قَدْ عَرَفْتُمْ مَكَانَهُمَا مِنِّي وَ
مَحَلَّهُمَا عِنْدِي وَمَنْزِلَتَهُمَا مِنْ رَبِّي. فَقَدْ أَدَيْتَ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ
فَإِنَّهُمَا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَإِنَّهُمَا الْإِمَامَانِ بَعْدَ أَبِيهِمَا عَلِيٍّ
وَأَنَا أَبُوهُمَا قَبْلَهُ،

فَقُولُوا: أَطَعْنَا اللَّهَ بِذَلِكَ وَإِيَّاكَ وَعَلِيَّ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ وَ
الْإِثْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَ عَهْدًا وَمِيثَاقًا مَأْخُوذًا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ
قُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالسِّنَّتِنَا وَمَصَافَقَةِ أَيْدِينَا مِنْ أَدْرَكَهُمَا بِيَدِهِ

وأقر بهما بلسانه لا نبتغي بذلك بدلا ولا نرى من أنفسنا عنه
حولا أبدا نحن نؤدي ذلك عنك الداني والقاصي من أولادنا و
أهالينا أشهدنا الله وكفى بالله شهيدا وأنت علينا به شهيد و
كل من أطاع؛ ممن ظهر واستتر وملائكة الله وجنوده و
عبيده والله أكبر من كل شهيد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا تَقُولُونَ؟ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَخَافِيَةٍ كُلِّ
نَفْسٍ، (فَمَنْ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا)، وَمَنْ
بَايَعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ اللَّهَ، (يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَاتَّقُوا اللَّهَ وَبَايِعُوا اللَّهَ وَبَايِعُونِي وَبَايِعُوا عَلِيًّا
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَئِمَّةَ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
كَلِمَةً بَاقِيَةً؛ يُهْلِكُ اللَّهُ مَنْ غَدَرَ وَيَرْحُمُ مَنْ وَفَى. (فَمَنْ نَكَثَ
فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ
أَجْرًا عَظِيمًا). مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا الَّذِي قُلْتُ لَكُمْ وَسَلِّمُوا عَلَى
عَلِيٍّ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَقُولُوا:

وَعَظَّمْنَا بِوَعْظِ اللَّهِ فِي عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةِ الَّذِينَ ذَكَرْتَ
مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ وَلَدِهِ بَعْدَهُ، الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَمَنْ نَصَبَهُ اللَّهُ
بَعْدَهُمَا. فَالْعَهْدُ وَالْمِيثَاقُ لَهُمْ مَاخُذٌ مِنَّا، مِنْ قُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا

وَأَلْسِنَتِنَا وَصَمَائِرِنَا وَأَيْدِينَا. مَنْ أَدْرَكَهَا بِيَدِهِ وَإِلَّا فَقَدْ أَقَرَّ
بِلِسَانِهِ، وَلَا نَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَلَا يَرَى اللَّهُ مِنْ أَنْفُسِنَا حَوْلًا.
نَحْنُ نُؤَدِّي ذَلِكَ عَنْكَ الدَّانِي وَالْقَاصِي مِنْ أَوْلَادِنَا وَأَهَالِينَا،
وَنُشْهَدُ اللَّهَ بِذَلِكَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَأَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ".

وَقُولُوا: (سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ)،

وَقُولُوا: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ
هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبَّنَا بِالْحَقِّ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ -
وَقَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ - أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ
أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَعَرَفَهَا فَصَدَّقُوهُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
وَعَلِيًّا وَالْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، السَّابِقُونَ إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَمُؤَالَاتِهِ وَالتَّسْلِيمِ عَلَيْهِ
بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ أَوْلِيكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَاتِ النَّعِيمِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِنْ
تَكْفَرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَدَّيْتُ وَأَمَرْتُ وَاغْضِبْ عَلَى الْجَاهِلِينَ
الْكَافِرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

يا علي

ترجمه خطبه و بیانات حضرت رسول الله ﷺ در غدیر خم

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و ثنای الهی

ستایش خداوندی را که دریگانگی، والا و دری همتایی، نزدیک و در اقتدار شکوهمند، و در ارکان خود بسی بزرگ است. دانشش بر همه چیز احاطه دارد و حال آنکه او در مقام خوش است و آفریدگان، همگی مقهور قدرت اویند. بزرگی که پیوسته بوده و ستوده‌ای که همیشه خواهد بود. پدید آورنده آسمانهای بلند و گستراننده گستره شده‌ها و فرمانروای مطلق زمینها و آسمانهاست و بی-اندازه پاک و بینهایت پاکیزه است. پروردگار فرشتگان و روح القدس و نسبت به هر آنچه آفریده، فزونبخش است و چه ساخته و پرداخته، غرقه عطا و فضل اویند. هر دیده‌ای را می‌بیند، و هیچ دیده‌ای را توان دیدار او نیست .

بزرگوار و بردبار و بخشنده ایست که رحمتش همه چیز را فرا گرفته و منعمی است که بر همه مخلوقات منت دارد .

در اجرای کیفر مجرمان شتاب نمی‌کند و به عذابی که در خور آنند تعجیل نمی‌نماید. به اسرار نهان و به سوییاد سینه‌ها آگاه است و هیچ رازی از او پوشیده نیست و هیچ امر پنهانی او را به اشتباه نمی‌افکند.

بر همه اشیاء، محیط و بر همه چیز، چیره و بر هر نیرویی غالب و بر هر کاری تواناست. نیست مانندی برایش و حال آن که او پدید آورنده همه موجودات است از نیستی. جاودانی که به عدل، پایدار است و خدایی جز او نیست. سرافراز و حکیم و والاتر از آنکه به دیده‌ها مشهود گردد و لیکن او هر

دیده‌ای را در می‌یابد و بر هر چیز دقیق و آگاه است.

به دیده هیچ بیننده در نیامده تا وصفش ممکن شود و احدی را از چگونگی پیدا و پنهانش آگاهی نیست مگر به همان مقدار که خود (عزوجل) از خویشتن خبر داده است.

و گواهی می‌دهم: او خدایی است که هستی، آکنده قداست اوست و آغاز بی آغاز و انجام بی فرجام (همه هستی) به نور او احاطه شده است.

فرمانش بی مشورت مستشاری جاری و نافذ است و قضا و تقدیرش بی مدد همکاری، بر کائنات حکومت دارد و در تدبیر امر خلقش، هیچ نقص و بی نظمی نیست.

موجودات را بی آنکه نمونه‌ای از پیش داشته باشد، ابتکار و خلقت فرمود و بدون کمک هیچ یآوری آنها را بیافرید و در این هنگامه نه او را رنجی و نه نیازی به چاره سازی بود. به ایجاد خلق اراده نموده پس خلق، خلعت هستی یافتند و (به نور وجودش) آشکار شدند. پس اوست خدایی که معبودی جز او نیست، آن (خدایی) که به صنع خود، اتقان و استواری داد و در مصنوع خود، حسن و زیبایی نهاد. دادگریست که هرگز ستم نکند و بزرگواریست که کلیه امور به او بازمی‌گردد.

و گواهی می‌دهم اوست که هستی در برابر قدرتش فروتن و در مقابل هیبتش سر افکنده و تسلیم است. اوست سلطان سلاطین و مالک همه ملکها و گرداننده افلاک و فرمانروای مهر و ماه که هر یک تا زمانی مقدّر در کار گردشند. اوست که چادر شب بر رخسار روز کشد و شب را در نور روز فراگیر کند که هر یک شتابان در جستجوی یکدیگر گردند. اوست شکننده ستمکاران و زورگویان و نابود کننده شیاطین پست و پلید.

نه او را ضدِّي است و نه شریکي. یکتاي بي نیاز است. نه کسي زاده اوست و نه او زاده کسي و نه احدي همتا و مانند وي است معبودي یکتا و پروردگاري ارجمند است هر چه خواهد کند و اراده اش بر جهان فرمانرواست. او بر هر چیز و به شمار همه چیز آگاه است. مرگ و زندگي، نیازمندی و بي نیازی به اراده او و خنده و گریه و منع و عطا به خواست اوست .

ملک و سلطنت، از آن او و ثنا و ستایش، ویژه او و خیر و نیکی به خواست اوست و اوست که بر هر کاري تواناست. شب را در روز، و روز را در شب فرو می برد و خدایي جز او نیست. خدایي بس ارجمند و بسی بخشاینده. به خواهش بندگان، پاسخ می دهد و صاحب بخشش و عطای بزرگ است. به شمار نفَس جانداران آگاه و پروردگار پري و آدمي است.

کاري بر او دشوار نیست و ناله فریاد خواهان او را به کاري وادار و ناگزیر نمی سازد به ستوه نیاورد او را اصرار اصرار کنندگان. نگهبان نیکان و توفیق بخش رستگان و سرور جهانیان است و آفریدگان را سزد که به هر حال، در خوشي و سختي و در شدت و راحت سپاس او گویند و ستایش او کنند.

و اینک من، در هر دشواري و راحت و در هر سختي و سستي ستایشگر اویم و به او و فرشتگان و فرستادگان و کتب آسمانیش، ایمان دارم.

فرمانش را به جان شنوده و فرمان بردارم و در هر کار که او را خشنود و راضي سازد، شتابنده ام. به قضا و حکمش سر تسلیم دارم و به اطاعت فرمانهایش مشتاق و از عقوبت و مجازاتش سخت در هراسم که اوست خداوندي که از حيله اش، ایمن نتوان نشست با آنکه از ستمش جاي هیچ بیم و نگراني نیست. اعتراف می کنم که بنده اویم و گواهي می دهم که او پرورنده و پروردگار من است و آنچه را که به من وحی فرموده، به مردم ابلاغ خواهم کرد. مبدا که

به سبب مسامحه در انجام وظیفه تبلیغ، کوبه عذاب حق بر من فرود آید، عذابی که هیچ قدرتی را توانایی دفع آن نباشد که چه بزرگ است نیرنگ او.

فرمان الهی

نیست معبودی جز او که دستور داده و اعلام کرده که: اگر در ابلاغ آنچه اینک بر تو فرو فرستاده‌ام کوتاهی کنی، در حقیقت، به هیچ یک از وظایف رسالت و ابلاغ من عمل نکرده‌ای.

و هم او - تبارک و تعالی - حفظ و نگهداری مرا در برابر مخالفان تعهد و تضمین کرده و او مرا کفایت کننده‌ای بزرگوار است. و اینک این است آن پیام که بر من نازل فرموده: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ (فی علی) وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَكَ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ.

ای مردم! من در ابلاغ آنچه که بر حق بر من فرو فرستاده است، کوتاهی نکرده‌ام و هم اکنون سبب نزول آن آیه را برایتان باز خواهم گفت: فرشته وحی خدا - جبرئیل - سه بار بر من فرود آمده و از سوی حق تعالی، پروردگارم، فرمان داد تا در این مکان به پا خیزم و سپید و سیاه مردم را رسماً آگاهی دهم، که علی بن ابی طالب، برادر و وصی و جانشین من و امام پس از من است که نسبتش به من، همان نسبت است که هارون به موسی داشت، با این تفاوت که رسالت به من خاتمه یافته است و بعد از خداوند و رسولش، علی، ولی و صاحب اختیار شماست

و پیش از این هم خداوند در این مورد آیه‌ای دیگر از قرآن را نازل فرموده: إِذَا وَلَّيْكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ عَلِي بن ابی طالب، همان کسی است که نماز به پای داشت و در حال رکوع، به نیازمند، صدقه داده است و او در هر حالی رضای خدا را می‌جوید.

از جبرئیل خواستم که از خداوند متعال معافیت مرا از تبلیغ این مأموریت تقاضا کند؛ ای مردم چون می دانستم که در میان مردم پرهیزگاران، اندک و منافقان، بسیارند و از مفسده جویی گنه آلودگان و نیرنگ بازی آنان که دین اسلام را به تمسخر و استهزاء گرفته اند، آگاهی داشتم؛ همان ها که خداوند، در قرآن کریم، وصفشان کرده است: يَقُولُونَ بِالْإِسْنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ يَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ.

هنوز آن آزارها که این گروه بارها بر من روا داشتند، از خاطر نبرده ام، تا آنجا که به دلیل ملازمت و مصاحبت فراوان علی با من و توجهی که به او داشتم، به عیب جویی من برخاستند و مرا زود باور که هر چه می شنود، بی اندیشه می پذیرد، خواندند تا آنکه خداوند عزوجل، این آیه را نازل فرمود: وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَ يَقُولُونَ هُوَ أَذُنٌ قُلْ أَذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ من هم اکنون می توانم یک یک از این گروه را به نام و نشان، معرفی کنم؛ لیکن به خدا سوگند که من در مورد این افراد بزرگوارانه رفتار کرده و می کنم . ولی اینها همه خدای را از من راضی نمی سازد مگر آنکه وظیفه خود را در مورد مأموریتی که از آیه شریفه ((يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ ...)) یافته ام، به انجام برسانم . حال که چنین است پس



اعلام رسمي ولايت

اي مردم! بدانيد كه خداوند، علي بن ابي طالب را وليّ و صاحب اختيار شما معيّن فرموده و او را امام و پيشواي واجب‌الاطاعه قرار داده است و فرمانش را بر همه مهاجران و انصار و پيروان ايماني ايشان و بر هر بياباني و شهري و بر هر عجم و عربي و هر بنده و آزاده‌اي و بر هر صغير و كبيري و بر هر سياه و سپيدي و بر هر خداشناس مؤّدي، فرض و واجب فرموده و او امر او را مطاع و بر همه كس نافذ و لازم‌الاجرا مقرر فرموده است. هر كس با علي عليه السلام به مخالفت برخيزد، ملعون است و هر كس كه از او پيروي نمايد، مشمول عنايت و رحمت حق خواهد بود.

مؤمن كسي است كه به علي عليه السلام ايمان آورد و او را تصديق كند. مغفرت و رحمت خداوند شامل او و كساني است كه سخن او را بشنوند و نسبت به فرمان او مطيع و تسليم باشند.

اي مردم! اين آخرين بار است كه مرا در اين موقعيّت، ديدار مي‌كنيد، پس گوش فرا داريد و به سخنانم دل سپاريد و دستور پروردگارتان را فرمان بريد.

خداوند عزّوجلّ، پروردگار و وليّ و صاحب اختيار و خداوندگار شماست و گذشته از او و پيامبرش - محمد صلى الله عليه وآله - همين من كه اكنون به پا خاسته و با شما سخن مي‌گويم سپس بعد از من علي عليه السلام به امر خدا بر شما سمت ولايت و صاحب اختياري دارد و پس از او امامت و پيشوايي تا روز واپسين و تا آن هنگام كه خدا و پيامبرش را ديدار خواهيد كرد، در ذرّيّه و نسل من كه از پشت علي عليه السلام هستند، قرار خواهد داشت .

جز آنچه خداوند، حلال کرده، حلال نيست و جز آنچه خداوند حرام فرموده حرام نيست و پروردگار، هر حلال و حرامي را به من معرفي کرده است و من نيز

تمام آنچه خداوند از کتاب خود و حلال و حرامش، تعلیم نموده است، به علی علیه السلام آموخته‌ام. ای مردم! دانشی نیست که خداوند به من تعلیم نکرده باشد، و من نیز هر چه که تعلیم گرفته‌ام به علی علیه السلام، این امام پرهیزگاران و پارسایان آموخته‌ام و دیگر دانشی نیست مگر آنکه به علی علیه السلام تعلیم کرده‌ام و اوست امام و راهنمای آشکار.

ای مردم! مبدا که نسبت به او راه ضلالت و گمراهی سپرید و مبدا که از او روی برتابید و مبدا که از ولایت و سرپرستی او و از او امر و فرمانهایش به تکبر، سر باز زنید. اوست که هادی به حق و نابود کننده باطل است و از نا پسندیده‌ها بازتان می‌دارد. اوست که در راه خدا از سرزنش هیچ کس، پروا نمی‌کند و اوست نخستین کسی که به خدا و پیامبرش ایمان آورد و جان خویش را فدای رسول الله کرد، در آن هنگامه‌ها که هیچ کس در کنار پیامبر باقی نماند، همچنان از او حمایت کرده و تنها رها ننمود و هم او بود که در آن روزگار که کسی را اندیشه پرستش و اطاعت خدا نبود، در کنار پیامبر، پروردگار خود را پرستش و عبادت می‌کرد.

ای مردم! علی علیه السلام را برتر و والاتر از هر کس بدانید که خدایش از همه، والاتر و برتر دانسته است! و به ولایت او تمکین کنید که خدایش به ولایت بر شما منصوب فرموده است. ای مردم! علی علیه السلام، امام و پیشوا از جانب حق تعالی است و خداوند توبه منکران ولایت او را هرگز نخواهد پذیرفت و هرگز آنان را مشمول عنایت و مغفرت خویش، قرار نخواهد داد و خداوند، بر خود حتم و لازم فرموده که با آن کسان که از فرمان علی علیه السلام سر بیچند، چنین رفتار کند و پیوسته تا جهان، باقی و روزگار، در کار است، ایشان را در شکنجه و عذابی سخت و توان فرسا معذب دارد.

پس مبادا که از فرمانش معصیت کنید که به آتشی گرفتار خواهید شد که آدمی و سنگ، هیزم آنند و برای کافران فراهم گردیده است.

ای مردم! همه پیامبران پیشین و رسولان نخستین، مردم را به آمدن من بشارت داده‌اند. من، خاتم پیامبران و رسولان خدایم و بر همه خلق آسمان‌ها و زمین‌ها حجت و برهانم، هر کس در این امر، تردید کند، همچون کفار جاهلیت نخستین است و هر کس در سخنی از سخنان من شک نماید، در حقیقت، به تمام سخنان من شک کرده است و چنین کس، مستحق بلا و مستوجب آتش خواهد بود.

ای مردم! خداوند متعال با این فضیلت‌ها که بر من، مرحمت فرموده، بر من منت نهاده و احسان کرده است (آری) خدایی جز او نیست و تا جهان، برقرار و روزگار پایدار است در هر حال ستایش و سپاس من، ویژه اوست.

ای مردم! علی علیه السلام را برتر از همه بدانید که گذشته از من، از هر مرد و زنی، برتر و والاتر است. (بدانید) که خداوند، به خاطر ماست که به جهانیان، روزی می‌دهد و آفرینش بر پای و برقرار است؛ هر آن کس که این سخن مرا انکار کند، ملعون و ملعون و مغضوب و مغضوب درگاه حق است.

هان. آگاه باشید که این سخنان را، به یقین، جبرئیل علیه السلام از سوی حق تعالی به من خبر داده و گفته است که: "هر کس با علی علیه السلام به عداوت و دشمنی برخیزد و ولایت و محبت او را در دل نگیرد، لعنت و خشم مرا نسبت به خود، فراهم کرده است؛" پس هر کس باید که در کار خود بنگرد که برای فردای خود، چه آماده نموده است؛ پس باید که از مخالفت با علی علیه السلام سخت بر حذر باشید و مبادا که پس از ثابت قدمی، پایتان بلغزد که خداوند به هر چه کنید، آگاه است.

اي مردم! علي عليه السلام همان کس است که خدا در کتاب مجيد خود، به عنوان ((جنب الله)) از او ياد کرده و از زبان مبتلايان به دوزخ، فرموده است: يا حَسْرَتًا عَلٰى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ.

اي مردم! در قرآن به تدبیر و تفکر، نظر کنید و در درک و فهم آیات آن بکوشید، و به محکمت آن توجه کنید و از متشابهاتش، پیروی می‌نمایید. به خدا سوگند، غیر از این مرد که هم اکنون دست او را گرفته و او را بر کشیده‌ام هرگز دیگری نیست که بتواند دستورات قرآن را برای شما روشن کند و تفسیر آیات آن را بیان نماید، همین مردی که اکنون بازوی او را گرفته‌ام و به شما اعلام می‌کنم که:

هر که را من مولا و سرپرست و صاحب اختیارم، علي عليه السلام مولا و سرپرست و صاحب اختیار اوست؛ این مرد، علي بن ابی‌طالب عليه السلام است، برادر و وصي من است، که فرمان دوستی و ولایت او از جانب حق متعال بر من نازل گردیده است. اي مردم! علي عليه السلام و آن پاکان از فرزندانم، ثقل اصغرند و قرآن، ثقل اکبر است، که هریک، از دیگری خبر می‌دهد و هر کدام، دیگری را تأیید و تصدیق می‌کند؛ میان این دو ثقل و این دو امر گرانقدر، جدایی نخواهند بود تا آنکه، قیامت در کنار حوض، به من برسند. ایشان امنای حق در میان خلق و فرمانروایان او بر روی زمین‌اند.

به هوش باشید که من، آنچه لازم بود، گفتم. به هوش باشید که مطلب و مقصود را ابلاغ کردم و به گوش شما رساندم. توضیح دادم که این امر، به دستور خداوند بود و من نیز از سوي او (عَزَّوَجَلَّ) به شما ابلاغ نمودم. به هوش باشید که عنوان (امیرالمؤمنین) بر کسی جز برادر من روا نیست و این سمت و مقام و فرمانروایی بر مسلمانان، پس از من، برای هیچ کس جزوی مجاز و حلال نیست.

معرفی منزلت الهی حضرت مولا علی بن ابیطالب (ع)

رسول خدا ﷺ در این هنگام، بازوی علی (ع) بگرفت و او را بالا برده و به مردم نشان داد، تا آنجا که پاهای وی، محاذی زانوی پیامبر ﷺ می‌رسید و پس از آن، به سخن ادامه داد:

ای مردم! این علی بن ابیطالب، برادر و وصی من و مخزن علم و خلیفه و جانشین من است بر امت. علی بن ابیطالب مفسر قرآن، کتاب خداست اوست که مردم را به حق دعوت می‌کند و اوست که به هر چه موجب رضا و خوشنودی خداست، عمل کننده است.

اوست که دشمنان حق، در پیکار و ستیز و به فرمانبرداری و اطاعت از خدا، سخت کوش و باز دارنده مردمان از معاصی و نافرمانی‌هاست. اوست خلیفه و جانشین رسول خدا، اوست امیر مؤمنان و پیشوا و هادی خلق خدا. اوست که به امر خدا قاتل "ناکثین" و "قاسطین" و "مارقین" است.

ای مردم! آنچه می‌گویم به فرمان پروردگار می‌گویم و این خواست و دستور حق است که هیچ سخنی از او، به دست من تغییر و تبدیل نپذیرد؛ حال می‌گویم: خداوند! هر کس که علی بن ابیطالب دوست می‌دارد، دوست بدار و هر کس که با وی دشمن است، دشمن دار. خداوند! هر کس که علی بن ابیطالب انکار کند، لعنت کن و آن کس که پذیرای حق او نباشد، به خشم و غضب خود، گرفتار ساز. خداوند! اگر اکنون، علی بن ابیطالب، ولی تو را به خلافت و جانشینی خود معین کردم و امری که موجب اگمال دین و اتمام نعمت تو بر این مردم است، بیان کردم، همه و همه به فرمان تو بود اینک تو پسندیده‌ای برای ایشان و فرمودی: وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ خداوند! تو را گواه می‌گیرم و کافیست گواهی تو که من به وظایف تبلیغ و رسالت خود عمل کردم.

اهمیت مسأله امامت

ای مردم! خداوند عزّوجلّ، کمال دین شما را در امامت و پیشوایی علی (علیه السلام) قرار داده است؛ پس هر کس که از او و جانشینان او از فرزندان من که از صلب اویند تا واپسین روز جهان پیروی و اطاعت نکند، به حبط و نابودی اعمال گرفتار گردیده و در آتش دوزخ، جاودانه، معذب خواهد بود، نه دیگر عذابش تخفیف یابد و نه مهلت و فرصت نجاتی به او داده شود.

ای مردم! این علی (علیه السلام) است که مرا بیش از هر کس یاری کرده و از همه بر من سزاوارتر است. از تمام مردم به من نزدیکتر و از همه کس، نزد من محبوبتر و گرامیتر است .

خداوند عزّوجلّ و من از او راضی و خوشنودیم. آیه‌ای در قرآن مُشعر به رضایت حق از بندگان، نازل نشده مگر آن که در شأن علی (علیه السلام) است و هر جا که خداوند مؤمنین را مخاطب قرار داده، در درجه نخست، نظر به او داشته است. آیه مدحی نیست مگر آنکه در مورد اوست و بهشتی که در سوره "هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ" یاد شده، برای اوست، و در نزول آن دیگری جز او منظور نشده و دیگری جز او مدح و ستایش نشده و دیگری جز او مدح و ستایش نشده است.

ای مردم! علی (علیه السلام)، ناصر دین خدا و حامی پیامبر خداست، اوست پارسای پرهیزگار و طیب و طاهر و رهنما و ره یافته.

پیامبرتان بهترین پیامبر، و وصی او بهترین وصی، و پسرانش بهترین اوصیاءند.

ای مردم! ذریّه و نسل هر پیامبری از صلب خود اویند، اما ذریّه و نسل من از صلب علی (علیه السلام) هستند.

خطر انحراف و کار شکنی

ای مردم! شیطان به حسادت، آدم را از بهشت بیرون کرد، پس مبدا که نسبت به علی علیه السلام حسد ورزید که اعمالتان یکسره باطل شود و به لغزش و انحراف درافتید؛ که آدم صفوت الله تنها به سبب یک معصیت، به زمین فرو افتاد؛ پس بر شماست که مراقب احوال خودیشتن باشید. شما که در میانتان، دشمن خدا نیز هست.

ای مردم! جز شقی و ازگون بخت کسی با علی کینه نمی ورزد و جز پارسای پرهیزگار، مهر علی علیه السلام در دل نمی گیرد و جز اهل ایمان و مخلصان بی ریا به علی علیه السلام ایمان نخواهند آورد و به خدا سوگند سوره "وَالْعَصْر" در شأن علی علیه السلام نازل شده است.

ای مردم! خدا را گواه می گیرم که در انجام وظایف رسالت فروگذار نکردم و بر پیامبر، جز ابلاغ فرمان حق، وظیفه ای دیگر نیست.

ای مردم! نسبت به خداوند آنچنان که شایسته است پرهیزگار باشید مبدا که جزء مسلمانی دیده از جهان فرو بندید.

ای مردم! به خدا و پیامبرش باور آرید و به نوری که با او نازل شده ایمان آورید، پیش از آنکه خشم خدای شما را فرو گیرد و به مجازات، رخسارتان به عقب باز گردانده شود.

ای مردم! این نور از جانب حق تعالی در من سرشته شده و بعد از آن در طینت علی علیه السلام و سپس در نسل او قرار داده شده تا آنگاه که نوبت به امام قائم، مهدی علیه السلام رسد و اوست که سرانجام، حق خدا و حقوق ما را از خواهد ستاند؛ که خداوند عزوجل ما را بر تمام مقصران و دشمنان و مخالفان و خائنان و معصیت کاران و ستمگران حجت قرار داده است.

اي مردم! به شما اعلام خطري كنم، به هوش باشيد كه من فرستاده خدا به سوي شمايم و پيش از من رسولاني آمده و رفته اند، آيا اگر من نيز از جهان بروم و يا كشته شوم، به راه پيشينيان خود، باز مي گرديد؟! ولي هر آنكس كه به عقب باز گردد و به جاهليت اسلاف خود روي كند، زباني به خداوند نخواهد رساند، اما پروردگار، سپاسگذاران را پاداش نيكو مرحمت خواهد كرد اي مردم! بدانيد كه علي عليه السلام همان كسي است كه متّصف و موصوف به سپاسگذاري و شكيبائي است و پس از او فرزندان من كه از صلب اويند، به اين صفات مزين و ممتازند.

اي مردم! مسلماني خود را بر خداوند متّ منهد، كه موجب خشم و غضب پروردگار بر شما گردد و عذابي از سوي او به شما رسد، زيرا كه حق در كمين است .

اي مردم! چيزي نمي گذرد كه پس از من امامان و سردمداراني پديد آيند كه خلق را به آتش و دوزخ فرا خوانند اما اين گروه را در روز قيامت يار و مددكاري نخواهد بود.

اي مردم! خدا و پيامبرش از اين كسان، متنقّر و بيزارند.

اي مردم! اينان و پيروان و ياران شان، جملگي، در پست ترين دوزخ گرفتار خواهند شد، و چه بد جاياگهي است دوزخ، براي اين گروه كه به تكبر گراييده اند. هشدار باشيد كه اينان همان "ياران صحيفه" اند (اما هريك از شما بايد كه در نامه اعمال خود بنگرد گر چه مردم جرّتي چند، نامه عمل خود را از ياد برده اند). اي مردم! من اين ولايت را به عنوان امامت و ارث تا روز قيامت، در ذريه و نسل خود قرار دادم و با اين كار وظيفه اي را كه به آن مأمور بودم، به پايان بردم تا بر هر حاضر و غايب و بر هر كس كه شايد در اين

انجمن بوده و یا در این اجتماع حضور نداشته است و حتی بر آنان که هنوز از مادر متولد نشده‌اند، حجت تمام باشد. باید که ماجرای امروز را حاضران به غائبان گزارش کنند و پدران به فرزندان تا واپسین روز خبر دهند. گر چه مدتی نخواهد گذشت که (عده‌ای) این امر را با غصب و ستم، از آن خود قرار خواهند داد و خدا آن غاصبان را لعنت کند و از رحمت خود، دور و مهجورشان سازد و در چنین حال، سزاوار این عذاب گردند که فرمود: سَنُفِرِّغُ لَكُمُ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ يُرْسِلُ عَلَيْكُمَا شَوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَ نَحَّاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ.

ای مردم! خداوند شما را به حال خود رها نخواهد کرد تا آنکه پاک و پلید از یکدیگر ممتاز گردند و خدا شما را بر اسرار پنهان، آگاهی نداده و نخواهد داد. ای مردم! سرزمینی نیست مگر آنکه خداوند، مردم آن را در اثر تکذیب حق، هلاک کرده و چنانکه خود به این معنی اشاره فرموده است: وَ كَذَلِكَ نُهْلِكُ الْقُرَى وَ هِيَ ظَالِمَةٌ

و این علی علیه السلام امام و پیشوای شما و ولی و صاحب اختیار شماست. که خداوند، در مورد او تهدیدها و وعده‌ها کرده و خدا وعده‌های خود را انجام خواهد داد.

ای مردم! پیش از شما، اکثر مردم نخستین به گمراهی رفتند و خداوند ایشان را هلاک نمود و هم اوست هلاک کننده گروه‌هایی که از این پس می‌آیند، همچنانکه فرمود: أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ، ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ، كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ، وَ يَلِّ يَوْمئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ.

ای مردم! خداوند، مرا به پاره‌ای از امور امر کرده و از پاره‌ای دیگر نهی فرموده است و من نیز علی علیه السلام را به آن امور، امر و نهی کرده‌ام؛ پس در حقیقت، او امر و نواهی حق را از پروردگار خود اخذ نموده است؛ پس باید که گوش به

فرمان او کنید تا از سلامت برخوردار گردید و دستورش را به اجرا گذارید تا به راه هدایت رفته باشید و از آنچه نهي مي کند حذر کنید تا به رشد و کمال رسید و خویشتن را بدان گونه که خواست اوست، باز سازید و مبدا که راههاي دیگر شما را از پیمودن راه و رویه او باز دارد.

اي مردم! صراط مستقیم خداوند منم و شما به رعایت آن مأمور شده‌اید و پس از من، علي عليه السلام و سپس فرزندانم که از صلب اویند امامان و پیشوایان شمایند که خلق را به راه راست هدایت مي کنند و پیوسته روی به سوی حق دارند. (پس از آن سوره حمد را تا پایان تلاوت کرد و به ادامه سخن پرداخت:

اي مردم! این سوره (= حمد) در شأن من و علي عليه السلام و فرزندانش فرود آمد و شامل ایشان مي گردد همچنین مخصوص آنهاست، ایشان، اولیای خدایند که نه خوفي در دل دارند و نه اندوهي آزارشان دهد، بدانید که حزب الله پیروز است و در برابر، دشمنان علي، گروهی اهل شقاق و نفاق و کینه ورزانی متجاوز و برادران اهریمنند که به منظور فریب و نیرنگ، سخنان بی مغز و آمیخته به رنگ و ریا با یکدیگر نجوا مي کنند.

معرفی دوستان و دشمنان

اي مردم! دوستداران علي عليه السلام و فرزندانش، مردی اهل ایمانند که خداوند در کتاب خود از آنان بدینگونه یاد کرده است: لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ... 'دوستداران علي و فرزندانش کسانی هستند که نوشته شده در دلهايشان ایمان، و مدد نموده خداوند ایشان را بوسیله فرشته‌ای از سوی خودش و او وارد فرماید ایشان را در باغهایی که جاریست از

زیر آنها نهرهایی برای همیشه در آنجا می‌مانند. خداوند از ایشان راضی و ایشان از خداوند خوشنودند.

ایشان حزب خدا و آگاه باشید که حزب خدا رستگارانند! خداوند عزوجل در توصیف ایشان چنین فرموده است: الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ. و نیز می‌فرماید: اینان در امن و امان، به بهشت داخل شوند و فرشتگان با فروتنی، سلامشان دهند و گویند: پاک و پاکیزه‌اید شما؛ پس جاودانه در بهشت ساکن شوید.

آگاه باشید دوستان ایشان کسانی هستند که خداوند در توصیفشان در جای دیگر فرماید: ایشان، در امن و سلامت و بی حساب به بهشت وارد می‌شوند. و در مورد دشمنان فرموده است: آگاه باشید دشمنان آنها کسانی هستند که به دوزخ در می‌افتند و غریو جهنم را که می‌جوشد و می‌خروشد و صدایی که از سوخت و سوز آن بر می‌خیزد، می‌شنوند.

و نیز در قرآن آمده: كَلَّمَا دَخَلْتَ أُمَّةً لَعَنْتَ أُمَّةً لَعَنْتَ أُمَّةً. همچنین درباره دشمنان آنها فرموده است: كَلَّمَا أَلْقَيْ فِيهَا قَوْجُ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ، قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ، آگاه باشید که دوستان امان علی (ع) و فرزندان او به غیب ایمان دارند و از پروردگار خود در خشیت و هراسند. این گروه را اجر و پاداشی عظیم خواهد بود.

ای مردم! میان دوزخ و بهشت، تفاوتی بزرگ است. دشمن ما همان است که خداوند او را مذمت و لعنت فرموده و دوستدار ما مورد مدح و ستایش و محبت پروردگار است. ای مردم! من، منذر و ترساننده‌ام و علی هادی و رهنماست. ای مردم! من پیامبرم و علی وصی من است.

معرفی حضرت مهدی (عج)

آگاه باشید البتّه! آخرین امام؛ قائم ((مهدی)) است.

آگاه باشید او یاری کننده دین خداست. آگاه باشید او انتقام گیرنده از ستمکاران است. آگاه باشید او گشاینده دژهای استوار و ویرانگر قلعه‌های مستحکم است. آگاه باشید او نابود کننده طوایف مشرک است. آگاه باشید او منتقم خونهای ناحق ریخته اولیاء خداست. آگاه باشید او حای دین خداست. آگاه باشید او جرعه نوش دریای ژرف حقایق و معانی است. آگاه باشید او معرف هر صاحب فضیلتی است به برترینش و هر نادان بی فضیلتی است به نادانش. آگاه باشید او برگزیده خدا و منتخب پروردگار عالم است. آگاه باشید او وارث همه دانشها و محیط به همه علوم است. آگاه باشید او خبر دهنده شئون خداوند و مراتب ایمان است. آگاه باشید او رشید و رهسپار صراط مستقیم و استوار است. آگاه باشید او آن کسی است که امور خلاق به او واگذار شده است. آگاه باشید او آن کسی است که گذشتگان به ظهوری بشارت داده‌اند. آگاه باشید او حجت پایدار خداوند است که حجت دیگری بعد از او نیست؛ زیرا حقی نیست، که با او نباشد و نوری نیست که همراه او نباشد. آگاه باشید اوست آنکه کسی بر او پیروز نمی‌شود و کسی را در برابر او نصرت نتوان کرد. آگاه باشید که او ولی خداست در گستره زمین و فرمانروای حق است در میان خلاق و امین خداست در پیدا و پنهان.

طرح مسئله بیعت

ای مردم! آنچه لازم بود به شما فهماندم و برایتان توضیح دادم و این علی‌علیه است که پس از من، تعلیم و تفهیم شما را به عهده خواهد گرفت. آگاه باشید از شما می‌خواهم که پس از پایان خطابه (به نشان قبول و تمکین) نخست با من و

سپس با علی علیه السلام، دست بیعت دهید و میثاق خود را استوار کنید.

بدانید که من با خداوند بیعت نموده و تعهد سپرده‌ام و علی علیه السلام با من بیعت نموده است و من، اکنون، از سویی حق تعالی از شما می‌خواهم که با علی علیه السلام بیعت کنید و بدانید که هر کس بیعت خود را بشکند، به زیان خویش اقدام کرده است، و هر که وفا کند به آنچه با خدا پیمان بسته پس خداوند او را اجر عظیم عطا فرماید.

حج و مرجع احکام الهی

ای مردم! حج و صفا و مروه از شعائر الهی است **فَمَنْ حَجَّ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا.**

ای مردم! حج خانه خدا کنید که هیچ خاندانی نیست که به آن خانه وارد شود مگر آنکه بی نیاز گردد و هیچ خانواده‌ای از این خانه، رخ نتابیده، مگر آنکه به فقر و تهیدستی گرفتار آمده است. ای مردم! مؤمنی نیست که در آن موقف کریم بایستد مگر آنکه خداوند از معاصی گذشته او چشم‌پوشی می‌کند. پس آنگاه که حَجَّش تمام شد زندگی و اعمال را از نو آغاز می‌کند.

ای مردم! زائران خانه خدا از سویی حق تعالی، مدد و نصرت می‌شوند و هزینه سفرشان در دنیا جبران و نیز اندوخته روز واپسین ایشان خواهد شد که خداوند، پاداش نیکوکاران را تباه نخواهد فرمود.

ای مردم! خانه خدا را با اعتقاد کامل و با دقت و فهم درست زیارت کنید و مباد که بدون توبه و ترک گناهان گذشته خود، از آن مواقف شریف باز گردید.

ای مردم! اقامه نماز و پرداخت زکات، باید بر طبق دستور پروردگار و به همان روش که او فرمان داده است، به عمل آید و چنانچه با گذشت زمان، کوتاهی

کنید یا مسائل و معارف دین را فراموش نمائید، این علی‌علیه و لی و سرپرست شما، مبین آن معارف و احکام برای شماست. همان که خداوند عزوجل، او را پس از من برای شما منصوب کرده و هم امامانی که به جانشینی من و او از سوی حق تعالی تعیین گردیده‌اند، پاسخگویی مسایل و مشکلات شما خواهند بود و بر آنچه نمی‌دانید آگاهتان خواهد کرد.

آگاه باشید! حلال و حرام خدا، بیش از آن است که بتوانم یک به یک بر شمارم و معرفی نمایم؛ چون چنین است، در یک کلام می‌گویم که به حلالها امر می‌کنم و از حرامها نهی می‌نمایم و به منظور توضیح و تبیین آنها، مأمور شده‌ام که از شما بیعت گیرم و دست تعهد و پیمان بفشارم که آنچه از سوی حق تعالی درباره امیرالمؤمنین، علی‌علیه و امامانی که از نسل من و علی‌علیه به جهان خواهند آمد، پذیرفته باشید.

و مهدی‌علیه، قائم امامان و قاضی به حق تا روز واپسین خواهد بود. ای مردم! هر عمل حلالی که به شما معرفی کردم و هر کار حرامی که از آن نهی نمودم، از گفته خود باز نمی‌گردم و آن را تغییر نخواهم داد. این امر را به خاطر بسپارید و هرگز فراموش نکنید و به دیگران نیز سفارش کنید، مباد احکام مرا دیگرگون سازید. آگاه باشید من سخن خود را مجدداً تأکید می‌کنم که: نماز را به پای دارید و زکات بدهید، امر به معروف و نهی از منکر کنید اما بدانید که سر آغاز هر امر به معروف و نهی از منکر این است که فرامین مرا بپذیرید و حاضران، آن را به غائبان، اطلاع دهید و به اطاعت از اوامر من وادارشان کنید. و از مخالفت با آنها بر حذرشان سازید؛ زیرا که اینها دستور خداوند عزوجل و فرمان من است، و بدانید که بدون امام معصوم (و بی معرفت او) امر به معروف و نهی از منکر امکان پذیر نیست.

تنها راه هدایت

ای مردم! این قرآن است که امامان پس از علی (علیه السلام) را از فرزندان و از نسل او معرفی کرده و من نیز به شما توضیح دادم که علی از من و من از اویم. خداوند در کتاب خود فرموده است: وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ.

و من نیز گفتم: تا آن زمان که دست تمسک به دامن این دو امر گرانسنگ (یعنی کتاب خدا و عترت و خاندان من) زده‌اید، هرگز به گمراهی و ضلالت دچار نخواهید شد.

ای مردم! تقوی را پیشه خود کنید و از قیامت بیندیشید که خداوند متعال فرمود: إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ.

ای مردم! به مرگ بیندیشید و از حساب و میزان و محاکمه در پیشگاه پروردگار جهانیان غافل مباشید و ثواب و عقاب و پاداش و کیفر رستاخیز را از خاطر ببرید، که هر کس نیکی کند، پاداش یابد و هر کس دامن به بدی آلوده سازد، بهره‌ای از بهشت نخواهد داشت.

بیعت گرفتن

ای مردم! شما را از آن حد فزونتر است که بتوانید یک یک، با من دست بیعت دهید در حالی که به فرمان خدا، مأمورم که از زبان هریک از شما اعتراف گیرم که منصب فرمانروایی و امارت بر مؤمنان را که برای علی (علیه السلام) قرار داده‌ام پذیرفته‌اید و نیز (مأمورم که) در مورد قبول امامت و ولایت امامانی که از نسل من و صلب علی (علیه السلام) می‌باشند، اقرار و بیعت گیرم. حال که چنین است، همگان یک صدا و به زبان، بگویند: (ای رسول خدا!) آنچه که در ولایت و رهبری مطلق علی (علیه السلام) و امامان پس از وی که از صلب اویند از جانب حق تعالی به ما ابلاغ کردی، شنیدیم و در برابر آن مطیع و تسلیمیم و به آن امر راضی و

خوشنودیم! اینک ما به دل و جان و به زبان و دستان، نسبت به قبول ولایت با تو بیعت می‌کنیم و پیمان می‌بندیم که با این اعتقاد، زندگی کنیم و با آن بمیریم و تا آن زمان که سراز خاک برداریم، به آن پایبند بوده و هرگز در آن تغییر و تبدیلی ندهیم و شک و تردیدی ننماییم و از سر پیمان خود بر نخیزیم و از خدا و پیامبرش و امیرالمؤمنین، علی علیه السلام و فرزندانش حسن و حسین و امامان دیگر که از صلب علی علیه السلام به جهان آیند، فرمان بریم.

حسن و حسین علیهما السلام؛ آن دو نفری که به شما شناساندم جایگاهشان نزد من و مرتبتشان نزد خداوند را، پس به شما رساندم، که این دو تن سرور جوانان اهل بهشتند، و این دویند آن دو پیشوا بعد پدرشان، و پدر این دو هستم قبل از پدرشان علی علیه السلام، (یعنی پدر مادرشان علیهما السلام هستم).

و (ای مردم!) بگوئید: در این امر، مطیع خدا و پیامبرش و علی علیه السلام، و حسنین و امامان پس از ایشانیم. تو (ای پیامبر) در مورد ولایت امیرالمؤمنین از دل و جان با ما عهد و میثاق بستی؛ از کسانی که توفیق مصافحه یافتند به دست، و از آنها که توفیق این کار نیافتند، از زبانشان بیعت گرفتی. پیمان نمودیم که دیگری را به جای این امر نگیریم و دل و جانمان به جانب دیگر روی ننماید. خدا را در این کار شاهد گرفتیم او به شهادت، کافی است و تو نیز (پیامبر) و همچنین همه مطیعان فرمان حق از حاضر و غائب و فرشتگان و جنود خدا و همه بندگان او را همگی را گواه و شاهد این امر کردیم و خدا از هر شاهدي بزرگتر است.

ای مردم! چه می‌گوئید؟ خداوند، هر صدایی را می‌شنود و از سر و پنهان همه آگاه است. (بدانید) آن کس که به راه هدایت رود، به سود خود رفته و آن کس که به گمراهی گراید، تنها به زیان خویش اقدام کرده است. چرا که دست خدا فوق هر دستی و قدرتش برتر از هر قدرتی است.

اي مردم! از خدا بترسيد و پرهيزگاري پيشه كنيد و پيمان خود را با علي عليه السلام اميرالمؤمنين و با حسنين و امامان ديگر عليهم السلام كه كلمه طيبه باقيه اند، استوار نماييد. هر كه در اين امر، مكر پردازد خدايش به هلاكت در افكند و آنكس كه بر عهد خود پاي فشرده خدايش رحمت كند.

اي مردم! آنچه به شما گفتم، باز گوييد و بر علي عليه السلام، با عنوان رسمي اميرالمؤمنين سلام دهيد. بگوييد:

(اي رسول خدا!) ما را به فرمان خدا پند دادی درباره‌ی علی امیرمؤمنان و امامان پس از او، فرزندان از نسل او، حسن و حسین و پیشوایان پس از آن دو که خداوند برپایشان کرده. اینک برای آنان عهد و پیمان از ما گرفته شد، از دل‌ها و جان‌ها و زبان‌ها و درون‌ها و از دستانمان. هر کس توانست با دست، و گرنه با زبان بیعت نمود. دیگر پیمان نخواهیم شکست و خداوند دگرگونی از ما نبیند و از این پس فرمان تو را به نزدیک و دور از فرزندان و خویشان خواهیم رساند و خداوند را بر آن گواه گیریم و او بر گواهی کافی است و تو نیز بر ما گواه باش.

و بگوييد: پروردگارا دستورت را شنيديم و اطاعت كرديم تا از مرحمت و مغفرت تو بهره‌مند شويم كه بازگشت همه به توست.

و بگوييد: سپاس خدای را كه به اين امر ما را هدايت و دلالت فرموده و اگر راهنمائيمان نمي‌کرد، به ما، خود، به راه هدايت دست نمي‌يافتيم.

اي مردم! فضائل و امتيازات علي بن ابيطالب و قدر و منزلتش نزد خداوند، كه در كتاب خدا نازل شده، بيشتر از آن است كه بتوانم در يك جلسه براي‌تان بر شمرم؛ پس هر كس كه از مناقب و فضائل او نزد شما مطلبي گويد، از او بپذيريد.

اي مردم! هر كس از خدا و پيامبر او و از علي عليه السلام و امامان و پيشواياني كه

معرفی کردم، فرمان بَرَد، به رستگاری بزرگی نایل آمده است.

ای مردم! رستگاران، کسانی هستند که در بیعت با علی عَلَيْهِ السَّلَام و پذیرش ولایت او و در ادای سلام بر وی به عنوان امیرالمؤمنین، مبادرت و سبقت جویند، اینان در بهشتِ نعمتها متنعم خواهند بود .

ای مردم! سخنی گویند که موجب رضای خدا باشد : **فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا.**

خداوند! مردان و زنان با ایمان را بیمارز و کفران را به غضب خود گرفتار ساز و ستایش، خدای راست که پروردگار جهانیان است.

در این هنگام مردم، فریاد بر آوردند: فرمان خدا و پیامبر خدا را شنیدیم و با دل و زبان و دست مطیع و فرمانبرداریم. چون سخنان پیامبر، تمام شد، مردم برگرد آن حضرت و امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام سخت ازدحام کردند و هرکس میخواست با ایشان، مصافحه و بیعت کند.

گویند نخستین کسی که موفق به مصافحه و بیعت شد، ابوبکر بود و پس از وی عمر و سپس عثمان بیعت کردند و به دنبال ایشان باقی مهاجران و انصار و دیگر مردمان، اقدام به بیعت کردند تا آنگاه که وقت نماز مغرب رسید. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در آن شب، نماز مغرب و عشا را پیوسته و در یک زمان به جای آورد .

در روایت است که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با هر گروه که به عنوان بیعت، مصافحه می کرد، می گفت: **أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَصَّلَنَا عَلَى جَمِيعِ الْعَالَمِينَ.** یعنی: ستایش خدای را که ما را بر همه جهانیان امتیاز مرحمت فرمود.





شده‌ای از اسرار ظهور حقیقت حضرت مولا علی زنا سلام در غدیر خم

که بزرگان دین و ادب با استخدام صنایع ادبی در کلام مظلوم بدان حقایق و اسرار اشارات لطیف داشته‌اند

سروده‌های آیت الله حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (کمپانی) که حکیم و عارف و ادیب و از فقهای بزرگ و مرجع تقلید و استاد مراجع و فقه‌های بزرگی بوده‌اند. سروده‌های این بزرگمرد؛ به زبانهای عربی و فارسی و بسیار عمیق است، و حتی آنچه فارسی بوده؛ و ممکن است دریافت معانی آن ساده به نظر برسد؛ ولی مملو از کلام وحی و آیات قرآنی و کلمات خازنان وحی علیه السلام و اسرار و معارف الهی است.

باده بده ساقیا ولی ز خم غدیر = چنک بزن مطربا ولی بیاد امیر

تو نیز ای چرخ پیریا ز بالا بریز = داد مسرت بده ساغر عشرت بکیر

بلبل نظم چنان قافیه پرداز شد = که زهره در آسمان به نغمه دساز شد

محیط کون و مکان دایره ساز شد = سرور روحانیان هو اعلی الکبیر

نسیم رحمت وزید دهر کهن شد جوان = نهال حکمت دمید پر زگل ارغوان

مسند حشمت رسید به خسرو خسروان = حجاب ظلمت دید ز آفتاب نیر
 وادی خم غدیر منطقه نور شد = یاز کف عقل سیر تجلی طور شد
 یاکه بیانی خطیر ز سر مستور شد = یاشده در یک سریر قران شاه و وزیر
 شاهد بزم ازل شمع دل جمع شد = تافق لم یزل روشن از آن شمع شد
 ظلمت دیو و دغل ز پرتوش قمع شد = چه شاه کیوان محل شد به فرار سریر
 چون به سردست شاه شیر خدا شد بلند = به تارک مهر و ماه غل عنایت فکند
 به شوکت فرو جا به طالعی ارجمند = شاه ولایت پناه به امر حق شد امیر
 مرده که شد میر عشق وزیر عقل تخت = به همت سیر عشق اساس وحدت دست
 باب شمشیر عشق نقش دویت بشت = به زیر زنجیر عشق شیر فلک شد اسیر
 فتح اقلیم بود به جای خاتم نشست = یاب سپهر وجود نیر اعظم نشست

یابہ محیط شود مرکز عالم نشست = روی حسود عنود سیاه شد بمحو قیر

صاحب دیوان عشق عرش خلافت گرفت = مندا یوان عشق زیب و شرافت گرفت

گلشن خندان عشق حسن و لطافت گرفت = نغمه دستان عشق رفت به اوج اشیر

جلوه به صد ناز کرد لیلی حسن قدم = پرده زرخ باز کرد بدر نیر ظلم

نغمه گری ساز کرد معدن کل حکم = یا سخن آغاز کرد عن اللطیف الخبیر

به هر که مولی منم علی است مولای او = نسخه اسما منم علی است طغرای او

سر معانم علی مجلای او = محیط انشا منم علی مدار ویدر

طور تجلی منم سینه سینا علی است = سرانانده منم علی مشار مشیر

حلقه افلاک را سلسله جبان علی است = قاعده خاک را اساس و بنیان علی است

دقت ادا رک را طراز و عنوان علی است = سید لولاک را علی وزیر و ظمیر

دایره کن فغان مرکز غم علی است = روی زمین و زمان به نور او مستحیر
 قبله اهل قبول غره نیکویی اوست = کعبه اهل وصول خاک سرکوی اوست
 قوس صعود و نزول حلقه ابروی اوست = نقد نفوس و عقول به بارگاهش حقیر
 طلعت زیبای او ظهور غیب مصون = لعل گهرزای او مصدر کاف است و نون
 سرسودای او منزه از چند و چون = صورت و معنای او ننگبند ز ضمیر
 یوسف کفغان عشق بنده رخسار اوست = خضر بیابان عشق تشنه کفتار اوست
 موسی عمران عشق طالب دیدار اوست = کیست سلیمان عشق بردار او بمیک فقیر
 ای به فروغ جمال آینه ذوالجلال = مستقر خوش مقال مانده بوصف توالال
 گرچه براق خیال دتوندارد مجال = ولی ز آب زلال تشنه بود ناگزیر



صبا اگر گذار تو قد به کوی یار من = زمر حمت بکوبه آن بخار گلعداز من
که ای ز بی وفائی تو تیره روزگار من = چرا نظر نمی کنی بر این دل فگار من؟
ترجمی ترجمی زد دست رفته یار من

هماره سوختم در آرزوی یک نظاره ای = نه عمری رسد نه در راست چاره ای
نه بینی ارفد ز آتش دلم شراره ای = نه بر زمین گیاهی و نه بر فلک ستاره ای
چرا حذر نمی کنی ز آه شعله بار من

صبا به شهر یار من بشیر واری رسد = چه بلبان خوشنواز لاله زار می رسد
بیاتو ای صبا که از تو بوی یار می رسد = نوید وصل یار من زهر کنار می رسد
خوش آن دمی که مینمش نشسته در کنار من

صبا در و بیکران یلا الفضا = بکن نثار آستانه علی مرتضی
ولی کارخانه قدر مهیمن قضا = محیط معرفت، مدار حلم و مکر زرضا

که کعبه درش بود مطاف و متجار من

صحیفه جوامع کلم مجامع حکم = لطیفه معانی کرم معالی هم

رقیه محامد ادب محاسن شیم = کتاب محکم حدیث حسن لیلی قدم

که در هوای عشق او جنون بود شعار من

به مشهد شود او تجلیات ذات بین = ز بود حق نمود او حقائق صفات بین

ز نسخه وجود او حروف عالیات بین = مفصل از حدود او تمام مجلات بین

منزه است از حدود اگر چه آن نگار من

بواهر عقول جمله درج درج کوهرش = نفاس نفوس را مد ز لؤلؤ ترش

طبایع و مواد بندگان کوی قبرش = دید صبح آفرینش از جبین انورش

قلمرو وجود را گرفت شهوار من

بین طفیل بود او مرکب و بسط را = ربین فیض بود او مجرد و خلط را

چه نقطه وجود او مدار شد محیط را = نمود یک نمود او که و مه و سطر را

روا بود انا الهی زیار اختیار من

موسس مبانی و موصل اصول شد = مصور معانی و مفصل فصول شد

حقیقه المثانی و مکمل عقول شد = به رتبه حق ثانی و خلیفه رسول شد

خلافت از تخت شد بنام شهریار من

معرف معارف و محد دجیات شد = مبین لطائف و معین نکات شد

مفرق طوائف و مؤلف شتات شد = مفرج مخاوف و سفینه النجاة شد

امیدگاه و مقصد دل امیدوار من

به مستجار کوی او عقول جمله مستحیر = ز آفتاب روی او مه نیر مستحیر

ز جعد مشکبوی او حیات عالم کبیر = ز شهد گفتگوی او که شکر یست و پذیر

مذاق دهر شکرین چه شعر آبدار من

بودغیر قطره ای ز قلزم مناقش = فروغ ذره ای ز نور نجم مناقش
نعیم خلد بهره ای ز سفره مواش = اگر مرابه نظره ای کشد می به جانبش
به فرق فرقدان رسد کلاه افتخار من

جال جانفزای او ظهور غیب مستتر = دوزلف مشکسای او حجاب سر مستتر
ز پرچم لوای او لوای کفر منکسر = ز تیغ جانکزای او قوای شرک مستتر
چه از غمش قوای بی ثبات و بیقرار من

مقام او به مند سیر قرب سرمدی = حسام او مؤسس اساس دین احمدی
کلام او مروج شریعت محمدی = ز جام او بنوش اگر تراست میل بی خودی
به جان دشمنان دین چه دست و تیغ آخته = پلنگ و شیر خشمگین به بیشه زهره باخته
چه در مصاف مشرکین بر آن صفوف تاخته = ملک هزار آفرین به نه فلک نواخته
چه جای نغمه و نوای بلبل هزار من ؟

ز تیغ شعله بار او خم فلک بجوش شد = ز برق ذوالفقار او چه رعد درخروش شد

ز بدر و کارزار او ملک ز عقل و هوش شد = ز خیمبر و حصار او ذکر حق خموش شد

چه واله از تجلیات قهر کرد و کردگار من

چه نسبت است باها، بهائیم و وحوش را؟ = به بی خبر مکن قرین خدای عقل و هوش را

به درنوش خود فروش سپر میفروش را = اگر موحدی بشو ز لوح دل نقوش را

ولایتش که دغیر شد فریضه امم = حدیثی از قدیم بود بت و فقر قدم

که زد قلم به لوح قلب سید امم رقم = مکمل شریعت آمد و متمم نعم

شد اختیار دین به دست صاحب اختیار من

به امر حق امیر عشق شد وزیر عقل کل = ابوالفتح گشت جانشین خاتم رسل

رسید رایة الهدی به دست هادی سل = که لطف طاعتش بود نعیم دائم الاکل

حجیم شعله ای ز قبر بزرگوار من

به محلی که شمع جمع بود شاید ازل = گرفت دست ساقی شراب عشق لم یزل
 معرفت ولایتش شد و معین محل = که اوست جانشین من ولی امر عقد و حل
 به دست او بود زمام شرع پایدار من
 رقیب او که از تحت داد دست بندگی = در آخر از خدیر او خورد آب زندگی
 کسی که خوی او بود چه خاک و سگ دندگی = چه مار و کرشم گزند، طبع وی زندگی
 همان کند که کرد با امیر شه سکار من



مرآت وجه ذات بود مرتضی علی * مجموعه صفات بود مرتضی علی
حق واجب الوجود و علی صادر نخست * خلاق ممکنات بود مرتضی علی
روزی رسان علیست به ذرات هر چه هست * رزاق کاینات بود مرتضی علی
ای نور چشم من؛ ظلما تست این جهان * سر چشمه حیات بود مرتضی علی
هنگام نفع روح علی حاضر است و باز * اندر دم مات بود مرتضی علی
در شش جهت علیست پدیدار همچو حق * وارسته از جهات بود مرتضی علی
نور وجود منبسط از ممکن غیوب * ظاهر ز ماهیات بود مرتضی علی
روز غدیر خم خبر آمد به مصطفی * کاوّل خلیفه هات بود مرتضی علی
خواهی اگر نجات حقیقی ز مهلکات * پیر ره نجات بود مرتضی علی
نبود غم از چه سخت پراکنده خاطر * چون جامع الشتات بود مرتضی علی
ما را به وقت نزع و به هنگامه صراط * بخشنده تبات بود مرتضی علی
شد تشنه لب حسین علی کشته؛ ای عجب * خود منبع فرات بود مرتضی علی
شمس حقیقت ازلی نور بخش کل * اندر سپهر ذات بود مرتضی علی
(سروده برادر مرحوم آیت الله دهکردی، عارف الهی مرحوم سید احمد دهکردی، متخلص به: نور بخش،
مدفون در مقبره درب کوشک اصفهان)



ز طریق بندگی علیؑ؛ نه اگر بشر بخدا رسد،
 به چه دل نهد؟ به که رو کند؟ به چه سو رود؟ به کجا رسد؟
 ز خدا طلب؛ دل مقبلی، به علیؑ ز جان متوسلی،
 که اگر رسد به علیؑ دلی؛ به علیؑ قسم؛ به خدا رسد
 ازلی ولایت او بود، ابدی عنایت او بود،
 ز کف کفایت او بود، ز خدا هر آنچه به ما رسد
 به علیؑ اگر بری التجا؛ چه در این سرا؛ چه در آن سرا،
 همه حاجت تو شود روا، همه دردت به دوا رسد
 علیؑ ای تو یاور و یار ما، اسفا به حال فکر ما
 نه اگر به عقدۀ کار ما؛ مدد از تو عقدۀ گشا رسد
 نه به هر که هر که فدا شود، چو فدائی تو بجا شود
 که هر آنکه در تو فنا شود؛ ز چنین فنا به بقا رسد
 بود ای مربی جان و دل؛ ز تو خیمه گر چه در آب و گل
 توئی آنکه فیض تو متصل به فرشتگان سما رسد
 دو جهان رهین عنایت؛ ره حق طریق هدایت
 همه را به خوان عنایت ز خدا هماره صلا رسد
 به غدیر خم چو به امر هو، بستودت احمد نیکخو
 به جهانیان ز ندای او، همه لحظه لحظه ندا رسد

به رخت که نور خدا از آن، بود ای ولی خدا عیان

به دل و به دیده عاشقان همه لمعه لمعه ضیا رسد

به موافق تو مقرر جنان، به مخالفت تو سقر مکان

به تونیک و بد شود امتحان، ز تونیک و بد به جزا رسد

چو منی کجا و تنای تو، که تو را ستوده خدای تو

چه بیان کنم بسزای تو، که تو را بجدّتنا رسد

مگر از زبونی خود زبان بگشایم؛ ای شه انس و جان،

که کند ز محنت خود بیان، بحضور شه چو گدا رسد

تو شهی و جمله گدای تو، سر و جان من به فدای تو

چه شود ز برگ و نوای تو دل بینوا به نوا رسد

دل من چو غنچه صفت؛ شها شده خون سزد

چو گل از صبا ز نسیم و لطف تو؛ ذوالعطا به کمال لطف و صفا رسد

توبه حق ز هر چه مقدّمی؛ به قضا تو آمر و حاکمی

ز تو بینم آنچه به من همی ز قدر رود ز قضا رسد

نه صغیر خسته لقای تو؛ بود انتهای عطای تو

چو به قائلین تنای تو؛ ز در تو اجر و عطا رسد

(آدیب اهل معرفت: صغیر اصفهانی)





تاریخ و قلیع اکمال دین

عظمت غدیر

خطابه غدیر بعنوان آینه تمام نمای ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام بین تمام خطابه های اسلام ویژگیهایی دارد که آن را بصورت منحصر بفرد درآورده است. این اهمیت باز می گردد به متن خطبه و فضای خاصی که این سخنرانی در آن انجام شده است. مهمترین مقاصد حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. نتیجه گیری از زحمات ۲۳ ساله رسالت با تعیین ادامه دهندگان این راه.
 ۲. حفظ دائمی اسلام با جانشینانی که از عهده این مهم برآیند.
 ۳. اقدام رسمی برای تعیین خلیفه که از نظر قوانین ملل سندیت دارد.
 ۴. ترسیم خط مشی آینده مسلمین تا آخر دنیا.
 ۵. اتمام حجت بر مخالفان اسلام اعم از مقصرین و معاندین.
- این اهداف بلند در سایه شرایطی انجام شد که شایسته ابدیت غدیر بود، و آن را بعنوان *یک واقعه استثنایی* در آورد. امام باقر علیه السلام می فرماید:
- لَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ مِّثْلَ مَا تُؤَدِّي بِالْوِلَايَةِ يَوْمَ الْغَدِيرِ.^۱ هیچ حکمی مثل ولایت در غدیر اعلام نشده است!

(۲) اصول کافی: ج ۲ ص ۲۱.

عظمت خاص غدیر را در جهات زیر می توان ترسیم کرد:

۱. شرایطی که برای ابلاغ این اصل اعتقادی اسلام برپا شد که آن اجتماع بزرگ و شیوه خاص بیان و منبر، فقط در این ماجرا بوده است. بخصوص مسئله وداع پیامبر ﷺ با مردم حاکی از این بود که با اعلام ولایت اسلام از نظر دشمنان خارجی نفوذ ناپذیر شده است.

۲. مسئله امامت فقط بصورت يك خبر و پیام و خطابه اجرا نشد، بلکه بعنوان حکم و فرمان اجرا گردید، و با گرفتن بیعت از عموم مسلمانان و تعهد گرفتن از آنان اعلام شد.

۳. شرایط جغرافیایی غدیر که قبل از تقاطع جاده ها در جحفه و پیش از تفرق قبایل بوده است. همچنین توقف سه روزه در بیابانی داغ و شرایط زمانی حجة الوداع پس از ایام حج که عظیم ترین اجتماع مسلمانان تا آن روز بود.

۴. مقام مخاطب خطبه، و نیز حالت خاص مخاطبین یعنی حاجیان، آن هم پس از اتمام حج و هنگام بازگشت، و نیز اعلام نزدیکی رحلت پیامبر ﷺ، چه آنکه حضرت ۷۰ روز پس از این خطابه از دنیا رحلت نمودند.

۵. خطاب خداوند که: 'ای پیامبر، ابلاغ کن آنچه از طرف خداوند بر تو نازل شده که اگر ابلاغ نکنی رسالت خود را نرسانده ای'، که در هیچیک از فرامین الهی چنین مطلبی گفته نشد.

۶. بیم پیامبر ﷺ از کارشکنی های منافقین و عدم توفیق ابلاغ الهی اکمال دین، و دستور قاطع الهی بر لزوم ابلاغ حکم ولایت و امامت برای آینده مسلمین، از خصوصیات ابلاغ این حکم الهی بود.

۷. ضمانت الهی بر حفظ پیامبر ﷺ از شر دشمنان در خصوص برگزاری مراسم این ابلاغ و رسالت که در هیچیک از احکام الهی چنین ترسی نبود و چنین

ضمانتی انجام نهد.

۸. مفاهیم بلند و حساسی که در تبیین مقام ولایت در متن خطبه فرمودند و معنای دقیق آن را به روشن ترین وجهی بیان نمودند.

۹. مراسم خاصی که قبل و بعد از خطبه واقع شد: بیعت و عمامه (سحاب) که به منزله تاج در میان عرب است، و تهنیت از نمونه های آن است و دلالت بر اهمیت ویژه این ماجرا می نماید.

۱۰. خطاب خداوند که: 'امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم'، که تا آن روز مشابه آن را هم نفرموده بود.

۱۱. توجه خاص ائمه علیهم السلام به سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر، و بخصوص کلام امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیهما السلام که فرمودند:

'روز غدیر خم برای کسی عذری باقی نگذاشت'.^۲

همچنین اهتمام علما به تفصیل مباحث مربوط به غدیر به تبعیت از ائمه علیهم السلام بعنوان ریشه اصیل ولایت و امامت، بیانگر ارزش اعتقادی آن در طول تاریخ است.

۱۲. سند و شیوه نقل این حدیث از نظر حدیثی، تاریخی، کلامی و ادبی، و همچنین فراگیری و راهیابی آن به قلوب مردم، در میان روایات ولایت بی مانند است. محققان تواتر این حدیث را به اثبات رسانده، و همه مسلمانان با هر فرقه و مسلکی که دارند به درستی این حدیث اعتراف کرده اند.

همه اینها حاکی از اهمیت ویژه غدیر در فرهنگ اسلام است، و به ما هشدار می

(۳) بحارالانوار: ج ۲۸ ص ۱۸۶، ج ۴۳ ص ۱۶۱. دلائل الامامة: ص ۳۸. خصال: ص

۱۷۳. اثبات الهداة: ج ۲ ص ۱۱۵.

دهد که این اصل اعتقادی شیعه را با تمام هستی خویش پاس بداریم.

از مدینه تا غدیر آغاز سفر

در سال دهم هجری پیامبر ﷺ برای اولین بار بطور رسمی اعلان عمومی حج دادند تا همه مردم در حد امکان حاضر شوند. آن حضرت این سفر را به عنوان "حجة الوداع" مطرح کردند، که به معنای تنها سفر پیر خاطره آن حضرت در دلها جای گرفت.

هدف از این سفر برگزاری آخرین و بزرگترین دیدار و وداع پیامبر ﷺ با امتش که در آن آنچه ناگفته و یا اعلام نشده و نیاز امت برای طول تاریخ بعد از رحلت حضرتش بوده؛ بیان شود، از میان آنها احکام و قوانین مهم اسلام بود که هنوز برای همه مردم هنوز بطور کامل و رسمی تبیین نشده بود: حج، و رهبری مسلمین (خلافت و ولایت و جانشینی بعد از پیامبر ﷺ).

پس از دستور الهی، پیامبر ﷺ منادیانی را به مدینه و اطراف آن فرستادند و تصمیم این سفر را به اطلاع همه رساندند تا هر که بخواهد خود را آماده این سفر و همراهی آن حضرت نماید.

پس از اعلان عمومی، عده بسیاری از اطراف مدینه به شهر آمدند تا همراه حضرت و مهاجرین و انصار در سفر مکه ملازم رکاب حضرت باشند.

با حرکت کاروان پیامبر ﷺ در بین راه مدینه تا مکه افراد قبایل به جمعیت اضافه می شدند. با رسیدن این خبر مهم به مناطق دورتر، مردم اطراف مکه و شهرهای یمن و غیر آن نیز بسوی مکه سرازیر شدند تا جزئیات احکام حج را شخصاً از پیامبرشان بیاموزند و در این اولین سفر رسمی حضرت بعنوان حج شرکت داشته باشند.

اضافه بر آنکه حضرت اشاراتی فرموده بودند که امسال سال آخر عمر من

است، و این می توانست باعث شرکت همه جانبه مردم باشد. جمعیتی حدود یکصد و بیست هزار نفر در مراسم حج شرکت کردند، که فقط هفتاد هزار نفر آنان از نواحی مرکز خلافت اسلامی (مدینه) به همراه حضرت حرکت کرده بودند، و جمعیت لبیک گویان در جای جای جاده در حرکت بودند.^۴

از مدینه تا مکه

کاروان بزرگ پیامبر ﷺ روز شنبه بیست و پنجم ماه ذی قعدة از مدینه حرکت کردند. به دستور آن حضرت مردم لباس احرام همراه برداشته بودند، و خود حضرت نیز غسل کرده و دو لباس احرام همراه برداشتند؛ و برای احرام تا مسجد شجره در نزدیکی مدینه آمدند.

اهل بیت معظم پیامبر ﷺ که فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام و سایر فرزندان آن حضرت بودند، و نیز زوجات آن حضرت همگی سوار بر هودجهای شتران همراه حضرتش بودند.

با رسیدن به 'مسجد شجره' احرام بستند و مسیر ده روزه تا مکه را آغاز کردند، و قافله ای عظیم که شامل مردم سواره و پیاده بود همراه آن حضرت به حرکت در آمدند.

صبح روز یکشنبه را در منطقه ای توقف کردند و تا شب همانجا ماندند، و پس از نماز مغرب و عشا حرکت کردند. صبح روز بعد به 'عِرْق الطَّيِّبَةِ' رسیدند، و سپس در 'رَوْحَاء' توقف مختصری کردند. از آنجا برای نماز عصر به

(۴) عوالم العلوم: ج ۳: ۱۵ ص ۱۶۷ و ۲۹۷. الغدير: ج ۱ ص ۹ و ۱۰. بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۳۶۰ و ۳۸۳ و ۳۸۴ و ۳۹۰، ج ۲۸ ص ۹۵، ج ۳۷ ص ۲۰۱.

'مُنْصَرَف' رسیدند. هنگام نماز مغرب و عشا در 'مُتَعَثّی' پیاده شدند و شام را همانجا صرف کردند. برای نماز صبح به 'اثایة' رسیدند، و صبح روز سه شنبه در 'عَرَج' بودند، و روز چهارشنبه به 'سَقِیاء' رسیدند.

در بین راه، پیاده ها سختی راه را مطرح کردند و از حضرت سواری درخواست نمودند. حضرت که سواری در اختیار نداشتند، دستور دادند تا برای آسانی سیر، کمرهای خود را ببندند و راه رفتنشان را بین تند رفتن و دویدن قرار دهند. با انجام این دستور راحت تر شدند.

روز پنجشنبه به 'أَبْواء' رسیدند که قبر حضرت آمنه مادر پیامبر ﷺ آنجا بود، و حضرت قبر مادر را زیارت کردند.

روز جمعه با عبور از 'جُحْفَه' و 'غَدِیر خُم' عازم 'قُدَید' شدند و شنبه آنجا بودند. روز یکشنبه تا 'عُسفان' آمدند و روز دوشنبه به 'مَرّ الظهران' رسیدند و تا شب آنجا ماندند.

شب به سوی 'سَیْرَف' حرکت کردند و به آنجا رسیدند که منزل بعدی مکه معظمه بود. بعد از ده روز طی مسافت، در روز سه شنبه پنجم ذی حجة اولین کاروان حج اسلام با جلال و عظمتی بی نظیر وارد شهر 'مکه' شدند.^۵

حجاج یمن همراه امیرالمؤمنین ﷺ

در ایامی که سفر حج اعلام شد، امیرالمؤمنین ﷺ با لشکری از طرف پیامبر ﷺ به 'تَجْران' و سپس 'یمن' رفته بودند. هدف از این سفر دعوت به اسلام و جمع آوری خمس و زکات و جزیه بود و نیز حل اختلافی که بین اهل یمن پیش آمده بود.

(۵) الغدیر: ج ۱ ص ۹ و ۱۰. بحارالأنوار: ج ۲۱ ص ۳۶۰ و ۳۸۳ و ۳۸۴ و ۳۹۰، ج ۲۸ ص ۹۵، ج ۳۷ ص ۲۰۱. عوالم العلوم: ج ۱۵:۳ ص ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۲۹۷.

پیامبر ﷺ هنگام حرکت از مدینه برای امیرالمؤمنین ﷺ نامه ای فرستادند، و طی آن دستور دادند آن حضرت نیز با لشکر و کسانی از اهل یمن که مایل به شرکت در مراسم حج هستند از آنجا به سوی مکه حرکت کنند.

امیرالمؤمنین ﷺ پس از پایان کارهای محوله در نجران و یمن، با لشکر همراه و دوازده هزار نفر از اهل یمن عازم مکه شدند. با نزدیک شدن کاروان پیامبر ﷺ به مکه از طرف مدینه، امیرالمؤمنین ﷺ هم از طرف یمن به این شهر نزدیک شدند و دستور دادند مردم در میقات اهل یمن احرام ببندند. سپس حضرت جانشینی در لشکر تعیین کردند و خود پیشتر به ملاقات پیامبر ﷺ شتافتند، و در نزدیکی مکه خدمت حضرت رسیدند و گزارش سفر را دادند. پیامبر ﷺ بسیار مسرور شدند و دستور دادند هر چه زودتر لشکر همراه و حجاج یمنی را به مکه بیاورد. امیرالمؤمنین ﷺ به محل لشکر بازگشتند و همراه آنان (همزمان با قافله پیامبر ﷺ) روز سه شنبه پنجم ذی حجه وارد مکه شدند.^۶

اعمال حج

با رسیدن روز هشتم ذی حجه مراسم حج آغاز شد. حضرت پیامبر ﷺ به منی و شب عرفه را در منی بیتوته نموده، و صبح عرفه به سوی عرفات و روز عرفه را در عرفات و سپس به مشعر رفتند، و روز دهم در منی قربانی و رمی جمرات و سایر اعمال را انجام دادند. سپس به مکه رفته و طواف و سعی و بعد از آن اعمال دیگر حج را به ترتیب به انجام رساندند، و لیالی و ایام تشریق را در منی بیتوته فرموده و در هر مورد واجبات و مستحبات آن را برای مردم بیان فرمودند. بدینسان تا پایان روز سیزدهم ذی حجه اعمال شش روزه حج پایان یافت.

(۶) بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۳۶۰، ج ۳۷ ص ۲۰۱. عوالم العلوم: ج ۳: ۱۵ ص ۲۹۷.

حوادث مهم ایام حج مرتبط به واقعه غدیر

مهمترین وقایع ایام حج که مشتمل بر نزول مکرر جبرئیل علیه السلام برای ابلاغ فرمان اعلان خلافت حضرت مولا علی علیه السلام و برنامه ریزی پیامبر صلی الله علیه و آله برای این امر و اطلاع منافقین از برنامه و توطئه های مختلف آنها برای جلوگیری از ابلاغ الهی است، که در فصول گذشته اشاره کردیم.

این وقایع مهم در عرفات و منی و مکه رخ داده است، و مشتمل بر اقدام ناموفق به ترور پیامبر صلی الله علیه و آله و آشوب و فتنه در میان مسلمانان بوده است.

خطابه های ایام حج در موضوع اکمال دین

پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از اجتماع غدیر، در ایام حج در دو موقعیت حساس برای مردم خطابه ایراد کردند که در واقع زمینه سازی برای خطبه غدیر بود.

اولین خطابه آن حضرت در منی بود. در این خطبه ابتدا اشاره به امنیت اجتماعی مسلمین از نظر جان و مال و آبروی مردم نمودند، و سپس خونهای به ناحق ریخته و اموال به ناحق گرفته در جاهلیت را رسماً مورد عفو قرار دادند تا کینه توزیها از میان برداشته شود و جو اجتماع برای تأمین امنیت کامل آماده شود. سپس مردم را بر حذر داشتند از اینکه بعد از او اختلاف کنند و بر روی یکدیگر شمشیر بکشند.

در اینجا تصریح فرمودند که: 'اگر من نباشم علی بن ابی طالب در مقابل متخلفین خواهد ایستاد'. سپس حدیث ثقلین بر لسان مبارک حضرت جاری شد و فرمودند: 'من دو چیز گرانبها در میان شما باقی می گذارم که اگر به این دو تمسک کنید هرگز گمراه نمی شوید: کتاب خدا و عترتم یعنی اهل بیتم'.

اشاره ای هم داشتند به اینکه عده ای از همین اصحاب من روز قیامت به جهنم برده می شوند.

نکته جالب توجه اینکه در این خطابه، امیرالمؤمنین علیه السلام سخنان حضرت را برای مردم تکرار می کردند تا آنان که دورتر بودند بشنوند.^۷

خطابه دوم در مسجد خیف در منی: دومین مورد خطابه حضرت صلی الله علیه و آله در مسجد 'خیف' در منی بود. در روز سوم از توقف در منی، حضرت فرمان دادند تا مردم در مسجد خیف اجتماع کنند. در آنجا نیز خطابه ای ایراد فرمودند که ضمن آن صریحاً از مردم خواستند گفته های او را به خاطر بسپارند و به غائبان برسانند.

در این خطبه به اخلاص عمل و دلسوزی برای امام مسلمین و تفرقه نینداختن سفارش فرمودند و تساوی همه مسلمانان در برابر حقوق و قوانین الهی را اعلام کردند. بعد از آن متعرض مسئله خلافت شدند و حدیث ثقلین بر لسان حضرت جاری شد، و بار دیگر زمینه را برای غدیر آماده کردند. در این مقطع، منافقین کاملاً احساس خطر کردند و قضیه را جدی گرفتند و پیمان نامه نوشتند و هم قسم شدند و برنامه های خود را آغاز کردند.

منافقین در برابر برنامه الهی اکمال دین

رفتار منافقین در برابر برنامه الهی اکمال دین را از سه جهت مورد بررسی قرار می دهیم:

۱. اقدامات و توطئه های عملی آنان برای منع وقوع ابلاغ رسالت الهی اکمال دین.
۲. گفته های آنان از روی نفاق و حسد و کینه و غیظ نسبت به ماجرای غدیر.
۳. نمونه های بارز از عکس العملهای آنان در غدیر.

(۷) بحارالأنوار: ج ۳۷ ص ۱۱۳، ج ۲۱ ص ۳۸۰.

توطئه های منافقین برای منع وقوع ابلاغ رسالت الهی اکمال دین

منافقین از مدتها پیش از غدیر، صفوف خود را بر ضد پیامبر ﷺ و برنامه های آن حضرت مستحکم می کردند و نقشه های کوتاه مدتی را در مقاطع حساس به اجرا در می آوردند.

در حجة الوداع که متوجه نزدیکی رحلت حضرت و نیز تصمیم او برای تعیین رسمی جانشین خود شدند، دست به اقدامات اساسی زدند و خود را برای روزهای بعد از وفات پیامبر ﷺ آماده کردند، و اینجا بود که خط کفر و نفاق و عصیان دست به دست هم داده بودند.

جاسوسانی هم به طور دائم اخبار را درباره جزئیات تصمیم های حضرت به آنها می رساندند.^۸

صحیفه ملعونه اولی

نطفه توطئه آنگاه منعقد شد که ابتدا دو نفر از منافقین در يك تصمیم اساسی با هم پیمانی بستند، و آن این بود که:

اگر محمد از دنیا رفت یا کشته شد نگذاریم خلافت و جانشینی او در اهل بیتش مستقر شود.

سه نفر دیگر هم در این تصمیم با آنها هم پیمان شدند، و اولین قرارداد و معاهده را در کنار کعبه بین خود امضا کردند، و آن را داخل کعبه زیر خاک پنهان نمودند تا سندی برای التزام عملی آنان به پیمانشان باشد.

یکی از این سه نفر معاذ بن جبل بود. او گفت: 'شما مسئله را از جهت قریش حل کنید، و من درباره انصار ترتیب امور را خواهم داد!'

(۸) بحارالأنوار: ج ۳۷ ص ۱۱۴.

از آنجا که 'سعد بن عبادۀ' رئیس کل انصار بود و او کسی نبود که با ابوبکر و عمر هم پیمان شود، لذا معاذ بن جبل سراغ بشیر بن سعید و اسید بن حضیر که هر کدام بر نیمی از انصار یعنی دو طایفه 'اوس' و 'خزرج' نفوذ و حکومت داشتند آمد و آن دو را با خود بر سر غصب خلافت هم پیمان نمود.^۹

توطئه قتل پیامبر ﷺ

نقشه قتل پیامبر ﷺ در طول حیات شریفش چهل بار اجرا و ناموفق می گردد، موارد بسیاری در ایام قبل هجرت در مکه توسط مشرکین و منافقین و بارها در ایام بعد از هجرت در مدینه؛ یکبار در جنگ تبوک و چند بار بوسیله سم و بارها به صورت ترور تدارک دیده شده بود که همه نقش بر آب شد.

اما در حجة الوداع همان پنج نفر اصحاب صحیفه با نه نفر دیگر، برای بار آخر نقشه دقیقتری برای قتل حضرت در راه بازگشت از مکه به مدینه کشیدند، و یکی از علت‌های این اقدامشان آن بود که قبل از اعلان خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام آن حضرت را بقتل برسانند تا براحتی به مقاصد خود دست یابند، ولی قبل از رسیدن به محل توطئه دستور الهی نازل شد و مراسم غدیر انجام شد؛ اگر چه آنان از نقشه ها و توطئه های خود باز نایستادند.

نقشه چنین بود که در محل از پیش تعیین شده ای در قله کوه 'هَرثی' کمین کنند، و با توجه به اینکه اکثر مردم کوه را دور می زدند و به سربالایی نمی آمدند، همین که شتر پیامبر ﷺ سربالائی کوه را پیمود و در سرازیری قرار گرفت، سنگهای بزرگی را به طرف شتر حضرت رها کنند تا به شتر برخورد کند

(۹) بحارالانوار: ج ۱۷ ص ۲۹، ج ۲۸ ص ۱۸۶، ج ۳۶ ص ۱۵۳، ج ۳۷ ص ۱۳۵

و ۱۱۴. کتاب سلیم: ص ۸۱۶ ح ۳۷. عوالم: ج ۳: ۱۵ ص ۱۶۴.

یا بَرَمَد و با حرکات ناموزون حضرت را بر زمین بزند، و آنان با استفاده از تاریکی شب به حضرت حمله کنند و در نتیجه قتل حضرت بطور یقینی انجام گیرد. سپس متواری شوند و خود را داخل مردم پنهان نمایند تا شناخته نشوند.

خُنْثی شدن توطئه قتل حضرت ﷺ

خداوند تعالی پیامبرش را از این توطئه آگاه ساخت و وعده حفظ او را داد. منافقین در گروه چهارده نفری خود پیشاپیش قافله رفتند و در محل موعود- که پایان سربالایی قلّه هرشی و آغاز سراشیبه کوه بود- در ظلمت شب حاضر شدند و شترهای خود را در کناری خوابانیدند. سپس پشت صخره ها، هفت نفر در سمت راست جاده و هفت نفر در سمت چپ به کمین نشستند. این در حالی بود که ظرفهای بُشکه مانند بزرگی را نیز همراه خود برده بودند و آنها را پر از ریگ و شن کرده بودند تا برای رماندن شتر آنها را از پشت سر در سراشیبه کوه رها کنند.

همین که شتر پیامبر ﷺ به قله کوه رسید و خواست راه را به سمت پائین در پیش گیرد، منافقین سنگهای بزرگ و ظرفهای پر از شن را که بالای پرتگاه قرار داده بودند رها کردند. سنگها به طرف شتر حضرت به حرکت در آمد و نزدیک بود به شتر اصابت کند و یا مرکب حضرت بَرَمَد.

پیامبر ﷺ با يك اشاره به شتر فرمان توقف دادند و این در حالی بود که حذیفه و عمار، یکی افسار شتر حضرت را در دست داشت و دیگری از پشت سر شتر را راهنمایی می کرد.

با توقف شتر، سنگها رد شده به سمت پائین کوه رفتند و حضرت سالم ماندند. منافقین که از اجرای دقیق نقشه مطمئن بودند از کمینگاهها بیرون آمدند و با شمشیرهای آخته به حضرت حمله کردند تا کار را تمام کنند. ولی عمار و حذیفه

شمشیرها را کشیدند و با آنان درگیر شدند، تا بالآخره آنان را فراری دادند. منافقین به پشت سنگها پناه آوردند و با استفاده از تاریکی شب هریک به گوشه ای خزیدند تا پس از فاصله گرفتن پیامبر ﷺ بر سر شترهای خود روند و به قافله ملحق شوند.

برای آنکه نسلهای آینده بدانند رؤسای منافقین در آن روز چه کسانی بودند و بسیاری از توطئه های بعد از پیامبر ﷺ را براحتی تحلیل کنند، در همان تاریکی شب حضرت اشاره ای فرمودند و ناگهان نوری تابید و فضا را برای لحظاتی روشن ساخت. حذیفه و عمار چهره های چهارده نفر را که در این سو و آن سوی سنگها پنهان شده بودند به چشم خود دیدند و حتی شترانشان را دیدند که در گوشه ای خوابانیده بودند. این چهارده نفر عبارت بودند از: ابوبکر، عمر، عثمان، معاویه، عمروعاص، طلحة، سعد بن ابی وقاص، عبدالرحمن بن عوف، ابوعبیده بن جراح، ابوموسی اشعری، ابوهریره، مغیره بن شعبه، معاذ بن جبل، سالم مولی ابی حذیفه.

پیامبر ﷺ مأمور بود با آنان درگیر نشود، زیرا در آن شرائط حساس فتنه ای پیاپی شد و زحمات گذشته در معرض خطر قرار می گرفت.

فردا صبح که نماز جماعت برپا شد همین چهارده نفر در صفهای اول جماعت دیده شدند!! و حضرت سخنانی فرمود که اشاره به آنان بود. از جمله فرمود: 'چه شده است گروهی را که در کعبه هم قسم شده اند، که اگر محمد از دنیا رفت یا کشته شد، هرگز نگذارند خلافت به اهل بیتش برسد!!' ۱۰

(۱۰) بحارالانوار: ج ۲۸ ص ۹۹ و ۱۰۰، ج ۳۷ ص ۱۱۵ و ۱۳۵. عوالم: ج ۳: ۱۵ ص

۳۰۴. اقبال الاعمال: ص ۴۵۸. درباره نقشه قتل حضرت در تبوك: بحارالانوار: ج ۲۱ ص

۱۸۵ تا ۲۵۲.

ساعت شمار وقایع برنامه اکمال دین؛ در همین اماکن و ایام؛ حاوی ماجراهای مهمی است که در کتابهای رایج مربوط به غدیر نیامده است، و ما بعد از این اشاره؛ در نشرهای آتی این نقیصه را برطرف می نمائیم. ان شاء الله تعالی.

برگزاری مجلس تحویل میراث انبیاء الهی علیهم السلام به صاحب ولایت الهی

پس از پایان مراسم حج دستور الهی بر پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نازل شد: نبوت تو به پایان رسیده و روزگارت کامل شده است. اسم اعظم و آثار علم و نشانه های الهی (میراث انبیاء) را به علی بن ابی طالب علیه السلام بسپار که او اولین مؤمن است. من زمین را بدون عالمی که اطاعت من و ولایتم با او شناخته شود و حجت بعد از پیامبرم باشد رها نخواهم کرد.

علائم الهی نبوت که در نزد انبیاء علیهم السلام بوده؛ از صُحُف آدم و نوح و ابراهیم علیهم السلام و تورات و انجیل؛ تا پیراهن حافظ از آتش ابراهیم که نزد یعقوب و یوسف علیهم السلام بوده تا عصای موسی علیه السلام و انگشتر سلیمان علیه السلام و سایر میراثهای ارجمندی است که فقط در دست حجج الهی علیهم السلام است، و نزد برگزیدگان از انبیای گذشته و اوصیای ایشان علیهم السلام دست به دست گشته تا آن روز که حضرت خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله حافظ آن بود، و اینک باید به اوصیای آن حضرت علیه السلام انتقال می یافت.

(۱۱) تذکر: از آنجا که جزو اعمال روز غدیر شرح وقایع ماجرای غدیر از مقدمات و مؤخرات آن بود، فلذا برای سهولت دسترسی؛ این فصل (مختصر و مفید) را از کتاب فاضل محقق آقای محمدباقر انصاری زنجانی اقتباس و بعد از اعمال تصحیحات و تکمیلاتی آنرا نقل نمودیم.

پیامبر ﷺ، مجلس خصوصی تشکیل دادند و امیرالمؤمنین (علیه السلام) را فراخوانده و ودایع الهی را به آن حضرت تحویل دادند، و بدینسان میراث چندین هزار ساله انبیاء (علیهم السلام) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) سپرده شد.

این ودایع از امیرالمؤمنین (علیه السلام) به امامان بعد منتقل شده تاکنون که در دست مبارک آخرین حجت پروردگار حضرت بقیه الله الاعظم (علیه السلام) است.^{۱۲}

برگزاری مراسم سلام (به عنوان "امیرالمؤمنین") در اجتماع صحابه

پیش از حرکت به سوی غدیر، در مکه جبرئیل لقب "امیرالمؤمنین" را به عنوان اختصاص آن به علی بن ابی طالب (علیه السلام) از جانب الهی آورد، اگر چه این لقب قبلاً نیز برای آن حضرت تعیین شده بود.

پیامبر ﷺ دستور دادند تا افراد سرشناس از صحابه جمع شوند و طی مراسم خاصی نزد علی (علیه السلام) بروند؛ و به عنوان "امیرالمؤمنین" (فرمانده و حاکم حکومت مسلمانان جهان) بر او سلام کنند و "السلام عليك یا امیرالمؤمنین" بگویند، و بدینوسیله در زمان حیات خود، از آنان اقرار بر امیر بودن علی (علیه السلام) گرفت.

در اینجا ابوبکر و عمر بعنوان اعتراض به پیامبر ﷺ گفتند: آیا این حقی از طرف خدا و رسولش است؟ حضرت غضبناك شد و فرمود: "حقی از طرف خدا و رسولش است. خداوند این دستور را به من داده است."^{۱۳}

(۱۲) بحارالانوار: ج ۲۸ ص ۹۶، ج ۳۷ ص ۲۰۲، ج ۴۰ ص ۲۱۶.

(۱۳) بحارالأنوار: ج ۳۷ ص ۱۱۱ و ۱۲۰. عوالم: ج ۳: ۱۵ ص ۳۹. کتاب سلیم: ص ۷۳۰.

اعلان عمومی به حضور در مکان غدیر خم

با اینکه انتظار می رفت پیامبر ﷺ در این اولین و آخرین سفر حج خود مدتی در مکه بمانند، ولی بلافاصله پس از اتمام حج حضرت به منادی خود بلال دستور دادند تا به مردم اعلان کند:

فردا- روز چهاردهم ذی حجه- همه باید حرکت کنند تا در وقت معین در "غدیر خم" حاضر باشند و کسی جز معلولان نباید باقی بماند.

انتخاب منطقه "غدیر" به امر خاص الهی از چند جهت قابل ملاحظه بود: یکی اینکه در راه بازگشت از مکه، کمی قبل محل افتراق عمده کاروانها و تقاطع مسیرها در جحفه است.

دوم اینکه در آینده های اسلام که عمده کاروانهای حج در راه رفت و برگشت از این مسیر عبور می کنند با رسیدن به وادی غدیر و نماز در مسجد الغدیر پیامبر ﷺ، تجدید یادمان و بیعتی با این زیربنای اعتقادی خود می نمایند و یاد آن در دلها احیا می گردد.

سوم اینکه "غدیر" محلی بسیار مناسب برای برنامه سه روزه پیامبر ﷺ و ایراد خطبه برای آن جمعیت انبوه بود.

اینک پیامبر ﷺ پس از دوری ده ساله از وطن خود مکه- بدون آنکه مدتی اقامت کنند تا مسلمانان به دیدارش بیایند و مسائل خود را مطرح کنند- با پایان مراسم حج فوراً از مکه خارج شدند و مردم را نیز به خروج از مکه و حضور در "غدیر" امر نمودند.^۱

(۱۴) بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۳۸۵، ج ۳۷ ص ۱۱۱ و ۱۵۸. اثبات الهداة: ج ۲ ص ۱۳۶ ح ۵۹۳. الغدير: ج ۱ ص ۱۰ و ۲۶۸.

خريطة الطريق الى عدير حم - 1 ابع الطريق الذي يثلثون الاصح

راجع الخريطة التفصيلية
لهذه المنطقة وكيفية
الوصول لوادى عدير حم من
طريق جدة - بنع السريخ

طريق فرعى يسير فيه
لمسافة 20 كم حيث ينتهي
الطريق الفرعى فتحة الى
البنار ثم للمضي للدخل
طريق جدة - بنع السريخ

اسفل الاستدارة الى طريق
الحجفة ورابع من اسفل
الحجر سدنخل في طريق
فرعى - في بداية الطريق
الفرعى ستواجهك هذه
اللوحه الارصادية

بعد 109 كم من السير بالخط السريع
باتجاه المدينة المورة سبصل الى هذه
اللوحه الارصادية - انبعا وانعطف
للمضي وابل اسفل الحجر للوجه
مكتوب
باتجاه ميفاب الحجفة ورابع - مكتوب
على اللوحه بالأعلى (رابع - صغير)

الانطلاق من نقطة
تغيش وحجر بسيارات
حجاج البر القادسين
لمكة المكرمة من
المدينة المنورة

RED SEA

جدة
JIDDAH

مكة المكرمة
MAKKAH

الطائف
AT TAIF

www.almoswy.net

موقعیت جغرافیایی غدیر خم

منطقه غدیر خم بیابانی باز و وسیع در مسیر سیلاب وادی جحفه بود. این سیلاب از مشرق به مغرب جاری می شد و پس از عبور از غدیر به جحفه می رسید و سپس تا دریای سرخ ادامه پیدا می کرد و سیل‌های سالیانه را به دریای ریخت.

در این مسیر آبگیرهایی طبیعی بوجود آمده بود که پس از عبور سیل، آب‌های باقیمانده در آن جمع می شدند و در طول سال بعنوان ذخایر آبی شناخته می شدند و به آنها اصطلاحاً "غدیر" می گفتند.

در مناطق مختلف، غدیرهای زیادی در مسیر سیل‌ها وجود داشت که با نامگذاری از یکدیگر شناخته می شدند. این غدیر هم برای شناخته شدن از غدیرهای دیگر بنام "غدیر خم" نامگذاری شده بود.

کنار این آبگیر پنج درخت سرسبز و کهنسال از نوع "سَمُر" شبیه درخت چنار وجود داشت، که درخت خاص صحراها است. این پنج درخت با شاخ و برگ انبوه و قامت بلند، سایبانی خوب برای مسافران خسته ایجاد کرده بود.

لذا در آن شرایط، این بیابان وسیع بعنوان بهترین مکان برای مراسم سه روزه غدیر انتخاب شد، و جایگاه سخنرانی زیر همان درختان در نظر گرفته شد که هم مشرف بر بیابان و محل تجمع مخاطبین بود و هم سایبان مناسبی برای ایراد خطابه بنظر می آمد.^{۱۵}

(۱۵) معجم ما استعجم: ج ۲ ص ۳۶۸ و ۴۹۲ و ۵۱۰. لسان العرب: ماده خم و غدر.

معجم البلدان: ج ۲ ص ۳۵۰ و ۳۸۹، ج ۳ ص ۱۵۹، ج ۴ ص ۱۸۸، ج ۶ ماده غدیر.

معجم معالم الحجاز: ج ۱ ص ۱۵۶. تاج العروس: ماده خم، غدر. النهاية ابن اثیر: ماده خم.

الروض المعطار: ص ۱۵۶. وفاء الوفاء: ج ۲ ص ۲۹۸. صفة جزيرة العرب: ص ۲۵۹.

ورود به منطقه غدیر خم

روز پنجشنبه قافله عظیم غدیر به حرکت درآمد، و سیل جمعیت که بیش از صد و بیست هزار نفر بودند به همراه حضرت سفر پنج روزه تا غدیر را آغاز کردند. حتی پنج هزار نفر از اهل مکه و دوازده هزار نفر از اهل یمن - در جهت مخالف مسیر دیار خود - برای درك مراسم غدیر همراه حضرت آمدند.

طبق فرمان پیامبر ﷺ کسی از حاجیان در مکه باقی نماند و همه به قصد حضور در بزرگترین همایش تاریخی اسلام عازم میعادگاه غدیر شدند. کاروان از همان مسیری که از مدینه تا مکه آمده بودند بازمی گشتند. پس از خروج از مکه ابتدا به "سَبْرَف" رسیدند و از آنجا تا "مَرَّ الظَّهْران" آمدند. آبادی بعدی "عُسْفان" بود و از آنجا به "قُدَید" رسیدند. اینک به جحفه نزدیک می شدند که "غدیر" کنار آن بود.

نزدیک ظهر روز دوشنبه هیجدهم ذی حجه، همینکه به منطقه "غدیر خم" رسیدند، حضرت ﷺ مسیر حرکت خود را به طرف راست جاده و به سمت غدیر تغییر دادند و فرمودند: أَيُّهَا النَّاسُ، أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ، أَنَا رَسُولُ اللَّهِ إِيَّكُمْ، دَعَاكُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. مردم، دعوت کننده خداوند را اجابت کنید که من پیام آور خدایم.

این کنایه از آن بود که هنگام ابلاغ پیام مهمی فرا رسیده است. لذا فرمان دادند تا منادی ندا کند: "همه مردم متوقف شوند، و آنانکه پیش رفته اند بازگردند، و آنانکه پشت سر هستند توقف کنند"، تا آهسته آهسته همه جمعیت در محل از پیش تعیین شده جمع گردند.

همچنین دستور دادند: کسی زیر درختان کهنسالی که در آنجا بود نرود و آن مکان برای برپایی جایگاه سخنرانی خالی بماند.

پس از این دستور، همه مَرکبها متوقف شدند، و کسانی که پیشتر رفته بودند

بازگشتند، و همه مردم در منطقه غدیر پیاده شدند، و هریک برای خود جایی پیدا کردند و برای توقف سه روزه خیمه زدند، و کم کم آرام گرفتند. اینک صحرا برای اولین بار شاهد تجمع عظیم بشری بود. وجود مقدس پنج نور پاک، پیامبر و امیرالمؤمنین و حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام عظمت این اجتماع بزرگ را چندین برابری کرد. ترکیب مختلفی مردان و زنان، از اقوام و قبایل و شهرهای مختلف، با درجات متفاوتی از ایمان در برابر منبر پیامبرشان زانو زده بودند، که این نیز نقطه جالب توجه دیگری از این همایش با شکوه بود.

شدت گرما در اثر حرارت آفتاب و داغی زمین بجدی ناراحت کننده بود که مردم و حتی خود حضرت گوشه ای از لباس خود را به سر انداخته و گوشه ای از آن را زیر پای خود قرار داده بودند، و عده ای از شدت گرما عبای خود را به پایشان پیچیده بودند! ^{۱۶}

آماده سازی جایگاه خطابه و منبر

از سوی دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله چهار نفر از اصحاب خاص خود یعنی مقداد و سلمان و ابوذر و عمار را فراخواندند و به آنان دستور دادند تا به محل درختان کهنسال - که در یک ردیف کنار هم بودند - بروند و آنجا را آماده کنند. آنها خارهای زیر درختان را کنند و سنگهای ناهموار را جمع کردند و آنجا را جارو زدند و آب پاشیدند. سپس شاخه های پایین آمده درختان را که تا نزدیکی زمین آمده بود قطع کردند.

(۱۶) بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۳۸۷، ج ۳۷ ص ۱۷۳ و ۲۰۳ و ۲۰۴، ج ۹۸ ص ۲۹۸.
عوالم: ج ۱۵:۳ ص ۵۰ و ۶۰ و ۷۵ و ۷۹ و ۸۰ و ۳۰۱. الغدير: ج ۱ ص ۱۰ و ۲۲.
مدينة المعاجز: ص ۱۲۸. الفصول المهمة: ص ۲۴ و ۲۵.

بعد از آن در فاصله بین دو درخت، روی شاخه ها پارچه ای انداختند تا سایبانی از آفتاب باشد، و آن محل برای برنامه سه روزه ای که حضرت در نظر داشتند کاملاً مساعد شود.

سپس در زیر سایبان، سنگها را روی هم چیدند و از رواندازهای شتران و سایر مرکبها هم کمک گرفتند، و منبری به بلندی قامت حضرت ساختند و روی آن پارچه ای انداختند. منبر را طوری برپا کردند که نسبت به جمعیت در وسط قرار بگیرد و پیامبر ﷺ هنگام سخنرانی مشرف بر مردم باشد تا صدای حضرت به همه برسد و همه او را ببینند.

با توجه به کثرت جمعیت، ربیعه را که صدای بلندی داشت انتخاب کردند تا کلام حضرت را برای افرادی که دورتر قرار داشتند تکرار کند تا مطالب را بهتر بشنوند.^{۱۷}

پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام بر فراز منبر

مقارن ظهر، انتظار مردم به پایان رسید و منادی حضرت ندای نماز جماعت داد. مردم از خیمه ها بیرون آمدند و مقابل منبر جمع شدند و صفهای نماز را منظم کردند. پیامبر ﷺ نیز از خیمه خود بیرون آمدند و در جایگاه نماز قرار گرفتند، و نماز جماعت را اقامه فرمودند.

بعد از آن مردم ناظر بودند که پیامبر ﷺ از منبر غدیر بالا رفتند، و بر فراز آن ایستادند. سپس امیرالمؤمنین علیه السلام را فراخواندند، تا بر فراز منبر در سمت راستشان بایستد. قبل از شروع خطبه، امیرالمؤمنین علیه السلام بر فراز منبر يك پله

(۱۷) بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۳۸۷، ج ۳۷ ص ۱۷۳ و ۲۰۳ و ۲۰۴، ج ۹۸ ص ۲۹۸.

عوالم: ج ۱۵:۳ ص ۵۰ و ۶۰ و ۷۵ و ۷۹ و ۸۰ و ۳۰۱.

پائین تر در طرف راست حضرت ایستادند و دست پیامبر ﷺ بر شانه آن حضرت بود.

سپس آن حضرت نگاهی به راست و چپ جمعیت نمودند و منتظر شدند تا مردم کاملاً جمع شوند. زنان نیز در قسمتی از مجلس نشستند که پیامبر ﷺ را بخوبی می دیدند.

پس از آماده شدن مردم، پیامبر اکرم ﷺ خطابه تاریخی و آخرین دیدار و اجتماع رسمی خود را برای مسلمانان جهان آغاز کردند. با در نظر گرفتن این شکل خاص سخنرانی، که دو نفر بر فراز منبر ایستاده اند، و بیش از صد و بیست هزار بیننده، آن مُبلِّغ اعظم را می نگرند؛ به استقبال سخنان حضرت خواهیم رفت.

دقت در این نکته لازم به نظرمی رسد که اجتماع ۱۲۰۰۰ نفر برای يك سخنرانی و در مقابل يك خطیب که همه بتوانند او را ببینند، در دنیای امروز هم مسئله غیرعادی است؛ تا چه رسد به عصر بعثت که در گذشته چندین هزار ساله انبیاء و اوصیاء الهی تا آن روز هرگز چنین مجلس عظیمی برای شنیدن سخنان کسی تشکیل نشده بود.^{۱۸}

خطابه پیامبر ﷺ در اعلان اکمال دین

خطابه تاریخی پیامبر ﷺ در غدیر که حدود يك ساعت طول کشید، در چهارده بخش قابل ترسیم است:

(۱۸) بحارالأنوار: ج ۲۱ ص ۳۸۷، ج ۳۷ ص ۲۰۹. عوالم: ج ۱۵:۳ ص ۴۴ و ۹۷ و ۳۰۱. اثبات الهداة: ج ۲ ص ۲۶۷ و ۳۸۷ و ۳۹۱. احقاق الحق: ج ۲۱ ص ۵۳ و ۵۷.

حمد و ثنای الهی

حضرت ﷺ در اولین بخش سخن، به حمد و ثنای الهی پرداختند و صفات قدرت و رحمت حق تعالی را ذکر نمودند.

بنده خداوند و تسلیم اویم

در بخش دوم به بندگی خود در مقابل ذات الهی شهادت دادند و فرمودند: به او و ملائکه اش و کتابهایش و پیامبرانش ایمان می آورم. دستور او را گوش می دهم و اطاعت می نمایم و به آنچه او را راضی می کند مبادرت می ورزم و در مقابل مقدرات او تسلیم می شوم.

یا ایها الرسول بَلِّغْ

در بخش سوم، سخن را متوجه مطلب اصلی نمودند و تصریح کردند که باید فرمان مهمی درباره علی بن ابی طالب ابلاغ کنم، و اگر این پیام را نرسانم رسالت الهی را نرسانده ام و ترس از عذاب او دارم. همچنین تصریح کردند که خداوند به من چنین وحی کرده است: **يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ** ای پیامبر ابلاغ کن آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده- درباره علی، یعنی خلافت علی بن ابی طالب- و اگر انجام ندهی رسالت او را نرسانده ای، و خداوند تو را از مردم حفظ می کند.^{۱۹}

سپس امر مؤکد پروردگار درباره اعلام ولایت را با صراحت تمام مطرح کردند و فرمودند: جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف خداوند سلام پروردگارم- که او سلام است- مرا مأمور کرد که در این محل اجتماع بپاخیزم

(۱۹) سوره مائده: آیه ۶۷.

و بر هر سفید و سیاهی اعلام کنم که علی بن ابی طالب برادر من و وصی من و جانشین من بر امتم و امام بعد از من است. نسبت او به من همانند نسبت هارون به موسی علیه السلام است جز اینکه پیامبری بعد از من نیست. و او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسولش است.

خداوند در این مورد آیه ای از کتابش بر من نازل کرده است: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾^{۲۰} صاحب اختیار شما خدا و رسولش هستند و کسانی که ایمان آورده و نماز را بپای می دارند و در حال رکوع زکات می دهند. و علی بن ابی طالب علیه السلام است که نماز را بپا داشته و در حال رکوع زکات داده و در هر حال خداوند عزوجل را قصد می کند. خداوند از من راضی نمی شود مگر آنچه در حق علی علیه السلام بر من نازل کرده ابلاغ نمایم.

دوازده امام تا آخر دنیا

در چهارمین بخش، امامت دوازده امام بعد از خود را تا آخرین روز دنیا اعلام فرمودند تا همه طمعها یکباره قطع شود. برای درک عمیق از اهمیت مسئله فرمودند: ای مردم، این آخرین باری است که در چنین اجتماعی بپای ایستم. پس بشنوید و اطاعت کنید و در مقابل امر خداوند پروردگارتان سر تسلیم فرود آورید.

از نکات مهم در خطابه حضرت، اشاره به عمومیت ولایت آنان بر همه انسانها و در طول زمانها و در همه مکانها و نفوذ کلماتشان در جمیع امور بود، که به این صورت اعلام فرمودند: خداوند عزوجل صاحب اختیار شما و معبود

(۲۰) سوره مائده: آیه ۵۵.

شما است، و بعد از خداوند رسولش و پیامبرش که شما را مخاطب قرار داده، و بعد از من علی علیه السلام صاحب اختیار شما و امام شما به امر خداوند است، و بعد از او امامت در نسل من از فرزندان اوست تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات خواهید کرد.

همچنین نیابت ائمه علیهم السلام از خدا و رسول در حلال و حرام و جمیع امور دنیا و آخرت از نکات بسیار مهم خطبه بود که آن را با کلماتی دقیق بیان فرمودند: حلالی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و آنان "امامان" حلال کرده باشند، و حرامی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و آنان "امامان" بر شما حرام کرده باشند. خداوند عزوجل حلال و حرام را به من شناسانده است، و آنچه پروردگارم از کتابش و حلال و حرامش به من آموخته به او سپرده ام.

پس از بیان این همه عظمت، مردم را از مخالفت بر حذر داشتند و فرمودند: ای مردم، او از طرف خداوند امام است، و هر کس ولایت او را انکار کند خداوند هرگز توبه اش را نمی پذیرد و او را نمی بخشد. ای مردم، بخدا قسم پیامبران و رسولان پیشین علیهم السلام به من بشارت داده اند، و من بخدا قسم خاتم پیامبران و مرسلین علیهم السلام و حجت بر همه مخلوقین از اهل آسمانها و زمینها هستم. هر کس در این مطالب شك کند مانند کفر جاهلیت اول کافر شده است. و هر کس در چیزی از این گفتار من شك کند در همه آنچه بر من نازل شده شك کرده است، و هر کس در یکی از امامان علیهم السلام شك کند در همه آنان شك کرده است، و شك کننده درباره ما در آتش است.

بدانید که جبرئیل علیه السلام از جانب خداوند این خبر را برای من آورده است و می گوید: "هر کس با علی علیه السلام دشمنی کند و ولایت او را نپذیرد لعنت و غضب من بر او باد".

در اینجا حضرت می خواستند حساس ترین قسمت سخنرانی را که برنامه ای عملی نیز همراه داشت بیان کنند. لذا برای آمادگی مردم فرمودند: بخدا قسم، باطن قرآن را برای شما بیان نمی کند و تفسیرش را برایتان روشن نمی کند مگر این شخصی که من دست او را می گیرم و او را بسوی خود بالا می برم و بازوی او را می گیرم و با دو دستم او را بلند می کنم و به شما می فهمانم که: هر کس من صاحب اختیار اویم این علی صاحب اختیار او است؛ و او علی بن ابی طالب علیه السلام برادر و جانشین من است، و ولایت او از جانب خداوند عزوجل است که بر من نازل کرده است.

سپس تصویر زیبایی از ارتباط دورکن اعظم اسلام ارائه نمودند و فرمودند: ای مردم، علی و پاکان از فرزندانم علیهم السلام از نسل او ثقل اصغرند و قرآن ثقل اکبر است. هر يك از این دو از دیگری خبر می دهد و با آن موافق است. آنها از یکدیگر جدا نمی شوند تا بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند. بدانید که آنان امین های خداوند بین مردم و حاکمان او در زمین هستند.

در این مرحله با قاطعیتی تمام هرگونه تعرض به مقام صاحب غدیر را حرام شمردند و فرمودند: بدانید که امیرالمؤمنین جز این برادر من نیست. بدانید که "امیرالمؤمنین" بودن بعد از من برای احدی جز او حلال نیست.

من کنت مولاه فهذا علی مولاه

در بخش پنجم خطبه، پیامبر صلی الله علیه و آله پس از مقدمه چینی های قبل و ذکر مقام خلافت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، برای آنکه تا آخر روزگار راه هرگونه شک و شبهه بسته باشد و در این راه هر تلاشی در نطفه خنثی شود، آنچه بطور لسانی فرموده بودند به صورت عملی انجام دادند.

ابتدا به امیرالمؤمنین علیه السلام که بر فراز منبر کنارشان ایستاده بودند، فرمودند:

"نزدیکتر بیا". آن حضرت نزدیکتر آمدند و پیامبر ﷺ از پشت سر دو بازوی او را گرفتند. در این هنگام امیرالمؤمنین علیه السلام دست خود را باز کردند تا دستهای هر دو به سوی آسمان قرار گرفت.

سپس پیامبر ﷺ امیرالمؤمنین علیه السلام را (که يك پله پایین تر قرار داشت) از جا بلند کردند تا حدی که پاهای آن حضرت محاذی زانوهای پیامبر ﷺ قرار گرفت و مردم سفیدی زیر بغل ایشان را دیدند که تا آن روز دیده نشده بود. در این حال فرمودند: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ. هر کس من نسبت به او از خودش صاحب اختیارتر بوده ام این علی علیه السلام هم نسبت به او صاحب اختیارتر است. خدایا دوست بدار هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد، و دشمن بدار هر کس او را دشمن بدارد، و یاری کن هر کس او را یاری کند، و خوار کن هر کس او را خوار کند.

در این قسمت از خطبه، نزول وحی درباره کمال دین با ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را اعلام نمودند که بسیار احساس برانگیز بود. حضرت فرمودند: پروردگارا، تو هنگام روشن شدن این مطلب و منصوب نمودن علی علیه السلام در این روز، این آیه را درباره او نازل کردی: "الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا." امروز دین شما را برایتان کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را بعنوان دین شما راضی شدم، "وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ"، "هر

(۲۱) سوره مائده: آیه ۳.

(۲۲) سوره آل عمران: آیه ۸۵.

کس دینی غیر از اسلام انتخاب کند هرگز از او قبول نمی شود و در آخرت از زیانکاران خواهد بود". پروردگارا، تو شاهی که من ابلاغ نمودم.

دین خدا کامل شد

در بخش ششم حضرت صریحاً فرمودند: "ای مردم، خداوند دین شما را با امامت او کامل نمود. پس هر کس اقتدا نکند به او و به کسانی که جانشین او از فرزندان من و از نسل او هستند تا روز قیامت و روز رفتن به پیشگاه خداوند عزوجل، چنین کسانی اعمالشان در دنیا و آخرت از بین رفته و در آتش دائمی خواهند بود". سپس برای آنکه مردم قدر چنین نعمتی را بدانند فرمودند: پیامبرتان بهترین پیامبر و وصیتان بهترین وصی و فرزندان او بهترین اوصیاء هستند. ای مردم، نسل هر پیامبری از صلب خود او هستند ولی نسل من از صلب امیرالمؤمنین علی علیه السلام است.

بعد از آن ضمن بیان شمه ای از فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: بدانید که با علی علیه السلام دشمنی نمی کند مگر شقی و با علی علیه السلام دوستی نمی کند مگر با تقوی، و به او ایمان نمی آورد مگر مؤمن مخلص. در اینجا با توجه به آیه "رضیت لكم الاسلام دیناً" فرمودند:

ای مردم، من خدا را شاهد گرفتم و رسالتم را به شما ابلاغ نمودم، و بر عهده رسول جز ابلاغ روشن چیزی نیست. ای مردم از خدا بترسید آنطور که باید ترسید، و از دنیا نروید مگر آنکه مسلمان باشید.

ابلاغ غضب الهی بر منکران و اشاره به ماجرای سقیفه (لانه توطئه)

مرحله هفتم از سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله جنبه غضب الهی را نمودار کرد. حضرت با تلاوت آیات عذاب و لعن از قرآن فرمودند:

منظور از این آیات عده ای از اصحاب من هستند که مأمور به چشم پوشی از

آنان هستم، ولی بدانند که خداوند ما را بر معاندین و مخالفین و خائنین و مقصرین حجت قرار داده است، و چشم پوشی از آنان در دنیا مانع از عذاب آخرت نیست.

آنگاه به خلقت نورانی خود و اهل بیت اشاره کردند و فرمودند: ای مردم، نور از جانب خداوند عزوجل در من نهاده شده و سپس در علی بن ابی طالب و بعد در نسل او تا مهدی قائم علیه السلام؛ که حق خداوند و هر حقی که برای ما باشد می گیرد. سپس به امامان گمراهی که مردم را به جهنم می کشانند اشاره کرده فرمودند: ای مردم، بعد از من امامانی خواهند بود که به آتش دعوت می کنند و روز قیامت کمک نمی شوند. ای مردم، خداوند و من از آنان بیزار هستیم. ای مردم، آنان و یارانشان و تابعینشان و پیروانشان در پائین ترین درجه آتش اند و چه بد است جای متکبران!

سپس اشاره ای رمزی به ماجرای سقیفه نمودند که نطفه آن توسط منافقان در حجة الوداع با امضای صحیفه ملعونه در مکه منعقد شده بود، و فرمودند: "بدانید که آنان اصحاب صحیفه هستند. پس هر يك از شما در صحیفه خود نظر کند!!"

وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله نام "اصحاب صحیفه" را آورد اکثر مردم منظور حضرت از این کلام را نفهمیدند و برایشان سؤال انگیز شد، و فقط مجریان سقیفه و عده کمی که توسط آن حضرت از ماجرا مطلع بودند، مقصود حضرت را فهمیدند. احساس رساندن پیامی بزرگ توسط بزرگ پیامبران، سنگینی آن را از دوش حضرت برداشته بود. این بود که کلماتی حاکی از این رضایت قلبی بر لسان مبارك حضرت جاری شد و فرمودند:

من رسانیدم آنچه مأمور به ابلاغش بودم، تا حجت باشد بر حاضر و غائب، و بر

همه کسانی که حضور دارند یا ندارند، به دنیا آمده اند یا نیامده اند. پس حاضران به غائبان، و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند.

در اینجا با صراحت بیشتری درباره سقیفه فرمودند: "بزودی امامت را بعد از من بعنوان پادشاهی و با ظلم و زور می گیرند. خداوند غاصبین و تعدی کنندگان را لعنت کند". سپس مسئله امتحان الهی و عاقبت غاصبین را چنین مطرح کردند: "ای مردم، خداوند عزوجل شما را به حال خود رها نخواهد کرد تا آنکه خبیث را از پاکیزه جدا کند، و خداوند شما را بر غیب مطلع نمی کند. ای مردم، هیچ سرزمین آبادی نیست مگر آنکه خداوند اهل آن را در اثر تکذیب آیات الهی قبل از روز قیامت هلاک خواهد کرد و آن را تحت حکومت مهدی علیه السلام در خواهد آورد، و خداوند وعده خود را عملی می نماید".

ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام

در بخش هشتم، حضرت تکیه سخن را بر اثبات ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام قرار دادند و سوره حمد را - که همه روزه تمام مسلمانان آن را می خوانند - قرائت کردند و فرمودند: "این سوره درباره من نازل شده، و بخدا قسم درباره ایشان "امامان" نازل شده است. بطور عموم شامل آنهاست و بطور خاص درباره آنان است". و بیان کردند که اصحاب صراط مستقیم در سوره حمد شیعیان اهل بیت علیهم السلام هستند.

سپس آیاتی از قرآن درباره اهل بهشت تلاوت فرمودند و آنها را به شیعیان و پیروان آل محمد علیهم السلام تفسیر فرمودند. آیاتی هم درباره اهل جهنم تلاوت کردند و آنها را به دشمنان آل محمد علیهم السلام معنی کردند. از جمله فرمودند:

بدانید که دوستان ایشان کسانی اند که با سلامتی و در حال امن وارد بهشت می شوند، و ملائکه با سلام به ملاقات آنان می آیند و می گویند: "سَلامٌ عَلَیْكُمْ،

طِبْتُمْ، فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ". "سلام بر شما، پاکیزه شدید، پس برای همیشه داخل بهشت شوید". نسل امامت، مسئله دیگری بود که با لسانی دیگر در این بخش مورد تأکید حضرت قرار گرفت و فرمودند: ای مردم، بدانید که من پیامبرم و علی علیه السلام امام و وصی بعد از من است، و امامان بعد از او فرزندان او هستند. بدانید که من پدر آنانم و آنها از صلب او بوجود می آیند.

حضرت مهدی علیه السلام

در بخش نهم مطالبی اساسی درباره حضرت بقیة الله الاعظم حجة بن الحسن المهدی (ارواحنا فداه) فرمودند و مفصلاً اوصاف و شئون خاص حضرتش را مطرح کردند و آینده ای پر از عدل و داد به دست امام زمان (عجل الله فرجه) را به جهانیان مژده دادند.

سخنان بلند حضرت برای جمعیتی که در آغاز راه اسلام بودند بسیار تعجب انگیز بود که فرمودند:

بدانید که آخرین امامان، مهدی قائم از ماست. اوست غالب بر ادیان، اوست انتقام گیرنده از ظالمین، اوست فاتح قلعه ها و منهدم کننده آنها، اوست غالب بر هر قبیله ای از اهل شرك و هدایت کننده آنان.

بدانید که اوست گیرنده انتقام هر خونی از اولیاء خدا. اوست یاری دهنده دین خدا.

بدانید که اوست استفاده کننده از دریایی عمیق. اوست که هر صاحب فضیلتی را بقدر فضلش و هر صاحب جهالتی را بقدر جهلش نشانه می دهد. اوست انتخاب شده و اختیار شده خداوند. اوست وارث هر علمی و احاطه دارنده به هر فهمی.

بدانید که اوست خبر دهنده از پروردگارش، و بالا برنده آیات الهی. اوست

هدایت یافته محکم بنیان. اوست که کارها به او سپرده شده است.

اوست که پیشینیان به او بشارت داده اند، اوست که بعنوان حجت باقی می ماند و بعد از او حجتی نیست. هیچ حقی نیست مگر همراه او، و هیچ نوری نیست مگر نزد او.

بدانید او کسی است که غالبی بر او نیست و کسی بر ضد او کمک نمی شود. اوست ولیّ خدا در زمین و حکم کننده او بین خلقش و امین او بر نهان و آشکارش.

پیمان وفاداری با غدیر

در بخش دهم مسئله بیعت را مطرح کردند و ارزش و پشتوانه آن را چنین بیان فرمودند: بدانید که من بعد از پایان خطابه ام شما را به دست دادن با من بعنوان بیعت با او و اقرار به او، و بعد از من به دست دادن با خود او فرامی خوانم. بدانید که من با خدا بیعت کرده ام و علی ع با من بیعت کرده است، و من از جانب خداوند برای او از شما بیعت می گیرم.

در این باره به قرآن استناد کردند و فرمودند: خداوند می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ، فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ، وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمِنَّا أَجْرًا عَظِيمًا^{۲۳} کسانی که با تو بیعت می کنند در واقع با خدا بیعت می کنند، دست خداوند بر روی دست آنان است. پس هر کس بیعت را بشکند این شکستن بر ضرر خود اوست، و هر کس به آنچه با خدا عهد بسته وفادار باشد خداوند به او اجر عظیمی عنایت خواهد کرد.

(۲۳) سوره فتح: آیه ۱۰.

احکام الهی جاودانه است

در یازدهمین بخش، حضرت درباره احکام الهی سخن گفتند که مقصود بیان چند پایه مهم عقیدتی بود:

یکی پیش بینی آینده مسلمین در مشکلات که فرمودند: اگر زمان طویلی بر شما گذشت و کوتاهی نمودید یا فراموش کردید، علی علیه السلام صاحب اختیار شما است و برای شما بیان می کند. او که خداوند عزوجل بعد از من بعنوان امین بر خلقش او را منصوب نموده است. او از من است و من از اویم. او و آنانکه از نسل من اند از آنچه سؤال کنید به شما خبر می دهند و آنچه را نمی دانید برای شما بیان می کنند. سپس مسئله ثابت بودن احکام الهی تا ابد را با عباراتی بلند بیان فرمودند:

ای مردم، هر حلالی که شما را بدان راهنمایی کردم و هر حرامی که شما را از آن نهی نمودم، هرگز از آنها بر نگشته ام و تغییر نداده ام. این مطلب را بیاد داشته باشید و آن را حفظ کنید و به یکدیگر سفارش کنید، و آن را تبدیل نکنید و تغییر ندهید.

نکته دیگر مسائل جدیدی بود که در آینده برای مسلمین پیش می آمد که در این باره فرمودند: مأمورم که از شما بیعت بگیرم و با شما دست پیمان بدهم بر اینکه قبول کنید آنچه از طرف خداوند عزوجل درباره امیرالمؤمنین علی علیه السلام و جانشینان بعد از او آورده ام که آنان از نسل من و اویند، "و آن موضوع" امامتی است که فقط در آنها بپا خواهد بود، و آخر ایشان مهدی علیه السلام است تا روزی که خدای مدبر قضا و قدر را ملاقات کند.

دیگر اینکه بالاترین امر به معروف و نهی از منکر را تبلیغ پیام غدیر اعلام کردند و فرمودند:

بدانید بالاترین امر به معروف آنست که سخن مرا بفهمید و آن را به کسانی که حاضر نیستند برسانید و او را از طرف من به قبولش امر کنید و از مخالفتش نهی نمائید، چرا که این دستوری از جانب خداوند عزوجل و از نزد من است، و هیچ امر به معروف و نهی از منکری نمی شود مگر با امام معصوم علیه السلام.

با دوازده امام علیهم السلام بیعت کنید

در دوازدهمین و آخرین مرحله خطابه اقرار زبانی و بیعت لسانی انجام شد. برای این هدف؛ دو زمینه سازی انجام شد:

یکی بیان علت این بیعت لسانی بود. درباره اینکه قبل از بیعت با دست بصورت زبانی از آنان اقرار گرفتند، فرمودند:

ای مردم، شما بیش از آن هستید که با یک دست و در یک زمان با من دست دهید، و پروردگار مرا مأمور کرده است که از زبان شما اقرار بگیرم درباره آنچه منعقد نمودم برای علی امیرالمؤمنین علیه السلام و امامانی که بعد از او می آیند و از نسل من و اویند، چنانکه به شما فهماندم که فرزندان من از صلب اویند.

دیگری تعیین عبارات حاکی از محتوای بیعت بود که می بایست همه مردم به آن اقرار می کردند و بیعت با دست هم حساب می شد. از آنجا که این بیعت بر سر یک مسئله موقت و زود گذر نبود بلکه بر سر یک اعتقاد آن هم به بلندای ابدیت بود، لذا حضرت عبارات مفصلی را بر لسان مبارک جاری کردند و از مردم خواستند آنها را عیناً تکرار کنند.

لذا خطاب به حاضرین فرمودند: پس همگی چنین بگوئید:

ما شنیدیم و اطاعت می کنیم و راضی هستیم و سر تسلیم فرود می آوریم درباره آنچه از جانب پروردگار ما و خودت به ما رساندی، درباره امر امامت امامان علی امیرالمؤمنین علیه السلام و امامانی که از صلب او به دنیا می آیند علیهم السلام.

بر این مطلب با قلبهایمان و با جانمان و با زبانمان و با دستانمان با تو بیعت می کنیم. بر این عقیده زنده ایم و با آن می میریم و "روز قیامت" با آن محشور می شویم. تغییر نخواهیم داد و تبدیل نمی کنیم و شك نمی کنیم و انکار نمی نمائیم و تردید به دل راه نمی دهیم و از این قول بر نمی گردیم و پیمان را نمی شکنیم. تو ما را به موعظه الهی نصیحت نمودی درباره علی امیرالمؤمنین و امامانی که گفتی بعد از او از نسل تو و فرزندان اویند، یعنی حسن و حسین و آنانکه خداوند بعد از آن دو منصوب نموده است.

پس برای آنان عهد و پیمان از ما گرفته شد، از قلبهایمان و جانهایمان و زبانهایمان و ضمایرمان و دستهایمان. هر کس توانست با دست بیعت می نماید و گرنه با زبانش اقرار می کند. هرگز در پی تغییر این عهد نیستیم و خداوند "در این باره" از نفسهایمان دگرگونی نبیند.

ما این مطالب را از قول تو به افراد نزدیک و دور از فرزندانمان و فامیلان می رسانیم، و خدا را بر آن شاهد می گیریم. خداوند در شاهد بودن کفایت می کند و تو نیز بر این اقرار ما شاهد هستی.

پیداست که حضرت، عین کلامی را که می بایست مردم تکرار کنند به آنان القا فرمودند و عبارات آن را مشخص کردند تا هر کس به شکل خاصی برای خود اقرار نکند، بلکه همه به مطلب واحدی که حضرت از آنان می خواهد التزام دهند و بر سر آن بیعت نمایند. مردم نیز پس از هر جمله، آن را تکرار می کردند و بدینوسیله از همان فراز منبر بیعت عمومی گرفته شد.

همچنین از مردم خواستند خدا را بر چنین نعمتی سپاسگزار باشند که اجازه نداد مردم با انتخاب ناقص خود خلیفه ای برای خود برگزینند، بلکه اراده الهی مستقیماً در این باره تصمیم گیری نمود و نتیجه آن را به بشر الزام فرمود.

کلمات نهایی پیامبر ﷺ دعا برای اقرارکنندگان به سخناش و نفرین بر منکرین اوامر آن حضرت بود، و با حمد خداوند خطابه حضرت پایان یافت.^{۲۴}

مراسم سه روزه در غدیرخم: بیعت و تبریک و تهنیت غدیر و ولایت

پس از اتمام خطبه، صدای مردم بلند شد که: آری، شنیدیم و طبق فرمان خدا و رسول با قلب و جان و زبان و دستان اطاعت می کنیم.

بعد به سوی پیامبر و امیرالمؤمنین (علیه السلام) ازدحام کردند و برای بیعت سبقت می گرفتند و با ایشان دست بیعت می دادند. این پیمان بستن ها و نیز ابراز احساسات و فریادهای شعفی که از جمعیت برمی خاست، شکوه و ابهت بی مانندی به آن اجتماع بزرگ می بخشید.

در این حال پیامبر ﷺ می فرمود: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى جَمِيعِ الْعَالَمِينَ. نکته قابل توجهی که در هیچیک از پیروزی های پیامبر ﷺ (چه در جنگها و چه سایر مناسبتها و حتی فتح مکه) سراغ نداریم، این است که حضرت در روز غدیر فرمودند: به من تبریک بگوئید! به من تهنیت بگوئید! زیرا خداوند مرا به نبوت و اهل بیتم (علیهم السلام) را به امامت اختصاص داده است؛ و این نشانه فتح بزرگ و در هم شکستن کامل سنگرهای کفر و نفاق بود.

از سوی دیگر پیامبر ﷺ به منادی خود دستور دادند تا بین مردم گردش کند و

(۲۴) روضة الواعظین: ج ۱ ص ۸۹. الاحتجاج: ج ۱ ص ۶۶. الیقین: ص ۳۴۳ باب ۱۲۷. نزهة الکرام: ج ۱ ص ۱۸۶. العُدَّة القویَّة: ص ۱۶۹. التحصین: ص ۵۷۸ باب ۲۹ از قسم دوم. الصراط المستقیم: ج ۱ ص ۳۰۱، به نقل از کتاب الولاية تألیف مورخ طبری. نهج الایمان: ص ۹۲، به نقل از کتاب الولاية تألیف مورخ طبری. بحارالانوار: ج ۳۷ ص ۲۰۱ تا ۲۰۷. اثبات الهداة: ج ۲ ص ۱۱۴، ج ۳ ص ۵۵۸.

این خلاصه غدیر را تکرار کند:
مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ اَنْصُرْ مَنْ
نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ،
تا در غدیر بعنوان تابلوی ابدی ولایت بر دلها نقش بندد.^{۵۰}

بیعت مردان

پیامبر ﷺ ضمن سخنرانی وعده داده بودند که پس از پایان سخنرانی از شما
بیعت خواهم گرفت، آنجا که فرمودند:
بدانید که من بعد از پایان خطابه ام شما را به دست دادن با من بعنوان بیعت
با او و اقرار به او، و بعد از من به دست دادن با خود او فرامی خوانم. بدانید که
من با خدا بیعت کرده ام و علی عَلَيْهِ السَّلَام با من بیعت کرده است، و من از جانب
خداوند برای او از شما بیعت می گیرم.
بیعت غدیر به معنای التزام و پیمان وفاداری به ولایت دوازده امام معصوم
عَلَيْهِمُ السَّلَام بود، و محتوای آن ضمن خطابه حضرت تعیین شده بود، و مردم به صورت
لسانی به آن اقرار کرده بودند.

برای آنکه رسمیت مسئله محکم تر شود، و آن جمعیت انبوه بتوانند مراسم
بیعت را بطور منظم و برنامه ریزی شده ای انجام دهند:
پیامبر ﷺ پس از پایان سخنرانی دستور دادند تا دو خیمه برپا شود. یکی از
خیمه ها را مخصوص خود قرار دادند و در آن جلوس فرمودند، و به امیرالمؤمنین
عَلَيْهِ السَّلَام دستور دادند تا در خیمه دیگر جلوس نماید، و امر کردند تا مردم جمع
شوند. پس از آن مردم دسته دسته در خیمه پیامبر صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ حضور می یافتند و با آن

(۲۵) بحارالانوار: ج ۲۱ ص ۳۸۷. امالی شیخ مفید: ص ۵۷.

حضرت دست بیعت می دادند و تبریک و تهنیت می گفتند. سپس در خیمه مخصوص امیرالمؤمنین علیه السلام حاضر می شدند و بعنوان امام و خلیفه بعد از پیامبرشان با آن حضرت دست بیعت می دادند و پیمان وفاداری می بستند، و بعنوان امیرالمؤمنین بر او سلام می کردند، و این مقام والا را تبریک می گفتند. برنامه بیعت تا سه روز ادامه داشت، و این مدت را حضرت در غدیر اقامت داشتند، و برنامه چنان حساب شده بود که همه مردم در آن شرکت کردند. از کسانی که در غدیر با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت نمودند همانهایی بودند که زودتر از همه آن پیمان را شکستند و پیش از همه عهد خود را زیر پا گذاشتند و بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله یکی پس از دیگری رو در روی امیرالمؤمنین علیه السلام ایستادند.

جالب اینکه عمر بعد از بیعت این کلمات را بر زبان می راند: افتخار برایست باد، گوارایت باد ای پسر ابی طالب، خوشا به حالت ای اباالحسن، اکنون مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمنی شده ای!

از آن جالب تر اینکه پس از امر پیامبر صلی الله علیه و آله همه مردم بدون چون و چرا با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت می کردند، ولی ابوبکر و عمر گفتند: آیا این امر از طرف خداوند است یا از طرف رسولش "یعنی: از جانب خود می گویی؟" حضرت فرمود: از طرف خدا و رسولش است. آیا چنین مسئله بزرگی بدون امر خداوند می شود؟ و نیز فرمود: آری حق است از طرف خدا و رسولش که علی علیه السلام امیرالمؤمنین است.^{۶۶}

(۲۶) بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۳۸۷، ج ۲۸ ص ۹۰، ج ۳۷ ص ۱۶۶ و ۱۲۷. الغدير: ج ۱ ص ۵۸ و ۲۷۱ و ۲۷۴. عوالم: ج ۱۵:۳ ص ۴۲ و ۶۰ و ۶۵ و ۱۳۴ و ۱۳۶ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۲۰۳ و ۲۰۵.

بیعت زنان

پیامبر ﷺ دستور دادند تا زنان هم با آن حضرت بیعت کنند و بعنوان امیرالمؤمنین سلام کنند و به حضرتش تبریک و تهنیت بگویند، و این دستور را درباره زوجات خویش مؤکد داشتند.

برای این منظور - چون اکثر زنان نامحرم بودند - به دستور حضرت ظرف آبی آوردند و پرده ای بر روی آن زدند بطوری که زنان در آن سوی پرده دست خود را در آب قرار می دادند و امیرالمؤمنین علیه السلام در سوی دیگر دست خود را در آب می گذاشت و بدین صورت بیعت زنان هم با آن حضرت انجام گرفت.

یادآور می شود که بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از حاضرین در غدیر بودند. همچنین کلیه زوجات پیامبر صلی الله علیه و آله و ام هانی خواهر امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه دختر حضرت حمزه و اسماء بنت عمیس در آن مراسم حضور داشتند.^{۲۷}

تاجگذاری با عمامه سحاب

در میان مردمان عرب عمامه به منزله تاج است، ولذا هرگاه می خواستند ریاست شخص بزرگی را بر قومی اعلام کنند یکی از مراسمشان بستن عمامه بر سر او بود. اهمیت این برنامه آنگاه بیشتر می شد که شخص بزرگی عمامه خود را بر سر کسی ببندد و این به معنای اعتماد بر او بود. پیامبر صلی الله علیه و آله در مراسم غدیر عمامه خود را که سحاب نام داشت، بعنوان تاج افتخار بر سر امیرالمؤمنین علیه السلام بستند و انتهای عمامه را بر دوش آن حضرت قرار دادند و فرمودند: عمامه تاج عرب است. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره چنین می فرمایند:

(۲۷) بحارالانوار: ج ۲۱ ص ۳۸۸. عوالم ج ۳: ۱۵ ص ۳۰۹.

پیامبر در روز غدیر خم عمامه ای بر سرم بستند و يك طرف آن را بر دوشم
 آویختند و فرمودند: خداوند در روز بدر و حنین، مرا با ملائكه ای كه چنین
 عمامه ای به سر داشتند یاری نمود.^{۲۸}

سرودن برای واقعه غدیر

از زیباترین برنامه های غدیر جلوه فرهنگی آن بود كه در قالب ادبیات شعری
 خود را نشان داد. در مراسم پرشور غدیر، حضور حسان بن ثابت شاعر بزرگ
 عرب از عنایات خداوند بود، چرا كه درخواست این شاعر زبردست بسیار
 جلب توجه كرد.

او به حضرت عرض كرد: یا رسول الله! اجازه می فرمائید شعری را كه به
 مناسبت این واقعه عظیم درباره علی بن ابی طالب (علیه السلام) سروده ام بخوانم؟
 حضرت فرمودند: بخوان به نام خداوند و برکت او.
 حسان بر جای بلندی قرار گرفت و مردم برای شنیدن كلامش ازدحام كردند و
 گردن كشیدند. او گفت: ای بزرگان قریش، سخن مرا به گواهی و امضای
 پیامبر گوش كنید. سپس اشعاری را كه همانجا سروده بود خواند تا بعنوان سند
 غدیر بماند. ذیلاً متن و ترجمه آن را می آوریم:

أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ النَّبِيَّ مُحَمَّدًا * لَدَى دَوْحٍ خُمٌ حِينَ قَامَ مُنَادِيًا

ینادیهیم یوم الغدیر نبیهم * بخم وأسمع بالرسول (بالنبي) منادیا

وَقَدْ جَاءَهُ جِبْرِيلُ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِ (عن امر ربه) * بِأَنَّكَ مَعْصُومٌ فَلَا تَكُ وَايِيًا

وَبَلَّغَهُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ رَبُّهُمْ إِلَيْكَ (عَلَيْكَ) * وَلَا تَخَشْ هُنَاكَ الْأَعَادِيَا

(۲۸) الغدير: ج ۱ ص ۲۹۱. عوالم: ج ۱۵:۳ ص ۱۹۹. اثبات الهداة: ج ۲ ص ۲۱۹ ح

فَقَامَ بِهِ إِذْ ذَاكَ رَافِعُ كَفِّهِ * بكف علي (بِئْمْنَى يَدَيْهِ) مُعْلِنُ الصَّوْتِ عَلِيًّا)
 فقال: فمن مولاكم ووليكم؟ * فقالوا ولم يبدوا هناك تعاميا (التعاميا)
 إلهك مولانا وأنت ولينا * ولا تجدن منا لك اليوم (ولم تلق منا في الولاية) عاصيا
 فقال له: قم يا علي؟ فإنني * رضيتك من بعدي إماما وهاديا
 فمن كنت مولاه فهذا وليه * فكونوا له أتباع (أنصار) صدق مواليا
 هناك دعا اللَّهُمَّ وال وليه * وَكُنْ لِلَّذِي عَادَى عَلِيًّا مُعَادِيًّا
 وَيَا رَبَّ فَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ لِنَصْرِهِمْ * إِمَامَ الْهُدَى (هدى) كَالْبَدْرِ يَجْلُو الدِّيَاجِيَا
 وَيَا رَبَّ فَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَكُنْ لَهُمْ * إِذَا وَقَفُوا يَوْمَ الْحِسَابِ مُكَافِيًّا

آیا نمی دانید که محمد پیامبر خداوند ﷺ کنار درختان غدیر خم به حالت ندا ایستاد، و این در حالی بود که جبرئیل علیه السلام از طرف خداوند پیام آورده بود که در این امر سستی ممکن که تو محفوظ خواهی بود، و آنچه از طرف خداوند بر تو نازل شده به مردم برسان، و اگر نرسانی و از ظالمان بترسی و از دشمنان حذر کنی رسالت پروردگار را نرسانده ای.

در اینجا بود که پیامبر ﷺ دست علی علیه السلام را بلند کرد و با صدای بلند فرمود: هر کس از شما که من مولای او هستم و سخن مرا بیاد می سپارد و فراموش نمی کند، مولای او بعد از من علی علیه السلام است، و من فقط به او - نه به دیگری - به عنوان جانشین خود برای شما راضی هستم. پروردگارا، هر که علی علیه السلام را دوست بدارد او را دوست بدار، و هر کس با علی علیه السلام دشمنی کند او را دشمن بدار. پروردگارا، یاری کنندگان او را یاری فرما بخاطر نصرتشان امام هدایت کننده ای را که در تاریکیها مانند ماه شب چهارده روشنی می بخشد. پروردگارا، خوارکنندگان او را خوار کن و روز قیامت که برای حساب می ایستند خود جزا بده.

پس از اشعار حسان، پیامبر ﷺ فرمود: ای حسان، مادامی که با زبانت از ما دفاع می کنی، از سوی روح القدس مؤید خواهی بود.^{۲۹}

حضور جبرئیل علیه السلام و ملائکه در مراسم غدیر

ظهور ملائکه (به صورت آدمی که قابل رؤیت و مشاهده برای همگان باشد) در موارد خاصی اتفاق افتاده؛ که پیام ویژه ای برای هدایت مردم به همراه داشته است. در غدیر نیز این اتفاق پس از سخنرانی پیامبر ﷺ پیش آمد و بار دیگر حجت را بر همگان تمام کرد.

مردی زیبا صورت و خوشبوی کنار مردم ایستاده بود و می گفت: بخدا قسم، روزی مانند امروز هرگز ندیدم. چقدر کار پسر عمویش را مؤکد نمود، و برای او پیمانی بست که جز کافر به خدا و رسولش آن را بر هم نمی زند. وای بر کسی که پیمان او را بشکند.

عمر نزد پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: شنیدی این مرد چه گفت؟! حضرت فرمود: آیا او را شناختی؟ گفت: نه. حضرت فرمود: او روح الامین جبرئیل علیه السلام بود. تو مواظب باش این پیمان را نشکنی، که اگر چنین کنی خدا و رسول و ملائکه و مؤمنان از تو بیزار خواهند بود!^{۳۰}

نزول معجزه الهی و سوره قرآنی در حق منکران غدیر

آنچه در غدیر برای مردم بیان شد بزرگترین پیام اسلام، یعنی ولایت اهل بیت علیهم السلام بود. اگر در موارد بسیاری از اتمام حجت های الهی معجزه ای از سوی پیامبر ﷺ صورت می گرفت تا اطمینان قلوب آن مردم و نسل های تاریخ باشد، در

(۲۹) بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۳۸۸، ج ۳۷ ص ۱۱۲ و ۱۶۶ و ۱۹۵. عوالم: ج ۳: ۱۵۰

ص ۴۱ و ۹۸ و ۱۴۴ و ۲۰۱. کفایة الطالب: ص ۶۴.

(۳۰) بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۱۲۰ و ۱۶۱. عوالم: ج ۳: ۱۵۰ ص ۸۵ و ۱۳۶.

غدير خداوند در حضور پيامبرش مستقيماً معجزه نشان داد و امضای الهی را بر خط پایان غدير ثبت کرد. در آخرين ساعات از روز سوم سيزده منكر (حارث فهری با دوازده نفر از منكران صحابه) نزد پيامبر ﷺ آمد و گفت: ای محمد! آیا اينكه درباره علی بن ابی طالب گفتي: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ... از جانب پروردگار بود يا از پيش خود گفتي؟

حضرت در جواب سؤال فرمودند: خداوند به من وحی کرده است، و واسطه بين من و خدا جبرئيل عَلَيْهِ السَّلَام است، و من اعلان کننده پيام خدا هستم، و بدون اجازه پروردگارم خبری را اعلان نمی کنم.

حارث گفت: خدایا، اگر آنچه محمد می گوید حق و از جانب توست، سنگی از آسمان بر ما ببار یا عذابی دردناك بر ما بفرست.

همينكه سخن حارث تمام شد و به راه افتاد، خداوند سنگی از آسمان بر او فرستاد كه از مغزش وارد شد و همانجا او را هلاك كرد و ماجرای اصحاب فيل جلوی دیدگان صدو بیست هزار نفر جمعیت حاضر در غدير خم تکرار شد.

بعد از این جریان، سوره معارج و آیات آن (سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ، لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ...) ^{۳۱} نازل شد.

پيامبر ﷺ رو به مردم کردند و فرمودند: آیا دیدید؟ گفتند: آری. فرمودند: شنیدید؟ گفتند: آری. پس از این اقرار مردم؛ پيامبر ﷺ فرمودند: خوشا به حال کسی كه ولایت او را بپذیرد، و وای بر کسی كه با او دشمنی كند. علی عَلَيْهِ السَّلَام و شیعیانش را می بینم كه در روز قیامت سوار بر شتران با چهره هایی جوان، در باغهای بهشت گردانده می شوند در حالی كه تاج بر سر دارند و ترسی بر آنان

نیست و محزون نمی شوند و با رضایتی عظیم از سوی خدا مؤید هستند، و این است رستگاری بزرگ!! تا آنکه در حظيرة القدس از جوار رب العالمین ساکن شوند، که در آن برایشان هر چه بخواهند و آنچه چشمها لذت ببرند آماده است و در آن دائمی خواهند بود، و ملائکه به آنان می گویند: "سَلَامٌ عَلَیْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ، فَنِعَمَ عُقْبَى الدَّارِ".^{۳۲}

با این معجزه، بر همگان مسلم شد که "غدير" از منبع وحی سرچشمه گرفته و يك فرمان الهی است. از سوی دیگر، تعیین تکلیف برای همه منافقان آن روز و طول تاریخ شد؛ که همچون حارث فہری فکری کنند؛ و به گمان خود خدا و رسول را قبول دارند، و بعد از آنکه می دانند ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) از طرف خداست؛ صریحاً می گویند: ما تحمل آن را نداریم!! این پاسخ دندان شکن و فوری خداوند ثابت کرد که هر کس ولایت علی (علیه السلام) را نپذیرد منکر سخن خدا و رسول است.^{۳۳}

پایان مراسم سه روزه "اکمال دین" در غدير خم

بدین ترتیب پس از سه روز، مراسم غدير پایان پذیرفت و آن روزها به عنوان "ایام الولاية" در ذهنها نقش بست. گروهها و قبائل عرب، با دنیایی از معارف اسلام، پس از وداع با پیامبرشان و معرفت کامل به جانشین او، راهی شهر و دیار خود شدند. پیامبر ﷺ نیز عازم مدینه گردیدند در حالیکه کاروان نبوت را به سر منزل مقصود رسانده بودند. خبر "واقعه غدير" در شهرها منتشر شد و به سرعت شایع گردید و به گوش همگان رسید، و بدون شك توسط مسافران و

(۳۲) سوره رعد: آیه ۲۴.

(۳۳) بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۱۳۶ و ۱۶۲ و ۱۶۷. عوالم: ج ۱۵:۳ ص ۵۶ و ۵۷ و ۱۲۹ و ۱۴۴. الغدير: ج ۱ ص ۱۹۳.

ساربانان و بازرگانان تا اقصی نقاط عالم آن روز یعنی مصر و افریقا و روم و ایران و هند و چین بخش شد و غیر مسلمانان هم از آن با اطلاع شدند.^{۳۴}

بدین وسیله جامعه اسلامی بار دیگر قدرت خود را به نمایش گذاشت، و از حملات احتمالی بیگانه مصون ماند. بدین گونه بود که خداوند حجتش را بر مردم تمام کرد؛ چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: مَا عَلِمْتُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله تَرَكَ يَوْمَ الْغَدِيرِ لِأَحَدٍ حُجَّةً وَلَا لِقَائِلٍ مَقَالاً.... پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر برای احدی عذری و برای کسی سخنی باقی نگذاشت.^{۳۵}

واکنش شیاطین و منافقین در برابر اکمال دین

افشای عکس العملها و اقدامات شیاطین ابلیسی و شیاطین انسی، از مهمترین بخشهای موضوع غدیر بشمار می آید، زیرا در سایه آن به آسانی می توان دریافت که آنچه پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله به وقوع پیوست و آنطور که مردم زحمات یک عمر آن حضرت و آن خطابه عظیم در غدیر را نادیده گرفته و به فراموشی سپردند، هرگز بدون پایه ریزی و برنامه های قبل انجام نگرفته بود و شیاطین و منافقین آخرین تلاشهای خود را در این زمینه انجام داده بودند.

در غدیر، هم ابلیس و گروهش عزا گرفته بودند، و هم منافقین در هاله ای از یأس و ناامیدی بسر می بردند، و توطئه های خود را نقش بر آب می دیدند.

هم شیطان و شیاطینش در فکر راهی تازه برای گمراهی امت و به جهنم کشاندن مسلمین بودند، و هم کفران به ظاهر مسلمان چاره ای برای بازگشت و عقب گرد به دوران جاهلیت و احیای دوباره کفر و شرک و الحاد جستجوی کردند.

(۳۴) بحارالانوار: ج ۳۷ ص ۱۳۶، ج ۳۹ ص ۳۳۶، ج ۴۱ ص ۲۲۸. عوالم: ج ۱۵:۳

ص ۶۸. کشف المهم: ص ۱۰۹. بصائر الدرجات: ص ۲۰۱

(۳۵) بحارالانوار: ج ۲۸ ص ۱۸۶. اثبات الهداة: ج ۲ ص ۱۱۵.

آنچه در این قسمت از تاریخ تکان دهنده است اینکه در غدیر، شیاطین دل به منافقین بسته بودند و چشم به دست آنان و نقشه هایشان داشتند و خود را از هر جهت مستأصل می دیدند. این منافقان مشرک و کافر بودند که روی شیطان و شیطانیان را سفید کردند، و به فرزندان خَلَف خود که دست کمی از آنها نداشتند درس مقابله با وحی و نبوت و دستگاه الهی را دادند، و چنان نقشه ای پیاده کردند که نه فقط خود به مقاصد شومشان رسیدند، بلکه تا آخر روزگار اکثریتی از مسلمین را از راه و صراط مستقیم دوازده جانشین بر حق پیامبرشان منحرف کردند و چهره خلافت اسلامی را هم نزد جهانیان مشوه ساختند.

در این بخش، ابتدا اشاره ای خواهیم داشت به آنچه بین ابلیس و شیاطین در روز غدیر جریان داشت، و سپس اقدامات و واکنشهای منافقین را ذکر می کنیم.

ابلیس و شیاطین در غدیر

ابلیس و دار و دسته اش - این دشمنان سخت کوش انسان - 'غدیر' را هولناکترین مقطع برای خود به حساب آوردند. آنان و اهله داشتند که پس از غدیر، راه گمراهی انسانها بسته شود. به همین جهت در آن روز، بسیار محزون بودند و فریادشان بلند بود.

ولی شیاطین انسی به فریاد ابلیس و گروهش رسیدند و در همان غدیر وعده هایی به او دادند و نقشه هایی کشیدند و توطئه هایی نمودند که آن حزن و اندوه و فریادهای شیطان یکباره تبدیل به خوشحالی و سرور گردید.

هنگامی که پس از رحلت پیامبر ﷺ اجرای دقیق آن نقشه ها را در سقیفه دیدند سر از پا نمی شناختند، و ابلیس "بزرگ شیاطین" در آن روز تاجگذاری کرد و دستور شادی و سرور رسمی به گروهش داد.

احادیثی که ذیلاً ذکر می شود شاهد این مدعا است.

فریاد شیطان در غدیر

امام باقر علیه السلام فرمود: ابلیس چهار مرتبه فریاد بلند کشیده است: روزی که مورد لعن خداوند قرار گرفت، روزی که از آسمانها به زمین فرستاده شد، روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله مبعوث شد، روز غدیر خم "که امیرالمؤمنین علیه السلام منصوب شد".^{۳۶}

سرور و شادی شیطان از کفر و ارتداد مسلمین

امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر دست امیرالمؤمنین علیه السلام را گرفت، ابلیس در بین گروهش فریادی کشید و همه شیاطینی که در خشکی و دریا بودند نزد او گرد آمدند و گفتند: ای آقای ما، و ای مولای ما، چه نگرانی برایت پیش آمده است؟ ما فریادی وحشتناکتر از این از تو نشنیده بودیم!

ابلیس گفت: این پیامبر کاری کرد که اگر به نتیجه برسد هرگز معصیت خداوند انجام نخواهد گرفت. شیاطین گفتند: ای آقای ما، و ای مولای ما، تو بودی گمراه کننده آدم!! هنگامی که منافقین در بین خود گفتند: 'پیامبر از روی هوای نفس سخن می گوید'، یکی از آن دو نفر "ابوبکر و عمر" به دیگری گفت: 'نمی بینی چگونه چشمانش در سرش مانند مجانین می گردد'، هنگامی که این سخنان را گفتند ابلیس از خوشحالی فریادی کشید و دوستانش را جمع کرد و گفت: 'شما می دانید که من قبلاً گمراه کننده آدم بوده ام!!' گفتند: آری. ابلیس گفت: 'آدم عهد و پیمان را شکست ولی به خداوند کافر نشد؛ اینان عهد و پیمان را شکستند و به پیامبر کافر شدند!!'

(۳۶) بحارالأنوار: ج ۳۷ ص ۱۲۱.

گفته های منافقین در غدیر خم

بعضی از کلماتی که منافقین از شدت غیظ و حسد بر زبان رانده اند مربوط به هنگامی است که حضرت مشغول خطبه بودند و بخصوص آن زمان که امیرالمؤمنین علیه السلام را بلند کرده بودند و به مردم معرفی می کردند، و بعضی دیگر بعد از پایان مراسم است که گرد یکدیگر جمع شده بودند و با هم راز دل می گفتند.

نمونه هایی از گفته های منافقان هنگام خطبه غدیر

- او به پسر عمویش مغرور شده است!
- او به این جوان مغرور شده است!
- کار پسر عمویش را عجب محکم و مؤکد می نماید!
- ما راضی نیستیم، و این يك تعصب است!
- هرگز در مقابل سخن او تسلیم نخواهیم شد!
- این هرگز امر خدا نیست و او از پیش خود سخن می گوید!
- چشمان او را ببینید که همچون مجانین می چرخد!
- اگر می توانست مثل کسری و قیصر عمل می کرد!^{۳۷}

نمونه هایی از گفته های منافقان بعد از خطبه غدیر

- نقشه های ما نقش بر آب شد!
- هرگز گفتار محمد را تصدیق نمی کنیم و به ولایت علی اقرار نمی نماییم.
- باید ما را هم در ولایت علی شريك کند تا ما هم سهمی داشته باشیم...!
- اکنون علی را برای ما تعیین می کند، ولی به خدا قسم خواهد دانست "که چه نقشه هایی کشیده ایم!"^{۳۸}

(۳۷) بحارالانوار: ج ۳۷ ص ۱۱۱ و ۱۳۹ و ۱۵۴ و ۱۶۰ و ۱۷۲ و ۱۷۳.

(۳۸) بحارالانوار: ج ۳۷ ص ۱۵۴ و ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۶۲.

نمونه های بارز از عکس العملهای منافقین در غدیر

گذشته از کلماتی که از قول منافقین ذکر شد، چند نمونه بارز از عکس العملها و رفتارهای آنان را ذیلاً ذکر می کنیم:

اکنون می گوید: خدایم چنین گفته است

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علیه السلام را در روز غدیر معرفی و منصوب می فرمود، مقابل حضرت هفت نفر از منافقین نشسته بودند که عبارت بودند از: ابوبکر، عمر، عبدالرحمن بن عوف، سعد بن ابی وقاص، ابوعبیده بن جراح، سالم مولى ابی حذیفه و مغیره بن شعبه. از میان اینها عمر گفت: او را نمی بینید که چشمانش مانند مجانین در گردش است؟! اکنون می گوید: خدایم چنین گفته است!^{۳۹}

تصدیق نمی کنیم... اقرار نمی کنیم

حذیفه می گوید: معاویه در روز غدیر - بعد از منصوب شدن امیرالمؤمنین علیه السلام، از شدت ناراحتی برخاست و با تکبر به راه افتاد و با غضب خارج شد در حالی که دست راستش را بر ابوموسی اشعری و دست چپش را بر مغیره بن شعبه تکیه داده بود. او همچنانکه با تکبر راه می رفت گفت:

محمد را بر این گفتارش تصدیق نمی کنیم، و به ولایت علی اقرار نمی کنیم.... خداوند این آیه را درباره او نازل کرد: **فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى وَلَكِنْ كَذَبَ وَتَوَلَّى ثُمَّ ذَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ يَتَمَطَّى**^{۴۰} 'نه تصدیق کرد و نه نماز خواند، بلکه تکذیب کرد و پشت نمود، و سپس با حال تبختر به سوی اهل خود براه افتاد'...

(۳۹) عوالم: ج ۳: ۱۵ ص ۱۳۴.

(۴۰) سوره قیامت: آیه ۳۱ تا ۳۴.

پیامبر ﷺ خواست او را برگرداند و به قتل برساند، ولی از جانب خداوند آیه نازل شد که: لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ^۱. "در آن باره لسانت را حرکت مده که عجله کرده باشی"، و حضرت مأمور به صبر گردید.^۲

ای کاش این سوسمار را....: هنگامی که جریان غدیر واقع شد منافقین گفتند: 'حیله ما باطل شد'. وقتی مردم متفرق شدند آنان نزد یکدیگر جمع شده بودند و از آنچه واقع شده بود تأسف می خوردند. در این هنگام سوسماری از کنار ایشان عبور کرد. آنان به یکدیگر گفتند: ای کاش محمد این سوسمار را... امام ما قرار می داد!! ابوذر این سخن را شنید و به پیامبر ﷺ گزارش داد. وقتی حضرت آنان را احضار کرد به دروغ قسم یاد کردند که چنین نگفته اند.

حضرت فرمود: 'جبرئیل برایم خبر آورده است که روز قیامت قومی را می آورند که امام آنان سوسمار است! مواظب باشید که شما نباشید!!'^۳

صحیفه ملعونه دوم در مدینه

وقتی وارد مدینه شدند منافقین که در نقشه قبلی شکست خورده بودند، جلسه مهم دیگری تشکیل دادند که در آن سی و چهار نفر از بزرگان منافقین و همانهایی که اغلب پس از رحلت حضرت در رأس امور قرار گرفتند، شرکت داشتند.

در این مجلس اساسنامه نقشه های آینده را تنظیم کردند و همه افراد زیر آن طومار را امضا کردند. امضا کنندگان، گذشته از چهارده نفر قبل، عده ای دیگر

(۴۱) سوره قیامت: آیه ۱۶.

(۴۲) عوالم: ج ۳: ۱۵ ص ۹۶ و ۹۷ و ۱۲۵.

(۴۳) عوالم: ج ۳: ۱۵ ص ۱۶۳. بحار الانوار: ج ۳۷ ص ۱۶۳.

از رؤسای قبایل و افرادی بودند که هر يك گروهی از مردم را با خود همراه داشتند. از جمله آنان ابوسفیان، عكرمه پسر ابوجهل، سعید بن عاص، خالد بن ولید، بشیر بن سعید، سُهيل بن عمرو، ابوالأعور اسلمی، صهیب بن سنان و حكیم بن حزام بودند.

نویسنده طومار سعید بن عاص و محل اجتماع و نوشتن، خانه ابوبكر بود. پس از امضاء، طومار را پیچیدند و به ابوعبیده جراح به عنوان امین خود سپردند تا آن را به مكه ببرد و كنار صحیفه اول در كعبه دفن كند تا به عنوان سند محفوظ باشد.

فردای آن روز، پیامبر ﷺ پس از نماز صبح اشاره ای به اقدام این منافقین کردند و فرمودند: 'عهده ای از این امت معاهده ای نوشته اند که به معاهده زمان جاهلیت که در كعبه آویخته بودند شبیه است، ولی من مأمورم آن را افشا نکنم! سپس رو به ابوعبیده جراح کردند و فرمودند: 'اکنون امین این امت شده ای؟!'

وعده های منافقین به شیطان

امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که پیامبر ﷺ دست امیرالمؤمنین علیه السلام را گرفت و فرمود: 'مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ'، ابلیس و بزرگان گروهش حاضر بودند.

شیاطین به او گفتند: به ما چنین نگفته بودی! بلکه خبر داده بودی که هرگاه پیامبر از دنیا برود اصحاب او متفرق می شوند! این طور که او صحبت کرد برنامه مستحکمی را پیش بینی کرد که هر کدام از جانشینانش هم از دنیا برود

دیگری به جای او می نشیند! ابلیس در پاسخ گفت: بروید، که اصحاب او به من وعده داده اند که به هیچیک از گفته های او اقرار نکنند، و آنان هرگز این وعده خود را نمی شکنند!^{۴۵}

هنگامی که پیامبر ﷺ از دنیا رفت و مردم غیر علی (علیه السلام) را برای خلافت پیا داشتند، ابلیس تاج پادشاهی بر سر گذاشت و منبری نصب کرد و بر روی آن نشست و شیاطینش را جمع کرد و به آنان گفت: شادی کنید، چرا که تا امام قیام نکند خداوند اطاعت نمی شود.^{۴۶}

جمله آخر این حدیث در متن عربی چنین است: "لَا يُطَاعُ اللَّهُ حَتَّى يَقُومَ الْإِمَامُ". این جمله احتمال دو معنی دارد: الف: تا امام بر حقی امور را به دست نگیرد خدا اطاعت نمی شود. ب: تا امام زمان (عجل الله فرجه) قیام نکند خدا بطور کامل اطاعت نمی شود .

اعلان اکمال دین در اذان و اقامه

برای حفاظت از پیام الهی "اکمال دین" در میان مسلمین در طول تاریخ؛ ابوذر و خواص از صحابه؛ بعد از واقعه غدیر خم، با اجازه حضرت نبوت شهادت به ولایت حضرت مولا علی (علیه السلام) (أشهد أن علياً أمير المؤمنين ولي الله - أشهد أن علياً و أولاده المعصومين حجب الله) را در اذان و اقامه علناً ملتزم شدند، و با ابراز تعجب یا انکار برخی از صحابه؛ حضرت پیامبر ﷺ اقدام ابوذر و خواص صحابه را تأیید فرمودند.

(۴۵) بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۱۲۰ و ۱۶۸. عوامل: ج ۳: ۱۵ ص ۱۲۵ و ۱۳۵.

(۴۶) روضه کافی: ص ۳۴۴ ح ۵۴۲.

پژوهشگرده ها و آموزشگرده های بنیاد حیات اعلی

علوم معرفت الهی - علوم زبان وحی - علوم کلام وحی

علوم تلاوت کلام وحی - علوم کلام خازنان وحی - علوم فقه آئین الهی

علوم تقویم نجوم تبخیم - علوم طب جامع - علوم پاکزیتی

آموزش برتر (اعلی) - علوم برتر (اعلی) - علوم توانمندی بانسروی الهی

علوم عمارت برتر - علوم انساب و تبارشناسی - رسانه های حیات اعلی

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

دارالمعارف الإلهیة

تحقیق ۱۴۰۵ نشر اول ۱۴۱۵ نشر دوم ۱۴۲۵ نشر سوم ۱۴۳۵

نسخه: ذی حجه ۱۴۳۵

www.Aelaa.net
Aelaa.net@gmail.com

والحمد لله رب العالمین